



قرآن شریف

با

ترجمہ و تفسیر کابلی

۲۶

مقدمه

این قرآن مجید که معهُ ترجمه و تفسیر آن است، در افغانستان بنام **تفسیر کابلی** شهرت دارد. ترجمه و تفسیر این قرآن پاک را که عالم شهیر مولانا محمود الحَسَن (رح) "دیوبندی - اهل هند" و مولانا شبیر احمد عثمانی (رح) "اهل هند" و حضرت شاه عبدالقادر (رح) و مولانا محمد قاسم (رح) به زبان اُردو نوشته بودند، تحت نظارت علمای فاضل و ممتاز افغانستان از زبان اُردو به زبان دری ترجمه و تدوین شده است. آنها این میوه قیمتی را در اختیار افغانهای مسلمان و مُتَدین قرار داده اند تا آنها از آن مستفید گردند و در زندگی مسیر درست را انتخاب کنند.

روح مُترجمین و مُفسرین آن شاد و جایشان بهشت برین باد!

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿٩﴾

(هَرآئینه) ما (الله) فرو فرستادیم قرآن را و هَرآئینه (بدون شک) ما او را نگهداریم (۹).

آیت فوق در سوره پانزدهم (سوره حَجِر) است.

(حَجِر وادی ای است در میان مدینه و شام و اصحاب حَجِر قوم ثمود را گوید)

قابل یادآوریست که هر صفحه این قرآن عظیم الشان نسبت به اصل آن که ۱۰۰٪ بود تا ۱۳۵٪ کلانتر شده است.

ترتیب کننده این سپاره: محمد هاشم معلم زبانهای دری، پشتو و فارسی در سویدن

۲۰۰۳ - ۱۳۹۲ هجری شمسی مطابق به ۱۰ - ۰۶ - ۲۰۱۳ میلادی

قرآن مجيد

بترجمه و تفسير

انا نحن نزلنا الذكر وانا له لحافظون

(سورة الحجر: ٩)

طبع على نفقة

عبد الله بن عبد الغني واولاده

بدولة قطر

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

پناه می‌برم به الله از شرّ شیطانِ رانده شده
(شیطان که از رحمت خدا دور شده)

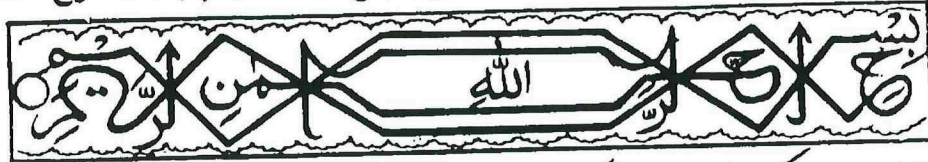
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

سپاره بیست و هشتم (۲۶)

(جزء بیست و ششم)

(سورة الاحقاف مكية وهى خمس وثلثون آية واربع ركوعات)
(سورة الاحقاف مكي و آن سى و پنج آيت و چهار ركوع است)



آغاز میکنم بنام خدايکبري اندازه مهربان نهايت با رحم است

حَمَّ ① تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ

فرو فرستادن کتاب است از طرف الله

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ② مَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ

غالب با حکمت نیا فریدیم آسمانها

وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ

و زمین را و آنچه در میان آنهاست مگر بحکمت

وَأَجَلٍ مُّسَمًّى ط

و بتقدیر معیاد معین

تفسیر : آسمانها و زمین و تمام این کارخانه را الله تعالی بی فائده نیا فریده بلکه برای يك مقصد خاص پیدا کرده است و این کارخانه قدرت تايك معیاد معین و وعده موعوده همین طور در جریان می باشد تا آنکه نتیجه آن که عبارت از آخرت است ظاهر گردد.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُعْرِضُونَ ③

و آنانکه کافر شدند از آنچه ترسانیده شدند اعراض کنندگان اند

تفسیر : از عاقبت بدبیم ندارند و برای آخرت آمادگی نمیکنند - اگر گاهی سخن آخرت را بشنوند از يك گوش شان داخل و از دیگر گوش آنها خارج میشود .

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

بگو بنگرید آنچه میپرستید بجز الله

أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ

بنمائید مرا چه چیز آفریده اند از زمین

أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ ط

یا ایشان راست شرکتی در آسمانها

تفسیر: خداوند قدوس آسمانها و زمین و کل مخلوقات را آفرید آیا از ته دل حکم کرده میتوانید که کدام قطعه زمین و یا کدام حصه آسمان را کس دیگری ساخته است و یا ساخته بتواند چون چنین نیست پس آنها را چسان با خدا برابر و یا از حضرت او بلندتر میدانید.

إِيتُونِي بِكِتَابٍ مِّنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَرٍ

بیارید بمن کتابی که قبل ازین (قرآن) است یا بقیه

مِّنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝

از علم (پیشینیان) اگر هستید راستگویان

تفسیر: اگر در دعوای شرک خود راست هستید از کدام کتاب آسمانی سندی بیاورید و یا به چنان اصول علمی ثابت کنید که نزد عقلاء دایماً مسلم باقی مانده باشد - چیزیکه دلیل نقلی و یا عقلی ندارد آن چیز چگونه پذیرفته خواهد شد؟

وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ

و کیست گمراه تر از کسیکه بخواند بجز الله

مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

آنرا که اجابت نکند (خواندن) او را تا روز قیامت

وَهُمْ عَنْ دُعَائِهِمْ غَفِلُونَ ⑤

وایشان از خواندن ایشان بیخبران اند

تفسیر: چه گمراهی و حماقت بزرگتر ازین فعل خواهد بود که از خدا منصرف شده چنان مخلوق بیجان و یابی اختیاری را حاجت روی خویش قرار دهند که به اختیار مستقل خود به فریاد کسی رسیده نمی توانند بلکه این هم ضروری نیست که آنها از خواندن کسی اهلیت آگهی داشته باشند - قطع نظر از بتان سنگی که هیچگونه اختیاری ندارند حتی فرشتگان و پیغمبران هم که قدرت دارند هر چیز را بشنوند و یاکاری را اجرا کنند معذک تنها همان سخن را شنیده و همان کاری را اجراء کرده می توانند که از طرف الهی (ج) اجازه و قدرت آن بایشان اعطاء شده باشد.

وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً

و چون جمع کرده شوند مردمان باشند این معبودان ایشانرا دشمنان

وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ ⑥

و باشند عبادت ایشانرا منکران

تفسیر: چون در محشر به امداد و اعانت بیشتر حاجت می افتد این معبودان بیچاره به پرستندگان کجا مدد کرده می توانند؟ - آری بطور دشمن در مقابل آنها ایستادگی میکنند و بیزاری زیاد خود را اظهار خواهند کرد بلکه تا این اندازه اظهار خواهند نمود که «ما کانوا ایلاناً یعبدون» (قصص رکوع ۷) این مردم هرگز مارا نمی پرستیدند - اکنون بسنجید که در آن وقت باچه حسرت و ندامت دچار میشوید؟

وَإِذَا تُلِيَ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ

و چون خوانده شود برایشان آیتهای آشکارا گویند

الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ لَا

آنانی که کافر شدند (به نسبت) سخن حق (قرآن) بمجردی که آمد بایشان

هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ ⑦

این جادوی ظاهراست

تفسیر : این مردم فعلاً فکر سرانجام خود را ندارند و هیچ پند و نصیحت را نمی شنوند بلکه هر وقتیکه آیات قرآن برای ایشان خوانده میشود آنرا جادو گفته از آن اعراض می کنند .

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ ط

(بلکه) آیا میگویند که افترا کرده است آنرا (محمد ص)

تفسیر : از جادو گفتن دعوی قبیح تروشنیع تر آنها این است که میگویند قرآن مجید را خود محمد (ص) ساخته و این افترای بزرگ را بسوی خدا منسوب میکند (العیاذ بالله)

قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي

بگو اگر افترا کرده باشم آنرا پس نمیتوانید برای من

مِنَ اللَّهِ شَيْئًا ط

از الله چیزی را

تفسیر : دروغ بستن بر خدا گناه بزرگ است - اگر بفرض محال چنین جسارت کنم گویا دیده و دانسته شخص خود را به قهر و غضب خدا و سخت ترین مجازات او پیش میکنم خوب فکر کنید شخصیکه در تمام عمر خود بر بندگان هم دروغ نه بندد و در هر معامله جزئی از خوف خدا لرزان باشد چگونه ممکن است که دفعته بر خدا (ج) افتراء نموده خود را گرفتار چنین آفت و مصیبت بزرگ نماید که هیچ قوت دنیا او را از آن نجات و پناه داده نتواند اگر فرضاً بتوا نسیم به ذریعه دروغ و غیره شمارا تابع خود سازم آیا قدرت دارید که از قهر و غضب خدا که بر مدعیان کاذب نبوت وارد میشود مرا نجات بدهید؟ و هنگامیکه خدا بخواهد بمن بدی برساند آیا يك نیکي جزئی به من رسانده میتوانید از سوابق و سوانح چهل ساله من شما نیک میدانید که من نه شخص بیباک و نه چنان بی عقل هستم که برای خوشنودی تنی چند قهر خداوند قدوس را بپذیرم به هر حال اگر من (معاذ الله) کاذب و مفتری باشم و بال آن بر من خواهد بود .

هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ ط كَفَى بِهِ

خدا دانای تراست بسختانی که فرو میرود در آن کافی

شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ط

گواه است الله میان من و میان شما

تفسیر : سخنانی را که وضع می کنید خدای تعالی خوب میداند پس افکار لغو و بیفائده را گذاشته فکر عاقبت خود را بکنید اگر رسول صادق خدا را دروغگو و مفتری خواندید از نتیجه وخیم این اظهار خود باخبر باشید هیچکس سخن من و شما بر خدا پنهان نیست و او تعالی بر وفق علم صحیح و محیط خود با هر کس معامله میکند - همان ذات اقدس بین من و شما گواه است او تعالی به قول و فعل خود حالا نشان میدهد و در آینده هم وانمود خواهد فرمود که کدام کس برحق است و کدام کس دروغ میگوید و افتراء میکند .

وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ①

واوست آمرزگار مهربان

تفسیر : هنوز هم وقت است که باز آئید تا بخشیده شوید - این را فقط از مهربانی و بردباری او تعالی بدانید که با وجود اطلاع بر جرائم شما و داشتن قدرت کامل فوراً شما را هلاک نمی کند .

قُلْ مَا كُنْتُ بِدُعَاءِ مَنْ الرُّسُلِ

بگو نیستم من اول رسول از رسولان

تفسیر : چرا از سخنان من این قدر رم می کنید کدام چیز نوی نیآورده ام بلکه پیش از من هم سلسله نبوت و رسالت جاری بوده است - من نیز همان چیز قدیم را اظهار میکنم زیرا پس از جمیع انبیای سابق مرا الله تعالی به طور رسول فرستاده و خبر آنرا انبیای گذشته داده اند ، ازین حیثیت دعوی من کدام چیز جدیدی نیست بلکه مصداق بشارات سابقه امروز ظاهر شده است پس در پذیرفتن او چه اشکال دارید؟

وَمَا أَدْرِى مَا يُفْعَلُ بِيْ وَلَا بِكُمْ ٭

و نمیدانم (بطور تفصیل) چه کرده خواهد شد بمن و نه (میدانم چه کرده میشود) بشما

إِنْ أَتَّبِعْ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا

پیروی نمیکنم مگر آنرا که وحی کرده میشود بسوی من و نیستم

إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ②

مگر ترساننده آشکار

تفسیر : من در پی آن نیستم که عاقبت کار من چه میشود ، الله تعالی با من چه معامله خواهد نمود ؟ و با شما چه رفتار خواهد کرد ؟ و نمیتوانم که درین وقت راجع به سرانجام خودم و شما تفصیل کامل بدهم که در دنیا و آخرت بمن و شما چه احوال پیش خواهد آمد - تنها يك سخن میگویم که وظیفه من فقط اتباع وحی الهی (ج) و امتثال حکم خداوندی و آگاه نمودن به وضاحت از نتایج خطرناک کفر و عصیان است تفصیل این مطلب را که بعد ازین در دنیا و یاد آخرت بمن و شما چه پیش می آید فی الحال نمیدانم و با این مباحثه هیچ کاری ندارم - وظیفه يك بنده اینست که از نتیجه صرف نظر کند و به تعمیل احکام مالک خود بپردازد .

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَتْ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ

بگو بنگرید اگر باشد قرآن از نزد الله

وَ كَفَرْتُمْ بِهِ وَ شَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ

و شما کافر شده اید به آن و گواهی داده است گواهی از

بَنِي إِسْرَآءَ يَكُ عَلَىٰ مِثْلِهِ فَا مَن

بنی اسرائیل بر (حقیقت) چنین کتاب پس ایمان آورد (به آن)

وَ اسْتَكَبَرُوا ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي

و تکبر کردند (آیا ظالم نیستید) هر آینه الله راه نمی نماید

لَهُ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝۱۰

قوم ظالمان را

تفسیر : در آن زمانه مشرکان جاهل عرب به علم و فضل بنی اسرائیل عقیده داشتند چون صیت شهرت نبوت آنحضرت (ص) بلند شد مشرکین خواستند نظریه علمای بنی اسرائیل را درین باره معلوم کنند غرض حقیقی ایشان این بود که آنمردم آنحضرت (ص) را تکذیب نمایند تا برای شان دلیلی بدست آید که «بنگرید اهل علم و اهل کتاب هم سخنان او را تکذیب می کنند» مگر مشرکین درین مقصد همیشه ناکام ماندند خدای تعالی از زبان خود بنی اسرائیل تصدیق و تائید آنحضرت (ص) را نمود نه فقط به همین قدر سخن که آن مردم هم مانند قرآن تورات را کتاب آسمانی و مانند آنحضرت

(ص) حضرت موسی را پیغمبر میگفتند و بدین طریق دعوی رسالت از طرف آنحضرت (ص) ووحی قرآن کدام چیز جدید و غریب نیست بلکه باین طریق که بعضی علما ی یهود صریحاً اقرار کردند و کواهی دادند که بدون شك و شبهه در کتاب های ما از ظهور يك رسول عظیم الشان از ملك عرب و کتاب او خبر داده شده و این رسول همان رسول موعود است و این کتاب همچنان است که در آن باره خبر داده شده بود این شهادت های علمای یهود در حقیقت بران پیشگوئیها مبنی بود که با وجود هزارها تحریف و تبدیل امروز هم در تورات و غیره موجود است از اینها هویدا میگردد که بزرگترین گواه بنی اسرائیل (حضرت موسی (ع) تقریباً هزار سال پیش خودش گواهی داده است و از بین اقارب و برادران بنی اسرائیل که (بنی اسماعیل) اند مثل خود او رسولی آمدنی است «انا ارسلنا الیکم رسولا شاهدا علیکم کما ارسلنا الی فرعون رسولا» (المزمل رکوع ۱) از همین سبب بعضی اخبار منصف و حق پرست یهود چون عبدالله ابن سلام و غیره به مجرد دیدن روی آنحضرت (ص) اسلام آوردند و اظهار کرده گفتند «ان هذا الوجه لیس بوجه کاذب» این چهره چهره دروغگو نیست . آنها به حقانیت همچو کتاب واضح الاعجاز که قرآن است گواهی دادند پس چون موسی (ع) تقریباً هزار سال پیش از وقوع بر چیزی ایمان آورد و علمای یهود بر صدق آن گواهی بدهند و بعضی اخبار یهود به شهادت قلبی و زبانی مشرف به اسلام شوند لهذا با وجود این همه شهادتها اگر از نخوت و غرور خود آنرا قبول نکنید بدانید که هیچ ظلم و گناه بزرگتر از آن نیست و برای همچو ظالمان و گنهگاران چه توقع نجات و فلاح میتوان نمود .

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا

و گفتند آنانکه کافر شدند در حق آنانکه ایمان آوردند

لَوْ كَان خَيْرًا مَّا سَبَقُوا نَا إِلَيْهِ ط

اگر (این دین) بهتر می بود سبقت نمی کردند بر ما بسوی آن

تفسیر : یعنی افراد ضعیف و ذلیل و غلامان و کنیزان مسلمان میشوند - اگر این دین بهتر می بود افراد بهتر بسوی آن می شتافتند اگر این چیز خوب می بود آیا در تحصیل آن عقل مندان و صاحبان عزت و دولت نسبت باین کنیزان و غلامان هم عقب میماندند ؟

وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ

و چون راه نیافتند به آن پس اکنون میگویند

هَذَا آفَافُكُ قَدْ يُمُ ⑪

این دروغی است قدیمی

تفسیر : همیشه گروهی از مردم چنین سخنان ساخته اند - شاید این جواب «و شهد شاهد من بنی اسرائیل» و «ما كنت بدعاً من الرسل» خواهد بود .

وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً

حالتی که پیش ازین (قرآن) کتاب موسی بود پیشوا و رحمت

وَهَذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ

واین (قرآن) کتابی است تصدیق کننده

تفسیر : این دروغ پارینه نیست بلکه راستی پارینه است - صدها سال پیشتر از نزول قرآن تورات هم همین تعلیم اصلی را داده بود که انبیاء و اولیاء همیشه اقتدای آنرا کرده اند - و آن برای نسلهای آینده به ذریعه تعلیمات و بشارات خود راه هداست و راستی را قایم کرد و دروזהای رحمت را بکشد - اکنون قرآن فرود آمد در حالیکه آن را تصدیق میکند - الغرض هر دو کتاب یکدیگر را تصدیق میکنند و حال دیگر کتب سماویه نیز همین است .

لِسَانًا عَرَبِيًّا لِيُنْذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا

بزبان عربی تا بترساند آنان را که ظلم کرده اند

وَبُشْرَىٰ لِلْمُحْسِنِينَ ﴿١٢﴾ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا

و برای مژده دادن نیکوکاران را هر آئینه آنانکه گفتند

رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ

پروردگارا ما الله است باز ثابت ماندند (بران) پس ترسی نیست برایشان

وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١٣﴾

و نه ایشان غمگین شوند

تفسیر : چنین آیت در «حم السجدة» پاره (۲۴) گذشته است تفسیر آن ملاحظه شود.

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا ج

آن گروه اهل بهشت اند جاودان در آن

جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝۱۴

پاداش داده شوند به حسب آنچه میکردند

تفسیر : به فضل و رحمت خدا از سبب کارهای نیک خود همیشه در بهشت میباشند .

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا ط

و امر کردیم انسان را که به پدر و مادر خود نیکوئی کند

تفسیر : در چندین موقع قرآن الله تعالی حق والدین را با حق خود بیان فرموده است زیرا موجد حقیقی خود حضرت الهی است لیکن در عالم اسباب والدین سبب ظاهری وجود اولاد و مظهر خاص شان ر بوبیت حق تعالی میشوند - درین موقع هم در «ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا» اول حقوق الله تعالی مذکور بود - حالا حق والدین را خاطر نشان نمود یعنی به انسان حکم داده شده که با والدین خود سلوک نیک کند ، بجا آوردن تعظیم و محبت و خدمت گذاری آنان را سعادت خود بداند - در جای دیگر وانمود کرده که اگر والدین مشرک باشند باز هم در دنیا به آنها معامله نیک شود خصوصاً در خدمت گذاری مادر باید کوشید که از بعضو جوه حق او نسبت به پدر هم فوقتر است چنانچه احادیث صحیحہ بر آن دلالت میکنند .

حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا ط

برداشت (در شکم) اورا مادر او به مشقت و زائیده است اورا به مشقت

تفسیر : یعنی ثقل حمل بعد از چندین ماه حس میشود - در هنگام وضع حمل سختی های زیادی را متحمل میشود بعد از آن به طفل شیر میدهد و تا سالها بهر نوع حفاظت و بهداشت او میپردازد - آسایش و آرام خود را بر آسایش و راحت او قربان میکند پدر هم تا یک اندازه زیادی شریک این مصائب میشود و سامان تربیت را فراهم می آورد بیشک این همه کارها از تقاضای فطرت به عمل می آید مگر این هم از تقاضای همان فطرت است که اولاد شفقت و محبت مادر و پدر را محسوس و محنت و ایثار آنها را قدر کند .

تنبیه : در حدیث برای خدمت گذا ری مادر سه بار حکم فرموده و برای خدمت گذاری پدر صرف یک بار حکم نموده است لطف در اینجا است که درین آیت ذکر والد فقط یک مرتبه در لفظ «والدیه» آمده و ذکر والده سه بار شده است اول در لفظ «والدیه» باز در «حملته» و باز در «وضعت» .

وَحَمْلُهُ وَفِصْلُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا ط

و مدت حمل او و جدا کردن او از شیر سی ماه است

تفسیر: این را شاید به طور عادت اکثریه فرمود - حضرت شاه صاحب (رح) مینویسد که اگر بچه قوی باشد در ظرف بیست و یکماه شیر را ترك میکند و ۹ ماه از حمل می باشد و یا چنین بگوئید که مدت حمل اقل از شش ماه است و در دو سال عموماً اطفال از شیر جدا کرده میشوند . بدین طریق کل مدت سی ماه شد - بودن مدت رضاع بیشتر از آن بسیار قلیل و نادر است .

حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً ٧

تا چون رسید انسان بکمال قوه خود و رسید به چهل سالگی

تفسیر: در عمر چهل سالگی عموماً قوتهای عقلی و اخلاقی انسان کامل میشود از همین سبب بعثت انبیاء علیهم السلام پیش از اكمال چهل سال بعمل نمی آید .

قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ

گفت ای پروردگار من الهام کن مرا باینکه شکر کنم نعمت ترا

الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ

آن نعمت که انعام کرده بر من و بر والدین من و اینکه

أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي دِينِي ط

کنم کار نیکو که پسندی آنرا و صلاحیت بخش برای من در اولاد من

إِنِّي نَبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ١٥

(هر آئینه) من رجوع کرده ام بسوی تو (و بتحقیق) من از فرمان بردارانم

تفسیر: آدم سعادت مند آن است که آن احسانات الله تعالی را که به خودش و والدین او مبذول شده برای شکر آن و اجرای کار نیک در آینده از خدا توفیق طلبد و در حق اولاد خود هم دعای نیک کند - کوتاهی که در حقوق الله و یا حقوق العباد از او صادر شده باشد از آن توبه کند و از راه تواضع و بندگی به عبودیت مخلصانه و فرمانبرداری خود اعتراف نماید .

تنبیه : از جمله صحابه رضی الله تعالی عنهم حضرت ابوبکر صدیق (رض) بسیار خوش قسمت بود که بخود او ووالدین واولادش بر علاوه ایمان شرف صحبت نبی کریم (ص) هم میسر شد که هیچکس از صحابه باین خصوصیت نائل نشده .

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ

آن جماعه آنانند که قبول میکنیم از ایشان نیک

مَا عَمِلُوا وَ تَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ

اعمال ایشان و در میگذریم از بدیهای ایشان

فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعْدَ الْبِدْءِ الَّذِي

(این گروه داخل اند) در اهل بهشت و عده راست خدا آنچه

كَانُوا يُوعَدُونَ ۝۱۶

بایشان وعده داده میشد

تفسیر : نیکی های چنین بندگان قبول و تقصیرات شان معاف میشود و مقام آنها بر طبق وعده صحیح الله تعالی در جنت است .

وَالَّذِي قَالَ لِيَا إِلَهُيهِ أَفِ لَكُمْ

و آنکه گفت به پدر و مادر خود بیزارم از هر دوی شما

تفسیر : در مقابل اولاد سعادت مند اولاد بی ادب ، نافرمان و نالائق را بیان فرمود که چون مادر و پدر سخن ایمان را باو بفهمانند او نمی فهمد بلکه به خطاب گستاخانه بایشان ایذاء میرساند .

أَتَعِدُّ أُنْبِيَ أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ

آیا وعده میدهم که برآورده میشوم (از قبر) حالانکه گذشته اند

الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي ج

گروه‌های بسیار پیش از من

تفسیر : من ازین تهدید نمی‌ترسم که پس از مرگ دوباره زنده می‌شوم باید دقت کرد که چندین قوم و گروه پیش از من گذشته اند آیا از بین آنها يك شخص هم تا امروز دوباره زنده شده برگشته است . مردم همیشه چنین اعلام را می شنیده اند مگر تا بامروز این خبر به پایه تحقیق و ثبوت نرسیده - پس من چگونه اعتبار کنم .

وَهُمَا يَسْتَغِيثَنِ اللَّهَ وَيُلْكَ اَمِنْ ق

و آن‌ها دو فریاد میکنند به خدا (در حالیکه می‌گویند) وای بر تو ایمان بیار

اِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ ح

بیشك وعده الله راست است

تفسیر : یعنی یکطرف از گستاخی‌های او بالله تعالی فریاد میکنند و دعا می‌نمایند که باو توفیق قبول حق رفیق شود و طرف دیگر او را می‌فهمانند که «ای بدبخت هنوز هم وقت است ، از کفر منصرف شو! خبردار باش که وعده خداوندی بالکل راست است خبر بعث بعدالموت حتما به وقت معین خود به ظهور میرسد ، در آن وقت نتیجه انکار خود را خواهی دید .

فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا آسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ١٧

پس گوید نیست این وعده مگر افسانه‌های پیشینیان

تفسیر : یعنی چنین افسانه‌ها را بسیار شنیده‌ام - قصه‌های روزگار قدیم همینطور مشهور میگردد لیکن در حقیقت هیچ مصداقی ندارد .

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ

آن جماعه آنانند که ثابت شد برایشان سخن عذاب در جمله امت‌هاییکه

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِبِّ وَالْأَنْسِ ط

گذشته است قبل از ایشان از جن و انسان

تفسیر : (سخن عذاب) همان است که درین آیه بیان شده است «لَا مَلْئَنَ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ» (السجده - رکوع ۲) یعنی طوریکه بسیار گروههای جنیان و آدمیان بیش از آنها مستحق جهنم شده اند این بدبختان هم در آنها شامل اند .

إِنَّهُمْ كَانُوا خُسِرِينَ ۱۸

به تحقیق ایشان بودند زیانکاران

تفسیر : آن تخم ایمان و سعادت را که الله تعالی برحمت خود در دل هر شخص بطور فطری پاشیده بود این بدبختان آنرا هم ضایع کرده اند - کدام نقصان و خساره بیشتر ازین خواهد بود که شخصی در تجارت از غفلت و حماقت خود عوض حصول منافع رأس المال را هم از دست بدهد .

وَلِكُلِّ دَرَجَةٍ هُمْ عَمَلُوا ج

و هر فرقه را ازین دو فریق درجات است بحسب آنچه عمل کردند

تفسیر : اهل جنت از سبب تفاوت اعمال چندین درجه دارند همچنان اهل دوزخ را نیز درجات علیحده است .

وَلِيُوَفِّيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۱۹

و تا پوره دهد ایشان را (جزای) اعمال شان در حالیکه ایشان ستم کرده نشوند

تفسیر : نه ثواب کدام نیکی کا ستم میشود و نه در سزای کدام جرم بیشتر از حد مناسب افزوده میگردد .

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ ط

و روزیکه پیش کرده شوند کافران بر آتش

أَذْهَبَتْكُمْ طِبَّاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمْ

(گفته شود به آنها) بردید نعمت های لذت خود را در زندگانی

الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا ج

دنیوی خود و نفع گرفتید به آن

تفسیر : در کار نیک کافر هیچگونه روح ایمان وجود ندارد محض صورت و قالب نیکی می باشد اجر چنین نیکی های فانی هم فانی است که در همین زندگی در شکل مال اولاد ، حکومت ، تندرستی ، عزت و شهرت و غیره باو نصیب میشود - باین شخص خطاب میشود که لذا ید نیکی های صوری خود را در دنیا برداشتی و از لذات آنجا استفاده کامل گرفتی - عیش و آرام که به تقدیر ایمان آوردن در آخرت می یافتی گویا در عوض آن در همین دنیا متمتع شدی - اکنون در عیش و نشاط این جا هیچ بهره نداری حضرت شاه (رح) می نویسد «کسانیکه آخره را نخواستند و فقط دنیا را طلبیدند پاداش نیکی های خود را در همین دنیا یافتند» . .

فَالْيَوْمَ نَجْزِي وَنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ

پس امروز جزاء داده شود شمارا عذاب ذلت بسبب آنکه

تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ

تکبر میکردید در زمین بغير حق

وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ ۚ

و بسبب آنکه و نافرمانی میکردید

تفسیر : امروز درسزای تکبر و دروغ و نافرمانیها به شما عذاب ذلت آورورسواکن داده میشود - همین يك چیز برای شمار اینجا باقی مانده . بعد ازین ، حال بعض اقوام متکبر را بیان میفرماید که پیش از آخرت در دنیا انجام آنهاچه شد ؟ .

وَإِذْ كُنَّا أَخَا عَادٍ ط

و یادکن برادران عاد را

تفسیر : یعنی حضرت هود (ع) که برادر قومی «عاد» بود .

إِذْ أَنْذَرْتَهُمْ بِأَلَّا حَقَافٍ

و قتیکه بترسانید قوم خود را به موضع احقاف

تفسیر : مولف «ارض القرآن» در تحت عنوان بلاد «احقاف» می نویسد: «صحرای کلانیکه بنام «الدهناء» یا «ربع خالی» بین یمامه ، عمان ، بحرین ، حضرموت و یمن مغربی واقع است اگر چه قابل سکونت و آبادی نیست لیکن در اطراف آن در بعض مواضع

قطعات كوچك زمين قابل آبادی است خصوصاً در آن حصه ئيكه از حضرموت تابه نجران امتداد دارد - اگرچه اين حصه هم درين ايام آباد نيست باز هم در عهد قدیم در قسمت مابينی همين حضرموت و نجران قبیله مشهور «عادارم» سکونت داشت که خدای تعالی آنها را در پاداش نافرمانی شان نيست و نابود کرد .

وَقَدْ خَلَّتِ النَّدُّ رُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ

و (هر آئينه) گذشته بودند ترسانند گمان پيش از وی

وَمِنْ خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنْ نِيَ

و بعد از وی باینکه عبادت مکنید هیچ کس را بجز الله (هر آئينه) من

أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۲۱

میترسم بر شما از عذاب روز بزرگ

تفسیر : یعنی پيش از هود (ع) و بعد از او بسيار ترسانندگان آمدند همگنان همان قول حضرت هود (ع) را گفته بودند یعنی بندگی خدای يگانه را بکنید و از انجام بد کفرو معصيت بترسيد امکان دارد که در خود قوم عاد غير از حضرت هود (ع) ديگر انبيای مبلغين نيز آمده باشند والله سبحانه وتعالى اعلم .

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَأْ فِكُنَّا عَنْ إِلَهِنَا ج

گفتند آيا آمده پيش ما تا باز دا ری ما از معبودان ما

فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۲۲

پس بیا بر ما آنچه وعده میدهی ما را اگر هستی از راست گویان

تفسیر : ما از راه پدران خویش باز نمی آئیم اگر در تهديدات خود راست هستی پس تاخير از کدام رهگذر است؟ چیزی که به زبان میگوئی آنها اجرا کن .

قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ ۚ وَأُبَلِّغُكُمْ

گفت جز این نیست که علم آن نزد خداست و میرسانم بشما

مَا أَرْسَلْتُ بِهِ وَلَكِنِّي أَرْكُمُ

آنچه فرستاده‌شده‌ام به آن و لیکن من می‌بینم شمارا

قَوْمًا تَجْهَلُونَ ②

که گروهی هستید که نادانی می‌کنید

تفسیر: این نوع مطالبه محض نادانی و جهالت شماست - من پیغمبر خدا هستم پیامی که بدست من فرستاده شده بشما می‌رسانم - بیش از آن رانه علم دارم و نه اختیار این علم فقط خدا را است که قوم منکر کدام وقت مستوجب سزای دنیوی میشود و تا به کدام وقت باید باو مهلت داده شود.

فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَّتِهِمْ

پس چون دیدند آن عذاب‌موعود را بصورت ابر روی آورده بوادیهای ایشان

قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مِّمَّنْ مَطَرٌ نَا

گفتند این ابر است باراننده بر ما

تفسیر: چون رو بروی خود دیدند که ابر بالا شده پنداشتند که تمام جوی‌ها از آب پر خواهد شد چنانچه گفتند که ابر تیره بارانی برخاسته است اکنون کار ما میشود - در آن آوان از باعث خشک سالی طویل به آب احتیاج زیادی داشتند.

بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا

(گفت‌ه‌ود چنین نیست) بلکه این آن عذابی است که بشتاب می‌طلبیدید آنرا باد است که در آن

عَذَابٌ أَلِيمٌ ③

عذابی است دردناک

تفسیر این ابر باران نیست بلکه همان طوفان عذاب الهی است که برای آن طلب تعجیل می‌کردید.

تُدْمِرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَاصْبَحُوا

هلاک میکند هر چیز را به فرمان پروردگار خویش پس گشتند فردا

لَا يُرَى إِلَّا مَسْكِنُهُمْ ۖ كَذًا لَّكَ

که دیده نمیشد مگر مسکن های ایشان همچنان

نَجْزِي الْقَوْمَ الْهَاجِرِينَ ۝۲۵

جزاء میدهیم گروه گمراهان را

تفسیر : هفت شب و هشت روز مسلسل چنان طوفان مدهش شدید باد و زید که مقابل آن درختان ، آدمیان و جانوران بیش از پر کاه حقیقت نداشت - باد مذکور هر چیز را از بیخ و بن کند و در تمام اطراف تباهی و بربادی وارد شد بالآخر بدون خرابه های خانه ها چیز دیگر به نظر نمی آمد . دیدید! این است حال کسانی که نزد خداوند مجرم میباشند از استماع چنین واقعات باید فکرو هوش کنید و رنه شما هم به چنین عذاب گرفتار خواهید شد .

وَلَقَدْ مَكَنَّهُمْ فِيهَا إِن مَكَّنَّكُمْ فِيهِ

و (به تحقیق) قدرت داده بودیم ایشانرا در آن چیزی که قدرت ندادیم شمارا در آن

تفسیر : مال ، اولاد ، جمعیت و قوت جسمانی که به ایشان داده شده بود بشما داده نشده مگر چون عذاب الهی (ج) بر ایشان نازل شد هیچیکی ازین چیز ها به کار آنها نیامد - پس شما به کدام چیز مغرور و نازان هستید .

وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَ أَبْصَارًا وَ أَفْئِدَةً ۚ

و داده بودیم برای ایشان گوش و چشمها و دلها

فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ

پس بی نیاز ساخت ایشانرا گوش ایشان و نه چشمهای ایشان

وَلَا أَفِيدَ تَهُمٌ مِّنْ شَيْءٍ

هیچ

دل‌های ایشان

و نه

تفسیر : برای پند شنیدن گوش‌ها، برای دیدن علامات قدرت چشم‌ها و برای فکر و ادراک دل‌ها به ایشان داده شده بود لیکن آنها هیچ‌یک قوت را به کار نیانداختند بلکه کور و کر و دیوانه شده مقابل پیغمبران قیام نمودند - بالاخر نتیجه این شد که باو جود این همه قوت‌هایی که مرایشانرا حاصل بوده و اسباب مدافعه به‌شمار می‌روند عذاب الهی آنها را فرا گرفت و هیچ قوت داخلی و یا خارجی آنرا دفع کرده نتوانست .

إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ يَا أَيُّهَا اللَّهُ

خدا

از سخنان

انکار می‌کردند

از سببی که

وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿۲۶﴾

استهزاء می‌کردند

به آن

آنچه

منعکس شد بایشان

و

تفسیر : همان عذابیکه بر آن ریشخند می‌کردند برایشان وارد گشت - حضرت شاه (رح) می‌نویسد که « گوش‌ها، چشم‌ها و دل‌ها بایشان ارزانی شده بود یعنی در کارهای دنیا عاقلانه بودند لیکن به عقلی نائل نشدند که به ذریعه آن آخرت خود را هم درست می‌کردند ».

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَ لَكُمْ مِّنَ الْقُرَىٰ

قریه‌ها

از

گوناگون شماست

گوناگون کردیم آنچه

و (هر آینه) هلاک کردیم

تفسیر : یعنی غیر از «عاد» مساکن «قوم ثمود» و «قوم لوط» و غیره هم همین طور تباہ گشتند که در اطراف و نواح شما وقوع داشت - این اخطار به اهالی مکه داده شده زیرا درحین سفرها آنها ازین مقامات می‌گذشتند .

وَصَرَ فَنَّا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿۲۷﴾

باز گردند (از کفر)

آیات گوناگون را شاید که ایشان

دور دادیم

و

تفسیر : اینقدر تفهیم و تلقین باز هم از کفر باز نیامدند .

فَلَوْ لَا نَصَرَ هُمْ الَّذِيْنَ اتَّخَذُوا

پس چرا مدد نکردند ایشانرا آنان که گرفته بودند آنها را

مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ قُرْبًا اِلٰهَةً ۚ

بجز خدا معبودان از برای تقرب به خدا

تفسیر : یعنی در باب بتانیکه میگفتند «ما عبادت آنها را ازین سبب میکنیم که ما را به خدا نزدیک بسازند و بواسطت آنها درجات بلند بما داده شود» درین وقت مصیبت چرا بکار آنها نیامدند - حالا باید آنها را ندا میکردند .

بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ ۚ

(چنین نیست) بلکه گم شدند از ایشان

تفسیر : امروز هیچ درك آنها معلوم نیست و نه در وقت عذاب از ایشان استغاثه میشود آخر آنها کجا کم شدند که در چنین مصیبت بامداد آنها نمیرسند .

وَذٰلِكَ اِفْكَهْمُ وَمَا كَانُوْا يَفْتَرُوْنَ ۚ

و همین است (اثر) دروغ ایشان و آنچه بر می بستند (دروغ بر خدا)

تفسیر : یعنی ظاهر وهویدا شد که بتان را معبود شمردن و از ایشان امید وار بودن محض دروغ و بر بستن سخنان بی حقیقت است . دروغ هیچ پای ندارد پس چگونه پیش رود (ربط) در آیات فوق تمرد و سرکشی انسان بیان گردید - در آتی مقابل آن حال اطاعت و انقیاد جنیان را میگوید . تا معلوم شود قومیکه فطرتاً و طبعاً خیلی متمرد و سرکش است بعض افراد آن کلام الهی را شنیده چگونه مطیع و نرم میگردند .

وَ اِذْ صَرَفْنَا اِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُوْنَ

و (یاد کن) چون متوجه ساختیم بسوی تو چند نفری از جن (در حالیکه مفروض بود) که بشنوند

الْقُرْاٰنَ ۚ فَلَمَّا حَضَرُوْهُ قَالُوْا اَنْصِتُوْا ۚ

قرآن را پس چون حاضر شدند نژاد او گفتند (بایکدیگر) خاموش باشید (تابشنوید)

فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِ مِثْرَمٍ مِّنْ ذُرِّيَّتِهِ ۝

پس چون تمام کرده شد (قرائت) باز گشتند بسوی قوم خود بیم‌کنان

تفسیر : پیش از بعثت محمدی چیزی از اخبار آسمانی به جنیان معلوم میشد - از وقتیکه نزول وحی بر آنحضرت (ص) شروع شد آن سلسله تقریباً مسدود گشت و زدن جنیان به ذریعه شهب بکثرت آغاز یافت آنها خیال کردند که یقیناً واقعه جدیدی بظهور رسیده که در اثر آن خبرهای آسمانی زیر حفاظت و نگهبانان آن قرار گرفته شده - کزوهای متعدد جنیان بغرض جستجو و تفحص در مشرق و مغرب دنیا پراگنده شدند . از جمله آنها عبور جماعتی به «بطن نخله» اتفاق افتاد در آنوقت تصادفاً آنحضرت (ص) با چند صحابی خود نماز فجر میخواند - الله تعالی رخ آن جمعیت جنیان را برای استماع قرآن بدینطرف معطف فرمود آواز قرآن به گوش آنها خیلی عجیب مؤثر و دلکش معلوم شد و عظمت و هیبت آن دلهای آنها را فراگرفت - یکدیگر را گفتند که خاموش باشید و به سکوت این کلام پاک را بشنوید بالاخر قرآن کریم در دلهای آنان جا گرفت و فوراً پیبردند که همین چیز جدید جنیان را از شنیدن خبرهای آسمانی باز داشته است . بهر حال وقتیکه آنحضرت (ص) از تلاوت قرآن فارغ شدند اینها قلباً ایمان آورده برگشتند و بقوم خود نصیحت کردند - کیفیت مفصل این واقعه در سورة جن خواهد آمد از احادیث معلوم میشود که این مرتبه آنحضرت به آمد و رفت و شنیدن آنها هیچ آگاه نشد یک درخت باذن خدا (ج) اجمالاً اطلاعی به آنحضرت (ص) داد اما کیفیت مفصل به ذریعه وحی بر آنحضرت (ص) منکشف شد - کما قال تعالی «قل اوحی الی انه استمع نفر من الجن الایه» (جن رکوع ۱) بعد ها جنیان به تعداد زیاد به دین اسلام مشرف شدند و بغرض ملاقات و آموختن دین وفدهای آنها به خدمت آنحضرت (ص) حاضر گشتند - خفاجی بنابر بعض روایات دعوی کرده که جنیان شش مرتبه با آنحضرت (ص) ملاقات کردند ازین جهت اختلاف روایات راجع به عده و یا موردیگر باید بر تعدد وقائع حمل شود .

قَالُوا يَقُوْنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنْزِلَ

گفتند ای قوم ما (هر آئینه) ما شنیدیم کتابی را که فرود آورده شده

مِنْ بَعْدِ مُوسَى

موسی

بعد از

تفسیر : در کتب سابقه هیچیک کتابی برابر کتاب حضرت موسی (یعنی تورات) حامل احکام و شرایع نبود - انبیای بنی اسرائیل بر همین کتاب عمل میکردند - حضرت مسیح (ع) هم فرمود که من برای تبدیل تورات پیامده ام بلکه بغرض تکمیل آن آمده ام و از عهد

حضرت سلیمان بین جنات فقط تورات شهرت داشته است - بنابراین درین موقع ایشان بسوی همین کتاب اشاره کردند - پیشگویی تورات در باب بعثت رسول کریم صلی الله علیه وسلم باین لفظ بود که «ای موسی مثل تو رسولی مبعوث خواهم کرد» .

مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ

تصدیق کننده کتابهاییکه پیش از او بود

تفسیر : آن قسمت قرآن را که در آنوقت آنحضرت (ص) تلاوت فرموده بودند شاید دارای چنین مضمون بوده و یا آنها از قرائن فهمیده باشند .

يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ ۝

هدایت میکند بسوی حق و بسوی راه راست

تفسیر : یعنی بسوی عقیده صحیح و راه راست عمل .

يَقُولُ مَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ

ای قوم ما اجابت کنید دعوت کننده الله را و ایمان آرید بوی

تفسیر : سخن کسی را قبول کنید که شمارا بسوی خدا میخواند و برسالت او یقین نمائید .

يَغْفِرْ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ

که بپامزد الله برای شما چیزی گناهان شمارا

تفسیر : گناهای که در حالت کفر کرده اید از برکت اسلام همه بخشیده میشود - برای آینده طومار جدیدی ترتیب میگردد لیکن باید بخاطر داشت که درین موقع ذکر ذنوب است عفو حقوق العباد ازین نمی برآید .

وَيُجِرْ كُمْ مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ۝

و پناه دهد شمارا از عذاب دردناک و هر که

لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي

اجابت نکند دعوت کننده الله را پس نیست او عاجز کننده (الله) (بگریختن) در

الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءُ ۝

زمین و نیست او را بجز خدا مددگار

تفسیر : نه خودش فرار نموده از مجازات خدا خلاص شود و نه دیگر کس او را رها نموده می تواند - حضرت شاه صاحب (رح) راجع به قید «فی الارض» می نویسد «و قتیکه شیاطین را فرشتگان از بالا میزنند آنها فقط بسوی زمین میگریزند» .

أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ أَوَلَمْ يَرَوْا

آن جماعه در گمراهی ظاهرند آیه (فکر نکردند) ندانستند

أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ

که (بتحقیق) الله آنکه آفریده است آسمانها

وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَعْزِ بِخَلْقِهِنَّ

و زمین را و مانده نشده به آفریدن آنها

تفسیر : درین لفظ (ولم یعی بخلقهن) رد عقیده یهود است که میگفتند الله تعالی زمین و آسمان را در شش روز پیدا کرده «ثم استراح» (پس به روز هفتم دم گرفت) العیاذ بالله.

يُقَدِّرُ عَلَى أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ ۝ بَلَىٰ ۝

تواناست بر اینکه زنده کند مردگان را آری (تواناست بزنده کردن مردگان)

إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝

(هر آئینه) او بر هر چیز تواناست

تفسیر : عذاب بزرگ بعد از مردن وقوع میپذیرد - آنها درین شبهه و فریب نباشند که پس از مردن کجا زنده میشوند؟ نزد خداوند تعالی هیچ مشکل نیست - ذاتیکه از آفریدن آسمانها و زمین خسته نشد دوباره پیدا کردن برای او چه اشکال دارد .

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ ۚ

و روزی که پیش آورده شوند کافران بر آتش
أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ ۖ قَالُوا ابْلِي وَرَبِّنَا ۚ

(گفته میشود برای شان) آیا نیست این درست گویند آری قسم است به پروردگار ما

تفسیر : آنوقت گفته میشود که وجود دوزخ و عذاب آیا چیز واقعی نیست ؟ عاقبت الامر همگان دلیل شده اقرار میکنند که بیشک امریست واقعی (ما بخطا رفته بودیم که ازان انکار میکردیم).

قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ۝۳۲

گوید پس بچشید عذاب را بسبب آنچه کفر میکردید

تفسیر : آنوقت برای شان گفته میشود که خوب است اکنون مره انکار و تکذیب خود را بچشید.

فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ

پس صبر کن چنانکه صبر کرده بودند صاحبان عزم رسولان

وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ ۚ

و بشتاب مطلب (عقوبت را) برای ایشان

تفسیر : چون آشکار گردید که منکرین حتماً گرفتار مجازات میکردند خواه تنها در آخرت باشد و یا در دنیا و آخرت- پس تو دران معامله تعجیل ننموده تا یک موعده معین صبر کن چنانکه پیغمبران اولوالعزم کرده اند .

(تنبيه) بعض سلف گفته اند که همه پیغمبران اولوالعزم اند لیکن در عرف پنج پیغمبر بطور خصوصی اولوالعزم گفته میشوند- حضرت نوح (ع) حضرت ابراهیم (ع) حضرت موسی (ع) حضرت عیسی (ع) و حضرت محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم .

كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرُونَ مَا يُوْعَدُونَ ۚ

گویا ایشان روزی که ببینند آنچه وعده داده شده اند

لَمْ يَلْبَتُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ ط

درنگ نکرده اند مگر ساعتی از روز

تفسیر : (درنگ نکرده بودند) در دنیای یعنی اکنون که خیال میکنند بسیار دیر شده چرا بزودی عذاب نمی آید دران روز خواهند دانست که بسیار بزودی آمده و در دنیا بیش از ساعتی هم نبودند - و یا توقف عالم قبر برابر یکساعت معلوم خواهد شد . قاعده است که مدت گذشته بسیار کم معلوم میشود و خصوصاً در وقت سختی و مصیبت زمانه عیش و راحت خیلی کوتاه بنظر می آید .

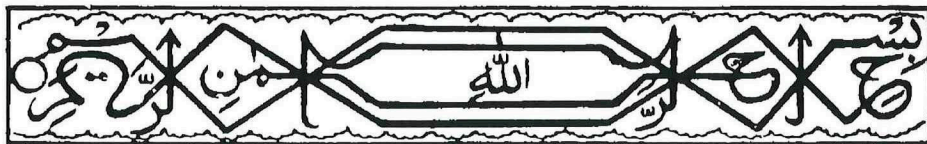
بَلِّغْ فَهَلْ يَهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ ٤٤ ٣٥

این تبلیغ است پس هلاک کرده نشود مگر قوم نافرمان (کافران)

تفسیر : سخن نصیحت را رسانیدیم و تمام نیک و بد را فهمانیدیم - اکنون اگر آنها قبول نکنند خود شان تباه و بر باد میشوند - ما تمام حجت نموده ایم و هیچکس را بیگناه مؤاخذه نمیکنیم فقط کسانی را دچار هلاکت و تباهی میسازیم که خود بر هلاکت خویش کمر بسته کنند .

(سپاس و ستایش خدا بر است که سورة الاحقاف بفضل و حسن توفیق او بپایان رسید)

«سورة محمد (ص) مدنیة وهی ثمان و ثلثون آية و اربع ركوعات»
«سورة محمد (ص) مدنی و آن سی و هشت آیت و چهار رکوع است»



آغاز میکنم بنام خدا ای که بی اندازه مهربان نهایت با رحم است

الَّذِينَ كَفَرُوا وَاصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

آنانکه کافر شده اند و باز داشتند (مردمان را) از راه الله
تفسیر: چنانکه عادت رؤسای کفار بود که با جان و مال و طرق دیگر مردم را از راه خدا باز می داشتند .

أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ ①

ضائع کرد (الله) اعمال ایشان را .

تفسیر: اعمالی را که آنها نیک می پندارند از سبب عدم ایمان مقبول نیست بلکه از آنجمله بعض کارها موجب عتاب بیشتر هم میشود مانند صرف پول در باز داشتن مردم از اسلام .

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا

و آنانکه ایمان آوردند و کارهای نیک و ایمان آوردند

بِمَا نَزَّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ

به آنچه فرود آورده شده بر محمد (ص) و آن دین راست است از جانب پروردگار ایشان

كَفَرُ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ ۝۲

دور کرد از ایشان بدیهای ایشانرا و اصلاح کرد حال ایشانرا

تفسیر: خداوند (ج) عادت بدی را از ایشان دور و حال آنها را اصلاح میکند تا یوماً فیوماً در نیکی بيفزایند و در آخرت از کوتاهیهای آنها در گذشته آنانرا در حال خوب نگه میدارد. حضرت شاه صاحب (رح) مینویسد که «در زمان سابق تمام مخلوق مکلف یک شریعت نبود - اما در این زمان و پس ازین برای تمام جهان یک حکم است اکنون دین راست همین اسلام است هر چند کارهای نیک و بد هم از مسلمانان صادر میشود و هم از کافران لیکن در پذیرفتن دین راست این صفت موجود است که نیکی نابت و بدی معاف میشود و سزای انکار این است که نیکی بر باد و گناه لازم میگردد».

ذَٰلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ

این بسبب آنست که کافران پیروی کردند باطل را

وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ

(و به تحقیق) آنانکه ایمان آوردند پیروی کردند حق را از طرف پروردگار ایشان است

كَذَٰلِكَ يُضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ ۝۳

همچنین بیان میکند الله برای مردمان احوال ایشانرا

تفسیر: الله تعالی بکمال وضاحت مردم را به احوال نیک و بدشان متناسب ساخته اطلاع میدهد تا نحوسست و شامت باطل پرستی و برکت و سعادت حق پرستی کاملاً برای شان ذهن نشین گردد.

فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ

پس چون مقابل (ملاقی) شوید با کافران پس بزنید گردنهای (ایشان) را.

حَتَّىٰ إِذَا أَتَّخَذْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا لَكَ

تا چون بسیار کشتید ایشان را (و اسیر گرفتید) پس مضبوط کنید قید را

فَمَا مَّا مِّنَّا بَعْدُ وَإِنَّمَا فِدَاءٌ

پس یا احسان کنید بعد ازین و یا معاوضه کنید

تفسیر : مقابله حق و باطل همیشه جاریست - هر وقتیکه در میان مسلمانان و کافران محاربه واقع شود مسلمانان را باید که کمال ثبات و دلاوری بکار برند هنگامیکه اشرار بزرگ کشته شوند باطل می شکند و جمعیت های آنها از هم می پاشد و پراکنده میگردد - ازین سبب در هنگام کارزار تنبلی ، بزدلی ، توقف و تردد را هیچ راه مدهید و در گردن زدن دشمنان خدا تأمل نکنید - پس از خونریزی زیاد و قتیکه دهشت و سطوت شما قائم گردد و قوه آنها مضمحل شود تنها حبس نمودن هم کفایت میکند - قال تعالی «ماکان لنبی ان یگون له اسری حتی یثخن فی الارض» (انفال - رکوع ۹) این حبس و بندگیری ممکن است در حق آنها کار تازیانه عبرت را بدهد و وقتیکه آنها بین مسلمانان بود و باش کنند بایشان موقع دست دهد که حالت و وضعیت خود و شمارا بسنجند و در تعلیمات اسلامی غور کنند بالآخر این مردم راه حق و صداقت را اتخاذ کنند - و یا اگر مصلحت بدانید بدون اخذ معاوضه برایشان احسان نموده آنان را از حبس رها کنید درین صورت ممکن است که بسیاری افراد از احسان و خوبی اخلاق شما متأثر شده بسوی شما راغب شوند و دین شما را بنظر محبت بنگرند - و این راهم کرده میتوانید که زر فدیة را اخذ کرده و یا در مبادله اسیران مسلمان این محبوسین را رها کنید - درین کار چندین فوائد مضمراست - بهر حال اگر این اسیران جنگ را بسوی وطن آنها پس روان کنید فقط دو صورت دارد یا باخذ معاوضه خلاص کردن و یا بلا معاوضه رهایدن - هر صورتی را که امام اصلح و بهتر بداند می توانید اتخاذ نمایند نزد حنیفیه (خلاف روایت مشهور از حضرت ابو حنیفه) (رض) هم در فتح القدیر و شامی و غیره همچو روایات موجود است - آری اگر مصلحت ندانند که محبوسین را بسوی وطن شان برگردانند در آن حال سه صورت باید مراعات شود : یا آنها را ذمی ساخته بطور رعیت نگهدارند یا بحیث غلامان خود قبول کنند و یا بکشند - ثبوت گشتن محبوس فقط در حالت خاص از احادیث بدست می آید و آن در وقتی است که او مرتکب چنان جرم سنگین شده باشد که سزای آن از قتل کمتر شده نتواند - و اگر آنها را غلام و یا رعیت خود بسازند البته هیچ مانعت در آن نیست .

حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ۚ

تا آنکه بنهد جنگ سلاح خود را

(المعاقبة ۱۲)

تفسیر : این سلسله حرب و ضرب و حبس همیشه در جریان است تا آنکه جنگ اسلحه خود را بنهد و از دنیا برداشته شود.

ذَلِكَ ۚ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانْتَصَرَ مِنْهُمْ

حکم این است و اگر میخواست الله خود انتقام میگرفت از ایشان

وَلَكِنْ لِيَبْلُوَا بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ ۚ

و لیکن میخواهد که امتحان کند بعض شما را بعضی

تفسیر : خدا قدرت دارد که برین کافران عذابی از آسمان بفرستد و مانند «عاد» و «نمود» آنها را هلاک کند لیکن منظور خدا از مشروع نمودن جهاد و قتال این بود که بندگان را امتحان کند - او میخواهد ببیند که چند مسلمان برای نثار کردن جان و مال خود در مقابل نام خدا (ج) آماده هستند و ازین کفار چند نفر ازین پیش آمدها متنبه و بیدار میشوند و ازین مهلتی که الله تعالی بایشان داده است فائده می بردارند - ازین سبب مانند قومهای سابق آنها را یکدم نمیگیرد و مستاصل نمیکند .

وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ

و آنانکه کشته شدند در راه الله پس هرگز ضایع نخواهد کرد

أَعْمَالُهُمْ ۚ سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ ۚ

عمل های ایشان را بزودی راه نماید ایشان را و اصلاح کند حال ایشان را

تفسیر : کسانی که در راه خدا بشهادت رسیده اند اگر چه ظاهراً درین جهان کامیاب بنظر نیایند لیکن حقیقتاً آنها کامیاب هستند - خدا کارهای آنها را ضایع نخواهد کرد بلکه سرانجام زحمت آنها موقع بزرگ حاصل میکند - ایشان را بسوی جنت سوق میدهد و در تمام منازل و مواقف شان حال آنها را درست نگه خواهد داشت .

وَاِذْ خَلَّمَهُ الْجَنَّةَ عَرَّ فَهَآ لَهُمْ ﴿٦﴾

و در آرد ایشانرا در بهشت که معلوم گردانیده آنرا برای ایشان

تفسیر : حال بهشتی که از زبان انبیاء (ع) و وجدان صحیح خودشان بایشان معرفی و معلوم شده بود در آن داخل کرده میشوند - چون در آنجا رسند هر بهشتی نشیمن خود را خود بخود خواهد شناخت ، دلش بهمان طرف که جای رهایش اوست میل میکند .
تنبیه : ابن عباس (رض) «عرفها لهم» را بمعنی «طیبها لهم» گرفته است یعنی جنت با خوشبوئی های گوناگون برای شان معطر کرده شده .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ

ای مؤمنان اگر نصرت دهید الله را

تفسیر : یعنی کمک بدین خدا و پیغمبر او .

يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ ﴿٧﴾

نصرت دهد شما را و ثابت کند قدمهای شما را

تفسیر : قدمهای شما در جهاد بتوفیق و تأیید خداوند متزلزل نمی شود و بر اسلام و طاعت استوار و ثابت قدم میباشید در نتیجه در پل صراط ثبات قدم به شما نصیب میشود . حضرت شاه صاحب (رح) مینویسد که «اگر الله تعالی بخواهد خودش کافران را مسلمان میسازد - لیکن این کار منظور خدا نیست بلکه آزمودن مقصود است - پس کمر بستن از بنده و کار سازی از طرف خداوند است!»

وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَّأَلَهُمْ وَاضَلَّ أَعْمَالَهُمْ ﴿٨﴾

و آنانکه کافر شدند پس بر روی افتاده هلاک است برای ایشان و ضایع کرد الله اعمال ایشانرا

تفسیر : طوری که قدمهای مؤمنین استوار کرده میشود بر عکس کافران بر روی انداخته میشوند - و همچنانکه از طرف الله تعالی بمؤمنان کمک و امداد میرسد برخلاف آن کارهای کفار برباد داده میشود .

ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أُنْزِلَ اللَّهُ

این بسبب آنست که ایشان نپسندیدند چیزی را که فرو فرستاده است الله

فَا حَبِطَ أَعْمَالُهُمْ ⑨

پس ضایع کرد اعمال ایشانرا

تفسیر : و قتیکه آنها سخنان خدا را نپسندیدند الله تعالی چرا کارهای آنها را پسندد و چیزی را که خداوند نپسندد محض بیهوده و بیکار است.

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا

آیا (نشستند در خانها) پس سیر نکردند در زمین پس ندیدند

كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ط

که چگونه بود عاقبت آنانکه پیش از ایشان بودند

دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا ⑩

(بلکه رفتند دیدند) از بیخ کند الله ایشانرا و برای کافران است مانند آن عقوبت

تفسیر : مشاهده کنید که منکران گذشته چگونه درین جهان ذلیل و رسوا شدند و منصوبه های آنها چسان ب خاک برابر کرده شد - آیا به کافران امروزی همچو سزاهای داده نمیشود ؟

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ

این بسبب آنست که الله مددگار

الْأَمْنُ أَوْ أَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ ⑪ ع د

مؤمنان است و بسبب آنست که کافران نیست هیچ مددگار برای ایشان

تفسیر : الله تعالی مددگار مؤمنین صالح است ، که در وقت احتیاج به آنها کمک میکند کافران چنان مددگاری ندارند که در حین مقابله به کارشان آید - در (غزوه احد) ابوسفیان صدا کرده بود که «لَنَا الْعِزَّةُ وَالْغِزَى لَكُمْ» آنحضرت صلی الله علیه وسلم به صحابه فرمود که به آواز بلند بگوئید «الله مولانا ولا مولی لکم».

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

هر آئینه الله می‌دارد آنان را که ایمان آورده اند و کردند

الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۝

کارهای نیک به جنت‌هایی که می‌رود زیر (درختان) آن جوی‌ها

وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ

و آنان که کافر شدند بهره می‌گیرند (دردنیا) و می‌خورند

كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ ۝

چنانکه می‌خورند چهار پایان و آتش مسکن ایشان است

تفسیر : سامان دنیا را استعمال کرده و بکمال حرص و طمع مانند بهایم هر چه خوب بود پیش آید خورده می‌روند - خبر ندارند که فردا نتیجه آینده این خوراک و تمتع چیست ؟ خوب است چند روز از لذات بهره گیرند در آینده نشیمن آتش برای ایشان آماده است .

وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً

و بسی از (اهل) قریه که آن قوی‌تر بود

مِنْ قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجْتُكَ ۝

از (اهل) قریه تو که بیرون کرد ترا

أَهْلَكْنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ ۝

هلاک ساختیم ایشانرا پس نیست هیچ مددگار برای ایشان

تفسیر : قومهای دیگر را که از حیث زور و طاقت نسبت به اهل مکه بمراتب بلند تر بودند تباه و برباد کردیم و هیچکس بامداد آنها نرسید پس اینها بکدام چیز مینازند.

(تنبیه): از «قَرِینَتُكَ الَّتِی اَخْرَجْتُكَ» مکه معظمه مراد است - اهالی آن کارهایی کردند که آنحضرت (ص) به ترك وطن مالوف و محبوب خود مجبور گشت - در حدیث است که آنحضرت (ص) هنگامیکه از مکه می برآمد به آن شهر خطاب کرده فرمود «قسم بخدا که نسبت به تمام شهرها نزد خداوندونزد من محبوب ترین هستی و اگر قوم من مرا از تو بیرون نمی نمود من گاهی ترا ترك نمی کردم.»

أَفَمِنْ كَأَن عَلَى بَیِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ كَیِّنُ

آیا آنکه باشد بر راه روشن از پروردگار خود مانند کسی است

زُیِّنَ لَهُ سُوِّ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ۝۱۷

که زینت داده شده برای او بد عمل او و پیروی کردند خواهشهای خود را

تفسیر: کسیکه به انشراح صدر و فهم و بصیرت بر جاده صاف و فراخ راستی بی اندیشه روان است و دیگری بحدی در تاریکی دچار مشکلات و مواقع است که سیاه و سفید و نیک و بد را تمیز نداده حتی از سبب بی تمیزی خود بدی را نیکی میفهمد و در پیروی خواهشات بکلی نابینا شده است - آیا مرتبه و عاقبت این دو نفر يك برابر است؟ هرگز چنین شده نمیتواند زیرا که شان و کار حق تعالی منافای حکمت و عدل نمی باشد.

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِی وُعِدَ الْمُتَّقُونَ ۖ

صفت بهشتی که وعده داده شده به متقیان (این است)

فِیْهَا أَنْهَارٌ مِّنْ مَّاءٍ غَیْرِ آسِنٍ ۚ

در آن جویهاست از آب غیر بدبو

تفسیر: یعنی از باعث مکت طولانی و یا به اختلاط کدام چیز بولدت آب بهشت متغیر نشده از شهد شیرین تر و از شیر سفیدتر است و هیچ نوع تغیر و تبدل در آن راه ندارد.

وَ أَنْهَارٌ مِّنْ لَّبَنٍ لَّمْ یَتَغَیَّرْ طَعْمُهُ ۚ

و جویهاست از شیر که تغیر نکرده مزه او

تفسیر: آن شیر را به شیر دنیا قیاس مکنید پس از گذشتن اینقدر مدت طولانی هم در مزه آن فرقی پدید نیامده است.

وَأَنْهَرُ مَنْ خَيْرٌ لَدِّي لِلشَّرِّ بَيْنَهُ
و جویهاست از شراب خوشگوار برای آشامندگان

تفسیر : در شراب بهشت تنها لذت و مزه است نه در آن نشئه است و نه خمار ، نه تلخی و نه سرگردانی و نه کدام عیب و نقصان دیگر .

وَأَنْهَرُ مَنْ عَسَلٍ مُصَفًّى
و جویهاست از شهد صاف کرده شده

تفسیر : یعنی شهد صاف و شفاف ، در آن تکرر از کجا باشد حتی کف هم وجود ندارد .

تنبيه : درین موقع چهار قسم جویها مذکور شده از آن جمله آب چیز است که زندگی انسان از سبب آنست و شیر کار غذای لطیف را میدهد و شراب سرور و نشاط می آورد و در باره شهد «شفاء للناس» فرمود .

وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ
و ایشان راست در آن از هر جنس میوها
تفسیر : بعد از مشروبات ماکولات را بیان فرمود .

وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ
و آمرزش از پروردگار ایشان

تفسیر : همه خطاها را معاف کرده داخل جنت میکند - و هنگامیکه جنتیان به بهشت میرسند گاهی از آن خطاهای گذشته ذکری در میان نمی آید که سبب کلفت آنان شود و نه در آینده به کدام خطائی مؤاخذه میشوند .

كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا
(آیا اهل بهشت) مانند آنست که همیشه باشد در آتش و نوشانیده میشوند

مَاءٌ حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ ⑩
آب گرم پس پاره پاره میکند روده های ایشانرا

تفسیر : آب جوشان را چون بدوزخیان مینوشانند روده های آنها قطع شده بیرون می افتد (اعاذنا الله منه).

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّسْتَمِعُ إِلَيْكَ ۚ حَتَّىٰ

و بعضی ایشان آن است که گوش مینهد بسوی تو تا

إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ

چون بیرون روند از نزد تو گویند به آنانکه

أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنِفًا ۚ

داده شده آنها را علم چه گفت (محمد) اکنون

تفسیر : پیشتر حال مؤمنان و کافران مجاهر مذکور بود يك نوع کافران آنست که منافق گفته میشوند یعنی ظاهراً دعوی اسلام میکنند و در باطن ازان انحراف مینمایند - در این آیت از همین صنف ذکر شده است - یعنی این مردم بظاهر برای شنیدن سخنان پیغمبر گوش میدهند مگر نه توجه قلبی دارند و نه فهم و وقوف و نه یادداشت . چون از مجلس برخاسته بیرون شوند به اهل علم گویند که این مرد (یعنی پیغمبر ع) فی الحال چه گفت؟ شاید ازین استفسار مقصود ایشان تعریضی باین باشد که ما سخنان او را سزاوار اعتناء نمیدانیم و نه بتوجه میشنویم .

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ

آن جماعه آنان اند که مهر نهاده است الله بر دلهای ایشان

وَاتَّبِعُوا أَهْوَاءَهُمْ ۖ

و پیروی کردند خواهشهای خود را

تفسیر : نتیجه حرکات ناجائز آنها این میشود که خداوند بر دلهای آنان مهر میکند سپس توفیق نیکی قطعاً رفیق آنها نمیکرد و تنها پیروی خواهشات باقی میماند .

وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًىٰ

و آنانکه راه یافتند زیاده کرد خدا ایشانرا هدایت

وَأَنذَرْتَهُمْ ۖ تَقَوُّوا لَهُمْ ۝۱۷

و داد بایشان تقوای ایشانرا

تفسیر : تاثیر رفتن براه راست این است که آدم روز بروز در هدایت کامل شده
میرود و به فهم و هوش و پرهیزگاری او افزوده میشود .

فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ

پس انتظار نمی برند مگر قیامت را که بیاید بایشان

بَغْتَةً ۚ فَقدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا ۚ فَأَنَّى لَهُمْ

نامهان پس هر آینه آمده است علامات آن پس کجا باشد برای ایشان

إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرُهُمْ ۝۱۸

چون بیاید قیامت بایشان پند گرفتن ایشان

تفسیر : یعنی نصائح قرآن - مثالهای عبرتناك اقوام گذشته و وعده و وعید جنت و دوزخ
همه را شنیدند اکنون برای باور کردن انتظار کدام وقت را دارند ؟
همان ساعتی را انتظار دارند که قیامت قائم شود چند علامات قیامت هم ظاهر
شده است و قتی که قیامت در رسد موقع تحصیل فهم و دانش و باور کردن برای آنها کجا
باقی میماند ؟ یعنی فهمیدن و باور کردن آنوقت بکار نمی آید زیرا که نجات به آن مرتب
نمیشود . حضرت شاه صاحب (رح) مینویسد : «علامه بزرگ قیامت بعثت نبی ماست -
همه انبیاء انتظار بعثت خاتم النبیین را داشتند چون او مبعوث شد (مقصود تخلیق عالم حاصل
گشت) اکنون فقط قیام قیامت باقی است» در حدیث آمده که نبی کریم (ص) بسوی
انگشت شهادت و انگشت وسطی اشاره کرده فرمود «إِنَّا وَالسَّاعَةَ كَهَاتَيْنِ» (من و قیامت مانند این
دو کلك هستیم) گویا من از قیامت اینقدر پیش برآمده ام که انگشت وسطی از کلك
شهادت پیش برآمده است - در شرح صحیح مسلم تفصیل آن داده شده درین مختصر
نمی گنجد .

فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ

پس ثابت باش باین اعتقاد که نیست معبود بر حق مگر الله و آمرزش بخواه برای گناه خود

وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

و برای مردان مومن و زنان مومنه

تفسیر : گناه هر شخص متناسب به مرتبه اوست اگر از کار نیک منحرف شده جانبی گرفته شود که خوبی آن کمتر باشد هر چند آن کار در حدود جواز واستحسان باشد بعضی اوقات در حق مقربین گناه شمرده میشود «حَسَنَاتِ الْاِبْرَارِ سَيِّئَاتِ الْمُقْرِبِينَ» همین معنی را در بر دارد در حدیث است که نبی کریم صلی الله علیه وسلم در یکروز صدبار استغفار میگفت .

تنبيه : خطاب «فاعلم انه لا اله الا الله» به هر مخاطب است و اگر تنها نبی کریم صلی الله علیه وسلم مخاطب باشد مطلبش این است که برین علم استوار باش و دائماً طلب آمرزش نما - تفریع «فاعلم» بر ماقبل چنان است که بعد از ورود قیامت تازه ایمان آوردن و توبه نمودن و غیره بکسی سود نمیرساند - پس انسان باید که پیش از ورود آن معرفت واعتقاد صحیح حاصل کند و بطریق ایمان واستغفار مستقیم باشد .

وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلِّبَكُمُ وَ مَثُوكُمُ ۝۱۹

و الله میداند باز گشت شمارا و مسکن شمارا

تفسیر : در هر قدر پردهائی که میگردید بالاخر در بهشت و یا دوزخ که خانه اصلی شما است میرسید .

وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَلَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ ۝ج

و میگویند مومنان چرا فرو فرستاده نشد سورتی

تفسیر : یعنی چنان سوره که دران اجازه جهاد باشد .

فَإِذَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ

پس چون فرستاده شود سورتی سنجیده

تفسیر : یعنی مشتمل بر احکام سنجیده و موازنه شده غیر منسوخ است که بوقت معین فرستاده میشود .

وَذُكِّرَ فِيهَا الْقِتَالُ ۝ لَا يَتَذَكَّرُ فِي

و ذکر کرده شود در آن (طلب) جنگ می بینی آنان را که در

قُلُوْا بِهِمْ مَّرَضٌ يَنْظُرُوْنَ اِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ

دل‌های ایشان مرض (شک و نفاق) است می‌بینند بسوی تو مانند دیدن کسی که بیهوشی واقع شده باشد

عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ ط فَآوْ لِيْ لَهُمْ ۚ

بروی بسبب ترس مرگ پس وای برایشان

تفسیر : حضرت شاه صاحب (رح) مینویسد «مسلمانان نزول سوره را میخواستند یعنی از ایدای کافران بترس آمدن آرزو میکردند که اگر الله تعالی حکم جهاد را بفرستد قرار طاقت و قدرت خود دران خواهیم کوشید - چون حکم جهاد رسید بر منافقین و مردمان خام گران آمد با چشمان خوف زده و بی رونق سوی پیغمبر نگریستند که کاش مارا ازین حکم معاف بداری درحین خوف مفرط هم رونق و روشنی چشم نمی‌ماند - چنانکه وقت مرگ چشم‌ها بی نور میشود »

طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَّعْرُوفٌ قَفَاذَا عَزَمَ الْأَمْرُ قَف

(کار ایشان) فرمان برداری و سخن نیکو گفتن است پس چون مؤکد شود کار

فَلَوْ صَدَقُوا اللّٰهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ ۚ

پس اگر راست کردند (و عده خود را) به الله البته بهتر بود برای ایشان

تفسیر : ظاهراً این مردم اظهار فرمان برداری و بزبان اقرار اسلام و اعلان عمل بر احکام اسلام میکنند لیکن کار اصلی و اساسی این است که حکم خدا و رسول او را عملاً بپذیرند و سخن نیک و معقول بگویند - علاوه بران وقتیکه در دوران جهاد و غیره در کار تاکید و تکلیف زیادی عائد شود باید بحضور پروردگار راست و صادق ثابت شوند البته بهتری و بهبودی آنها در همین صورت است! حضرت شاه صاحب (رح) مینویسد «اگر شخصی حکم شرع را قبول نکند کافر میشود حکم الله تعالی به هر حال باید قبول شود - رسول هم میداند که بجنگاندن نامردان حاجت نیست در صورتیکه ضرورت زیاد واقع نشود »

فَهَلْ عَسَيْتُمْ اِنْ تَوَلَّيْتُمْ اَنْ تُفْسِدُوْا

پس آیا توقع میشود از شما که اگر حکومت داده شود شما را آنکه فساد کنید

فِي الْأَرْضِ وَتُقَطَّعُوا أَرْحَامُكُمْ ﴿٢٦﴾

در زمین قطع کنید رشته‌داری‌های خود را (آری)

تفسیر: عموماً مردمانی که سرشار نشئه حکومت و اقتدارند به انصاف و اعتدال پایدار نمی‌مانند حرص و آز دنیا بیشتر میگردد - آنگاه در کشمکش تحصیل جاه و مال و اغراض و نفس پرستی منازعات برپا شود، در نتیجه آن يك فتنه و فساد عمومی قائم میگردد و مردم به قطع روابط و مناسبات می‌پردازند. حضرت شاه صاحب (رح) مینویسد «یعنی از جان به تنگ آمده آرزوی جهاد میکنید - و اگر خداوند حزب شما را غالب کند فساد برپا مینماید».

تنبیه: مترجم محقق قدس الله سره ترجمه «تولیتیم» را (به حکومت نائل شدید) کرده است چنانکه رأی بسیاری مفسرین همین است - علمای دیگر «تولیتیم» را به معنی اعراض گرفته چنین مطلب میگیرند اگر شما از جهاد در راه الله تعالی اعراض کنید ظاهر است که در دنیا امن و انصاف قائم نمی‌شود چون در دنیا امن و انصاف باقی نماند ظاهر است که فساد، بدامنی و حق‌ناشناسی بروی کار می‌آید و بعضی چنان تفسیر کرده اند که اگر شما از ایمان آوردن اعراض کردید کیفیت زمانه جاهلیت عود میکند یعنی خرابیها و بی نظمی ها و فسادی که در آن وقت بود و بر سخنان ادنی و جزئی روابط و خویشاوندی منقطع میگشت تمام نقشه سابق بار دیگر قائم میشود - و اگر خطاب آیت مخصوص بمنافقین باشد چنین مطلب هم گرفته میشود که اگر از جهاد اعراض کنید از شما همین توقع کرده میشود که از شرارت‌های منافقانه خود در زمین خرابی برپا خواهید کرد و از مسلمانانیکه به آنها خویشاوندی دارید بکلی صرف نظر نموده آشکارا مدد گار کافران خواهید شد.

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ
آن جماعه آنان اند که لعنت کرد ایشانرا الله

فَأَصْبَحُوا أَعْمَى أَبْصَارَهُمْ ﴿٢٧﴾
پس کر ساخت ایشانرا و کور کرد چشمهای ایشانرا

تفسیر: در اثر غرور و نشئه حکومت کور و کر شده به جور و ظلم پرداختند - نصیحت کسی برای شان تاثیری نکرد - لعنت خدا آنها را بکلی سنگدل ساخت و این همه ماجرا از سوء اختیار و قصور استعداد شان بظهور رسید.

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى
آیا تفکر نمیکنند در قرآن یا بر

قُلُوبٍ أَقْفَا لَهَا ۝۲۶

دلهای ایشان قفلهاست

تفسیر : یعنی منافقان در قرآن غور نمیکنند و یا در اثر شرارتهاى آنها بردلهای شان قفل زده شد که راه دخول نصیحت بکلی مسدود گردید - اگر توفیق فهمیدن قرآن رفیق شان میشد به آسانی میفهمیدند که جهاد چقدر دارای فوائد دنیوی و اخروی است.

إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِم

هر آئینه آنانکه برگشتند بر پشت‌های خود

مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ ۖ الشَّيْطَانُ

پس از آنکه ظاهر شد برای ایشان راه راست شیطان

سَوَّاهُ لَهُمْ ۖ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ ۝۲۷

آسان کرد برای ایشان (ارتکاب کبائر را) و وعده درازی (و آرزوها) داد بایشان

تفسیر : یعنی منافقان بعد از آن که باسلام اقرار میکنند و راستی آن برای شان ظاهر میشود چون وقت عمل میرسد از قول و اقرار خود برمیگردند و در جهاد شرکت نمیکنند - شیطان این سخن را بایشان فهمانیده است که اگر بجنگ نزنند زمان درازی زننده میماند پس از جنگیدن و مردن چه فائده است خدا بهتر میداند که شیطان چه چیز هارا میفهماند و وعده‌های طولانی و بیمعنی میدهد «و ما یعدهم الشیطان الا غرورا».

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا ۖ لِلَّهِ يَنْ كِرْهُوْا

این بسبب آن است که ایشان گفتند به آنانیکه نپسندیدند

مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَاطِعُكُمُ فِی

چیزی را که فرو فرستاد الله که فرمان برداری شما خواهیم کرد در

بَعْضُ الْأَمْرِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ ﴿۲۶﴾

بعض کارها و الله میداند راز گفتن ایشانرا

تفسیر : منافقان به یهود و غیره گفتند که هر چند ظاهراً مسلمان شده ایم لیکن با مسلمانان متحد شده باشما جنگ نمیکنیم بلکه اگر موقع یافتیم بشما مدد می‌کنیم و در اینچنین کارها سخن شما را قبول خواهیم کرد .

فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ

پس چه حال باشد چون قبض کند ارواح ایشانرا فرشتگان

يُضْرَبُونَ وَجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ ﴿۲۷﴾

در حالیکه میزنند رویهای ایشانرا و پشتهای ایشانرا

تفسیر : یعنی در آنوقت چگونه خلاص میشوند بیشک در آن هنگام مرز نفاق را خواهند چشید .

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ

این بسبب آنست که پیروی کردند چیزی را که بخشم آورد خدا را

وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ ﴿۲۸﴾

و نپسندیدند (چیز را که موجب) رضای خداست پس ضایع ساخت الله عملهای ایشانرا!

تفسیر : یعنی راه خوشنودی پروردگار را نپسندیدند - بلکه برای روان شدند که او تعالی آنها را نمی‌پسندد - ازین سبب در وقت موت این منظره هولناک را دیدند و ایزد متعال در اثر کفر و طغیان شان همه اعمال آنها را باطل ساخت که هیچ کاری در زندگی دوم به آنها فائده نرساند .

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ

آیا پنداشتند آنان که در دلهای شان مرض است

أَنْ لَّنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَا نَهُمْ ②۹

که هرگز ظاهر نکند الله کینه های ایشان را

تفسیر: منافقان که در دل خود عداوت ها و کینه هائیکه نسبت به اسلام و مسلمین دارند آیا خیال میکنند که آن در دلها پنهان و محبوب میماند؟ آیا خداوند آنرا آشکارا نخواهد کرد؟ و مسلمانان بر مکر و فریب آنها اطلاع نخواهند یافت؟ هرگز چنین نیست خبث باطن آنها حتماً ظاهر میشود و در چنان کوره امتحان انداخته میشوند که خالص و مغشوش بکلی از هم جدا میگردد.

وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَكُمُ فَلَعَرَفْتُمُ

و اگر بخواهیم نشان میدادیم بتو ایشانرا (مگر چنین نکردیم) پس البته شناخته ایشانرا

بِسِيْمِهِمْ ③۰ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ ط

به علامات ایشان و آینده خواهی شناخت ایشانرا از طرز سخن

تفسیر: اگر خداوند بخواهد تمام منافقین را فرداً فرداً معین نموده بتو نشان بدهد و از نام هر يك ترا آگاه سازد تا واقف شوی که کدام جمعیت و کدام آدمها منافق هستند مگر حکمت او فعلاً تقاضای این اظهار قطعی را ندارد - همانطور الله تعالی نور فراست را بدرجه کمال بتو عطا فرموده است که از چهره و قیافه شان می شناسی - و ترا از طرز بیان این مردم معرفت بیشتر حاصل میگردد زیرا که طرز گفتگوی منافق علیحده و سخن مردمان مخلص جداگانه است - قوه، شوکت، تاثیر پختگی و خلوصیکه در سخنان آدم مخلص موجود است منافق هر چند هم کوشش کند آن تأثیرات را در کلام خود پیدا کرده نمیتواند.

تنبیه: مترجم محقق قدس الله روحه «فلعرفتهم» را ما تحت «لَوْ نَشَاءُ» قرار نداد عامه مفسرین آن را تحت «لَوْ نَشَاءُ» قرار داده بر «لَا دِينَ لَهُمْ» متفرع میکنند یعنی اگر ما بخواهیم بتو نشان بدهیم باز تو آنها را از دیدن صورت بشناسی - در خیال این احقر تفسیر مترجم (رح) لطیف تر است والله اعلم - از بعض احادیث ثابت است که آنحضرت (ص) بسی از منافقین را نام بنام خواند و از مجلس خود بیرون کرد ممکن است که آن معرفت از «لَحْنِ الْقَوْلِ» و «سِيْمَا» و غیره آنها حاصل شده باشد یا بعد از آیه هذا حق تعالی آنحضرت (ص) را بر نام های بعض منافقین به تفصیل آگاه فرموده باشد والله اعلم.

وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ ③۱

و خدا میداند کردار های شمارا

تفسیر: اگر سخنی از بندگان پوشیده بماند ممکن است مگر علم محیط الله تعالی بر جمیع کارهای آشکارا و نهانی شما آگاه است.

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجْتَهِدِينَ

وهر آئینه می‌آزمائیم شمارا تا ممتاز گردانیم مجاهدین

مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ لَا

شمارا (از غیر) و ثابت قدمان را (از غیر ثابت قدم)

تفسیر: از احکام جهاد و امثال آن مقصود آزمایش است - از همین آزمایش سخت آشکار میگردد که کدام مردم در راه خداوند می‌جنگند و در شدید ترین امتحانات ثابت قدم و استوار می‌باشند و کدام ها از جانبازی پهلوی نمی‌کنند؟

وَنَبْلُوا أٰخِبَا رَكْمٍ ۝۲۱

و تابنازمائیم و خبرهای شمارا

تفسیر: تا وزن ایمان و ارزش اطاعت و انقیاد هر یکی معلوم شود و خبرهای احوال باطنی همگان عملاً محقق گردد.
تنبيه: از «حتی نعلم الایة» شبیهه که در باب حدوث علم وارد میشود جواب مفصل آن در آغاز پاره «سمیقول» در تفسیر «الانعلم من یتبع الرسول» ملاحظه شود.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاصْدَوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

هر آئینه آنان که کافر شدند و بازداشتند (مردم را) از راه الله

وَشَا قُوا الرُّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّ

و مخالفت کردند با رسول بعد از آنکه روشن شد

لَهُمُ الْهُدَىٰ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا

برای ایشان راه راست هرگز زیان رسانیده نمیتواند به الله هیچ

وَسَيَحِطُّ أَعْمَالَهُمْ ③

وزوداست که ضایع کند خدا کردار های ایشانرا

تفسیر : به جانهای خود نقصان میرسانند ازین کار به خداوند چه نقصان میرسد ؟
به دین و پیغمبر او گزندى رسانده نمیتوانند - آن صاحب قدرت و اختیار تمام مکرها و
فریب های آنها را برباد و کار های آنها را تباه میکند و همه کوششهای آنان را
بخاک برابر مینماید .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ

ای مؤمنان فرمان برید الله را

وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ ④

و فرمان برید رسول را و ضایع نکنید کردارهای خود را

تفسیر : در جهاد و راه خدا دیگر محنت و ریاضت کشیدن وقتی مقبول است که مطابق
حکم خدا و رسول باشد پس بمحض ذوق طبیعت و یا قرار خواهش نفس خود کار نکنید
و رنه چنین عمل بیکار و ضایع میشود - کار مسلمانان این نیست که عمل نیک خود را
ضایع بگردانند کار نیک را ناتمام بگذارید و از ریاء ، نمایش ، اعجاب ، غرور و غیره آنرا برباد
ندهید البته آری ارتداد راجحه میکنی که تمام اعمال را یکدم حبطه میکند . العیاذ بالله .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاصْدُؤْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

(هر آئینه) آنانکه کافر شدند و بازداشتند (مردم را) از راه الله

ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ⑤

باز مردند در حالیکه ایشان کافر بودند پس هرگز نیامرزد الله ایشانرا
تفسیر : هیچ کافر را الله نمی بخشد خصوصاً کافرانی را که دیگران را از راه خدا (ج)
باز میدارند .

فَلَا تَهْنُؤْا وَتَدْعُؤْا إِلَى السَّلَامِ ⑥

پس کم دل مشوید و نخواهید بسوی صلح

تفسیر : مستلمانان در مقابل کفار نباید سست و کم‌دل بشوند و از مصائب و نوائب جنگ مضطرب شده به صلح التجا کنند و رنه دشمنان دلاور شده شمارا فشرده خواهند رفت و جماعت اسلام مغلوب و رسوا خواهد شد - آری اگر کدام وقت مصلحت اسلام و بهبودی اهل اسلام در صلح بنظر بیاید در صلح کردن مضائقه نیست چنانکه بعد ازین در سورة فتح می‌آید - بهر حال بنای صلح نباید بر بی‌همتی و نامردی نهاده شود .

وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ

حال آنکه شما نایب غالب و الله باشماست

وَ لَنْ يَتْرَكَكُمْ أَعْمَالُكُمْ ۝۳۵

و هرگز ضایع نگرداند کارهای شمارا

تفسیر : جای اضطراب و پریشانی نیست اگر صبر و استقلال نشان بدهید و بر احکام خدا ثابت قدم و استوار باشید خدا (ج) همراه شماست او شمارا بالآخر غالب خواهد ساخت و به هیچ حال شمارا در نقصان و خساره نخواهد گذاشت .

إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ وَإِنْ

جزاین نیست که زندگانی دنیا بازی و تماشاست و امر

تَوْمِنُوا وَ تَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أَجُورَكُمْ

ایمان آرید و پرهیزگاری کنید بدهد شمارا مزد های شمارا

وَ لَا يَسْأَلُكُمْ أَمْوَالُكُمْ ۝۳۶

و نطلبند از شما (جمع) مالهای شمارا

تفسیر : در مقابل آخرت - حقیقت دنیا مانند یک بازی و تماشاست اگر شما ایمان و تقوی راشیوه خود ساختید و ازین بازی و بیپرده گی کناره گرفته رفتار نمودید خداوند پاداش و مزد کامل بشما خواهد داد و مال شمارا هم از شما نخواهد خواست - بدانید که او حاجتی بمال شما ندارد بلکه او خود بخشاینده است چنانکه فرماید «ما اريد منهم من رزق وما اريد ان يطعمون - ان الله هو الرزاق ذو القوة المتين» (ذاریات - رکوع ۳) اگر بطلبد هم مالک حقیقی خود او بوده تمام مال ازوست - مگر باوجود آن چون در معامله دین به خرج کردن امر میفرماید تمام مال را مطالبه نمیکند بلکه حصه کمی از آن را میخواهد در حالیکه آنهم برای نفس

خود او نبی بلکه برای فائده خود شما می باشد - حضرت شاه صاحب (رح) می نویسد «حق تعالی ممالك متعددی را بر دست مسلمانان فتح نموده و مسلمانان محض چند روز (از جیب خود) پول خرج کردند - هر قدریکه آنها خرج کرده بودند بعد از فتوحات صد چند نصیب آنها شد - باین مطلب (در قرآن کریم چندین جای) فرموده که به الله قرض بدهید .»

إِنْ يَسْأَلْكُمْ هَا فَيَحْفِكُمْ تَبْخُلُوا

اگر بخواهد از شما مالهای شمارا پس مبالغه کند درخواستن بخل میکنند

وَيُخْرِجُ أَضْغَا نَكُمْ ②۷

و ظاهر میکند کینه های شمارا

تفسیر : اگر الله تعالی قهر آمده مال شمارا که خود او تعالی برای تان بخشوده از شما بخواهد تنی چند از مردان خدا بادل فراخ و پیشانی کشاده برین حکم لبیک اجابت خواهند گفت مگر اکثر مردمان بخل و تنگدلی خواهند کرد و در حین صرف مال آزرده گی و خفقان آنها آشکارا خواهد شد .

هَآ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا

ای آگاه باشید شما ای گروه مخاطبین خوانده میشوید برای اینکه خرج کنید

فِي سَبِيلِ اللَّهِ ج

در راه الله

تفسیر : يك حصه از آن مالی را که خداوند به شما عنایت فرموده محض به غرض نفع در راه خدا (ج) صرف کنید .

فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ ج وَ مِنْ يَبْخُلُ

پس بعضی از شما کسی است که بخل میکند و هر که بخل کند

فَإِنَّهَا يَبْخُلُ عَنْ نَفْسِهِ ط

پس جز این نیست که بخل میکند بر نفس خود

تفسیر : انفاق شما برای فائده خود شماست - اگر در خرج مال بخل کردید به نقص خودتان تمام میشود خداوند بخرج کردن و عدم انفاق شما احتیاج و پروائی ندارد .

وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ ج

و الله بی نیاز است و شما محتاجانید

تفسیر : حضرت شاه صاحب (رح) می نویسد «تاکید خرج مال را که می شنوید چنان نفهمید که خدا و یا رسول او از شما سوال میکنند - هرگز نی- این خواهش فقط برای بهبودی و نیکوئی شماست - در نتیجه مقابل یکی هزاران هزار خواهید یافت ورنه حضرت الهی و رسول او چه پروا دارند».

وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ لَا

واگر روی بگردانید بدل آرد الله قومی را غیر از شما

ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثًا لَكُمْ ۝۴۲

پس نباشند مانند شما

تفسیر : الله تعالی بحکمت و مصلحتی که بندگان را برای خرج کردن حکم میدهد حصول آن محض بر شما انحصار ندارد - فرضاً اگر شما بخل کنید و از حکم او سر باز زنید او تعالی بجای شما قوم دیگری را برپا خواهد کرد که مانند شما بخیل نباشند بلکه در منتهای فراخ دلی حکم خدا را بجا آرند و در راه او خرج نمایند - بهر کیف حکمت و مصلحت الله تعالی حتماً پوره میشود البته شما ازین سعادت محروم میگردید - در حدیث است صحابه عرض کردند «یا رسول الله! (ص) آن قوم دیگر کیست که بسوی آن اشاره شده » آنحضرت بر شأنه حضرت سلمان فارسی دست گذاشته فرمودند «قوم این مرد» و فرمودند که «قسم بخدا (ج) اگر ایمان به ثریا برسد اهالی فارس از آنجا هم او را فرود خواهند آورد » الحمد لله صحابه (رض) آنقدر ایثار بی نظیر و جوش ایمانی را ثابت کردند که موقع نرسید که در عوض آنها قوم دیگر آورده شود - باز هم اهالی فارس داخل اسلام شده بقدری در راه علم و عرفان مظاهرات نمودند و چنان خدمات مهمه دینی را انجام دادند که از مشاهده آن هر شخص مجبوراً اقرار میکند که بروفق پیشگوئی آنحضرت (ص) بدون شک و شبهه همین قوم بود که بوقت ضرورت جای عرب را پر میکرد قطع نظر از هزارها علماء و ائمه تنها وجود امام اعظم ابو حنیفه (رح) بر صدق این پیشگوئی شاهد کافی است بلکه مصداق اولین و کامل این بشارت عظمی فقط امام صاحب است - رضی الله تعالی عنه و ارضاه .

(تمت سورة محمد ص بتوفيقه و اعانتة فله الحمد والمنة)

(سورة الفتح مدنية وهى تسع وعشرون آية واربعة ركوعات)
(سورة «الفتح» مدنى و آن بیست و نه آیت و چهار رکوع است)



إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا ۝١

(هر آئینه) ما فیصله کردیم برای تو فیصله روشن

تفسیر : در آیات مختلفه این سوره بطرف واقعات متعدد اشاره شده است لهذا مناسب است که بغرض سهولت فهم اختصاراً آنرا درین موقع بیان کنیم .

(الف) آنحضرت (ص) در مدینه خواب دید که «در مکه بامن و امان داخل شدیم و عمره بجا آورده حلق و قصر کردیم» - آنحضرت (ص) این خواب را به صحابه بیان فرمود اگر چه آنحضرت تعیین مده نمود مگر از شدت اشتیاق اکثر نفری چنان خیال کردند که عمره امسال میسر میشود و تصادفاً آنحضرت (ص) هم قصد عمره نمود .

(ب) آنحضرت (ص) تقریباً یکنیم هزار نفر را همراه خود گرفته بغرض عمره بسوی مکه روان شد و «هدی» هم همراه آنحضرت (ص) بود و فثیکه این خبر بمکه رسید قریش یک جمعیت بزرگ را فراهم آورده اتفاق کردند که آنحضرت (ص) را از دخول مکه مانع گردند حال آنکه قرار اصول سابق آنها دشمنی هم از حج و عمره منع کرده نمیشد - بهر حال به «حذیبیه» که قریب مکه است رسیده ناگاه آنحضرت بنشست و به هیچ صورت بر نخاست - آنحضرت (ص) فرمود «جسها حابس الفیل» و زیاده نمود که «قسم بخدا اهل مکه هر چه از من مطالبه کنند که در آن تعظیم حرمت الله قائم بماند آنرا منظور خواهم کرد» خلاصه آنحضرت (ص) در همان موضع توقف ناگه قیام فرمود . (این مقام را امروز «شمسیه» میگویند) .

(ج) آنحضرت (ص) به اهالی مکه قاصد فرستاد که «ما برای جنگ نیامده ایم بلکه عمره را اجرا کرده بر میگردیم ما را راه بدهید» چون جواب این پیغام نرسید آنحضرت (ص) پس همین پیام را به حضرت عثمان (رض) داده او را نزد قریش فرستاد و نیز به بعضی مرد و زن مسلمان که در مکه معظمه زندگی مغلوبانه و مظلومانه بسر میبردند مژده رساند که عنقریب اسلام در مکه غالب میشود حضرت عثمان (رض) را قریش از مراجعت باز داشتند - از سبب تاخیر در مراجعت وی بین مسلمانان خبری انتشار یافت که حضرت عثمان کشته شده در آن وقت آنحضرت (ص) باین خیال که جنگ واقع میشود زیر یک درخت از همه صحابه (رض) بیعت جهاد گرفت - چون قریش خبر بیعت را شنیدند ترسیدند و حضرت عثمان (رض) را واپس فرستادند .

(د) بعد از آن چند تن از رؤسا و سرکردگان قریش به غرض انعقاد صلح به خدمت آنحضرت (ص) حاضر شدند چنانچه به تحریر یک صلح نامه موافقه شد . درین اثنا در بعضی امور مباحثه و مناقشه هم به عمل آمد و مسلمانان از روی قهر مصمم شدند که به ذریعه شمشیر معامله را یکطرفه کنند لیکن آنحضرت (ص) بنابر اصرار

اهالی مکه همه سخنان آنها را منظور فرمود و اهل اسلام هم از تحمل انتهائی کار گرفتند و صلحنامه نگاشته شد در آن يك شرط کفار این بود که «امسال شما پس بگردید و سال آینده غیر مسلح آمده عمره ادا کنید» و دیگر اینکه «بین فریقین تا موعده ده سال جنگ واقع نشود در دوران این مدت مردیکه از طرف ما پیش شما بیاید شما او را نزد خود جای ندهید اما اگر آدم شما پیش ما بیاید او را پس نخواهیم فرستاد» و قتیکه تمام معامله صلح طی شد آنحضرت (ص) در خود حدیبیه جانور «هدی» را ذبح نمود و حلق و قصر کرده احرام بکشود و بسوی مدینه رهسپار گردید.

(ه) در راه این سوره (الفتح) نازل شد و این واقعه در اواخر سنه ۶ هـ بوقوع پیوست.

(و) چون آنحضرت (ص) از «حدیبیه» برگشتند در اوایل سنه ۷ هـ به فتح «خیبر» موفق شدند این محل از مدینه بطرف شمال به مسافت چار منزل از جانب شام واقع و يك شهر یهود بود درین جنگ هیچ شخص دیگر غیر از صحابه که در «حدیبیه» همراه آنحضرت (ص) بودند شمولیت نداشتند.

(ز) سال آینده یعنی در ذالعهده سنه ۷ هـ آنحضرت (ص) قرار معاهده برای «عمره القضاء» تشریف برد و بامن و امان و عافیت تمام به مکه رسید و عمره را ادا فرمود.

(ح) قریش شرط عهد نامه را که تا موعده سال جنگ نخواهد شد شکستند. بنابراین آنحضرت (ص) بر مکه هجوم برده و در ماه رمضان سنه ۸ هـ آنرا فتح نمود.

لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ

تایامم زد برای تو الله آنچه که سابق گذشت گناه تو و آنچه پس واقع شده

تفسیر: صلح «حدیبیه» ظاهر آ صلح ذلت و مغلوبیت بنظر می آید. از مطالعه سر سری شرایط صلح درجه اول چنان محسوس میشود که فیصله تمام مناقشه ها خاص به مفاد کفار قریش تمام شده است چنانچه حضرت عمر (رض) و دیگر صحابه (رض) هم از مشاهده جنبه ظاهری صلح خیلی محزون و مضطرب بودند - آنها خیال میکردند که مقابل چهارده یا پانزده صد مجاهدین سرباز اسلام جمعیت قریش و طرفداران آنها چه اهمیت دارند؟ پس چرا تمام منازعات بذریعه شمشیر فیصله نمیشود مگر رسول الله (ص) احوال و نتایج آنرا که از انظار دیگران پنهان بوده می نگریست چه الله تعالی (ج) برای تحمیل بدترین و نا مساعدترین واقعات سینه آنحضرت (ص) را فراخ گردانیده بود چنانچه آنحضرت (ص) به استغنائی بی مثال و توکل و تحمل بی نظیر هر شرط کفار را قبول میفرمود و به اصحاب خود «الله و رسوله اعلم» گفته سامان تسلیت را فراهم می آورد یعنی الله و رسول وی بهتر میدانند تا آنکه این سوره نازل شد و خداوند قدوس نام این صلح و فیصله را «فتح مبین» بنهاد رفقای رسول برین هم اظهار تعجب میکردند که «یا رسول الله آیا این فتح است» - فرمود «بلی فتح بسیار بزرگ» حقیقت این است که بیعت جهاد از طرف صحابه (رض) و بعد از ایداء و آزار جزئی مرعوب شدن کفار معاند و به صلح میل کردن و با وجودیکه رسول کریم (ص) برای جنگ و انتقام قدرت کافی داشت در هر موقع از عفو و اغماض کار می گرفتند و محض جهت تعظیم بیت الله بر مطالبات بیهوده کفار قطعاً مشتعل نمی شدند از يك طرف این همه واقعات ذریعه استجلاب مدد و رحمت خصوصی الله تعالی میشد و از طرف دیگر قلوب دشمنان را طاقت اخلاقی و روحانی اسلام و شان پیغمبری پیغمبر (ع) مرعوب و مغلوب ساخته بود - اگر چه در حین تحریر عهد نامه ظاهر بیان فتح کفار را می دیدند لیکن متفکرین دوران دیش خوب میدانستند که در حقیقت این معاهده به نفع آنحضرت (ص) تمام میشود - الله تعالی نام آنرا فتح مبین نهاده خاطر نشان فرمود که «این صلح درین وقت هم فتح است و برای

آینده هم دروازه فتوحات بیشمار ظاهری و باطنی را بروی آنحضرت (ص) باز میکنند» بعد از انعقاد این صلح کافران و مسلمانان را برای اختلاط باهمی و صاحبیت آزادانه موقع بدست آمد هرگاه کفار از زبان مسلمانان سخنان اسلام را می شنیدند واحوال و اوضاع این مسلمانان مقدس را می دیدند بی اختیار در دل شان يك کشش و رغبت بسوی اسلام پیدا میشد - نتیجه این شد که از صلح «حدیبیه» تا فتح مکه یعنی تقریباً در ظرف دو سال مردم آنقدر بسیار مسلمان شدند که پیشتر گاهی نشده بودند - صحابه نامور مانند خالد بن الولید و عمرو بن العاص در همین دوره حلقه بگوش اسلام شدند - جسمه ارانی بلکه دلپار افتتاح کردن از بزرگترین برکت همین صلح حدیبیه بود - خلاصه جماعت اسلام در هر چهار سمت آنقدر انتشار یافت و در آن افزودند که مکه معظمه را فتح کردن و آنرا برای همیشه از آلائش شرك پاك نمودن بسیار آسان شد - در «حدیبیه» همراه آنحضرت (ص) فقط يك یونیم هزار جانباز بودند لیکن بعد از دو سال در وقت فتح عظیم مکه معظمه ده هزار نفر لشکر جرار همراه آنحضرت (ص) بودند - حقیقت این است که نه تنها برای فتح مکه و فتح خیبر بلکه برای تمام فتوحات آینده اسلام صلح حدیبیه بطور اساس و بنیاد و دیباچه زرین بود - از برکت آن تحمل و توکل و تعظیم حرمت الله که در سلسله صلح ظاهر شد و ابواب ان علوم و معارف قدسیه و مقامات و مراتب باطنی که کشوده شده باشد اندازه آن از دست کدام کس پوره است ؟ بلی حق تعالی يك اشاره اجمالی درین آیات فرموده است - یعنی چنانکه سلاطین دنیا فاتحین بزرگ میدان جنگ را به اعزاز و اکرام خصوصی خود می نوازند خداوند قلوب هم در صله این فتح مبین آنحضرت (ص) رابه چار چیز سر فراز فرمود - اولین چیز عبارت است از «غفران ذنوب» که تا ابد آباد جمله کوتاهی هائیکه باعتبار مرتبه رفیع آنحضرت (ص) کوتاهی شمرده شود بالکلیه معاف است این چیز را الله تعالی در حق هیچ بنده فرموده مگر در حدیث آمده است که بعد از نزول این آیت آنحضرت (ص) آنقدر عبادت و محنت میکشید که از کثرت قیام لیل پایهای مبارک ورم میکرد و مردم از مشاهده آن متأثر میشدند صحابه (رض) عرض میکردند که «یا رسول الله ! شما چرا اینقدر زحمت میکشید چه الله تعالی تمام خطاهای گذشته و آینده شمارا معاف فرموده - پیغمبر جواب میداد «افلا کون عبداً شکوراً» (آیا من بنده شکر گذار او تعالی نباشم) ظاهر است که الله تعالی چنین بشارت رابه بنده میدهد که از شنیدن آن بیباک و بی خوف نگردد بلکه خوف خدا بیشتر در دلوی جا گیرد - در حدیث طولانی که درباره شفاعت آمده تذکر رفته که چون مخلوق جمع شده به حضور حضرت مسیح (ع) بروند او به آنها خواهد گفت که «پیش محمد (ص) بروید که خاتم النبیین است و همه خطاهای گذشته و آینده او را الله تعالی معاف فرموده است» (یعنی درین مقام شفاعت اگر فرضاً تقصیری سرزند آنهم در تحت عفو عام از پیشتر آمده است) غیر از او از دست هیچکس این کار پوره نیست .

و يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ

و تمام کند احسان خود را بر تو
تفسیر : محض گذشتن از تقصیرات نیست بلکه هر قدر انعام و احسان ظاهری و باطنی مادی و روحی که تا حال بتو ارزانی شده است تکمیل و تتمیم میگردد .

و يَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ۝

راست

براه

روان کند ترا

و

تفسیر : ترا به راه راست هدایت و استقامت دائماً قائم خواهد داشت - از برای فائز شدن به مراتب غیر محدود معرفت و شهود و قائم کردن حکومت اسلام بر قلوب و ابدان در راه تو هیچ موانعی حائل نمیشود - مردم جوق جوق به ذریعه هدایت تو به راه راست اسلام خواهند آمد و بدین طریق در ذخیره مزد حسنات تو بیحد و حساب افزوده میشود .

وَيَنْصُرْكَ اللَّهُ نَصْرًا عَظِيمًا ۝

و نصرت دهد ترا الله نصرت قوی

تفسیر : خداوند با تو چنان کمک خواهد کرد که نه کسی آنرا منع و نه مغلوب کرده بتواند و از مدد و نصرت او فتح و ظفر در رکاب تو باشد - در سورة «نصر» فرمود که چون از طرف خدا مدد و فتح برسد و مردم فوج فوج در دین الهی داخل شده بروند تسبیح و تحمید خدا را نموده از و طلب مغفرت کن - ظاهرست که برین فتح مبین هم آنحضرت (ص) استغفار کرده باشد که جواب مضمون «لِيَغْفِرَ اللَّهُ» آنرا واضح میسازد . نبه علیه ابن جریر رحمه الله تعالى .

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ

اوست آنکه فرود آورد اطمینان را در دلهای

الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ ط

مؤمنان تا زیاده کنند ایمان را با ایمان سابق خود

تفسیر : اطمینان نازل کرد یعنی با وجودیکه خلاف طبع آنها بود بحکم رسول استوار و ثابت قدم بودند - با کافران معاند ضد نکردند از برکت این کار درجه ایمان آنها بلند تر شد و در مراتب عرفان و اتقان ترقی یافتند - اول به بیعت جهاد پرداخته به اثبات رسانیده بودند که مادر راه خدا برای جهاد و قتال آماده هستیم این يك رنگ ایمان بود بعد از آن وقتی که پیغمبر (ع) برخلاف جذبات مسلمانان به حکم و اراده خداوند صلح را منظور فرمود این ایمان دیگر آنها بود که جذبات و احساسات خویش را زیر پا نموده مقابل فیصله خدا و رسول گردن نهاده اند . رضی الله عنهم و رضوا عنه .

وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمٰوٰتِ وَٱلْأَرْضِ ط

و الله راست لشکرهای آسمانها و زمین

وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝

و هست الله دانا با حکمت

تفسیر : خاص همان ذات میداند که در کدام وقت حکم قتال برای شما مصلحت است و کدام وقت بازداشتن از قتال و صلح کردن برای تان حکمت است ؟ اگر به شما حکم قتال داده شود هیچگاه کثرت کفار و ابه خیال خود نیاورید و تردد نکنید زیرا که مالک لشکرهای آسمان و زمین فقط حضرت اوست که با وجود کمی شما به ذریعه جنود غیبی خود به شما امداد کرده میتواند چنانکه در « بدر »، « احزاب » و « حنین » و غیره کمک فرموده و اگر او تعالی برای انعقاد صلح و دست برداشتن از قتال حکم کند همان امر را بعمل کنید - گاهی دردل مگذرانید که چرا صلح روی کار شد و کفار خلاص شدند و به سزای خود نرسیدند - اگر حکم قتال می شد ما آنها را هلاک می ساختیم - زیرا که هلاکت آنها بر شخص شما موقوف نیست اگر ما بخواهیم به ذریعه لشکرهای دیگر خود آنها را هلاک ساخته میتوانیم . بهر حال اگر مالک لشکرهای زمین و آسمان حکم صلح بدهد حتماً در آن حکمت و مصلحت است .

لَيْدُ خَلِّ الْمَوُِّ مِئِنَ وَالْمَوُِّ مِئِنَ

تا در آرد و مردان مؤمن و زنان مؤمنه را

جَنَّتِ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خِلْدِينَ

در جنت ها که میرود در زیر درختان آن جویها جاویدان باشند

فِيهَا وَيُكَفَّرُ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ ط

در آن و تازائل کند از ایشان بدیهای ایشان را

تفسیر : چون آنحضرت (ص) « انا فتحنا لك فتحا مبينا الايه » را پیش صحابه تلاوت فرمود آنها به خدمت آنحضرت (ص) تبریک گفتند و عرض کردند: « یا رسول الله ! این مخصوص شما بود برای ما چیست ؟ » نظر باین خواهش این آیات نازل شد یعنی خدای تعالی از فرو فرستادن اطمینان و سکینه ایمان مومنین را بیفزود تا بکمال اعزاز و اکرام آنها را داخل جنت نماید و بدیهها و قصورشان را معاف فرماید چنانکه در حدیث است « از جمله اصحابیکه در حدیبیه بیعت کردند هیچیک بدوزخ نمیروند ».

تنبيه : ذکر مومنات برای تعمیم است یعنی ایمان هیچکس خواه مرد باشد و یا زن ضایع نمی گردد از احادیث ثابت است که حضرت ام سلمه (رض) درین سفر همراه آنحضرت (ص) بود .

وَكَانَ ذَٰلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا ۝

و هست این نزد الله فیروزی بزرگ

تفسیر: بعض صوفیان نغالویا بزرگ مغلوب الحال بعض اوقات اظهار میکنند که طلب جنت کار ناقصان است ازین آیت معلوم شد که همین خواهش نزدالله کمال بزرگ است.

و يُعَذِّبُ الْمُنْفِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ
و تا عذاب کند و مردان منافق و زنان منافقه را

وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ
و مردان مشرک و زنان مشرکه را

تفسیر: دردلهای مومنان بوسیله صلح اطمینان پیدا کرده بیخ اسلام را محکم کردو دروازه فتوحات و ترقیات اسلامی را بکشد که بالآخر برای کافران و منافقان سبب مصیبت و موجب مجازات کامل میگردد.

الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنُّ السَّوْءِ ط
که گمان کننده اند بر الله گمان بد

تفسیر: مراد از گمان بد آنست که در وقت روان شدن از مدینه منافقین (بجزجد بن قیس) همراه مسلمانان نیامده بودند بلکه بهانه کرده در خانه های خود بیغم نشستند و پنداشتند که حتماً قتال و کارزار و قوع میپذیرد پس این مسلمانان هلاک میشوند و یک نفر هم زنده واپس نخواهد آمد زیرا که از وطن دور میگردند فوج آنها کم است و ملک هم از دشمن می باشد ما چرا خود را همراه آنها در هلاکت بیفکنیم و کفار مکه خیال کردند که مسلمانان ظاهراً بنام «عمره» می آیند و می خواهند که به فریب ودغا مکه معظمه را از پیش ما بستانند.

عَلَيْهِمْ ذَا آئِرَةٍ السَّوْءِ ج
(منعکس) افتاد برایشان گردش بد

تفسیر: آنها در گردش زمانه و گرداب مصیبت حتماً گرفتار میشوند تاکی احتیاط و پیش بینی خواهند کرد.

و غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ
و خشم کرد الله برایشان و لعنت کرد ایشانرا و آماده ساخت برای ایشان

جَهَنَّمَ ۱ و سَاءَتْ مَصِيرًا ۶ وَلِلَّهِ جُنُودٌ

دوزخ را و بد و مرجع است دوزخ و الله راست لشکرهای

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۲ وَكَانَ اللَّهُ

آسمانها و زمین و هست الله

عَزِيزًا حَكِيمًا ۷

غالب با حکمت

تفسیر : اگر او (تعالی) سزا بدهد کدام کس خلاص کرده میتواند - لشکر خدائی در آن واحد آنها را بکلی نیست و نابود میکند مگر او تعالی با آنکه زبردست است با حکمت هم می باشد حکمت وی مقتضی آن نیست که فوراً آنها را مستاصل گرداند .

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا أَوْ مُبَشِّرًا ۸

(هر آئینه) ما فرستادیم ترا گواه و بشارت دهنده و ترساننده

تفسیر : فرمان برداران الله را بشارت و نافرمانان را ترس و بیم میدهی و حقایق را آشکارا میگوئی چنانکه از «انافتحن» تا اینجا هر سه نوع مضمون آمده - و در آخرت برای امت خود و نیز در حق انبیاء علیهم السلام گواهی میدهی .

لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ

تا ایمان آرید به الله و به رسول او و تانصرت دهید (دین) او را

وَلَتُؤَقِّرُوهُ ۳

و تعظیم کنید او را

تفسیر : اگر ضمیرهای «تعزروه» و «توقروه» بسوی خدا راجع شود مراد از امداد بخدا امداد به پیغمبر و دین اوست و اگر بسوی رسول راجع باشد درین صورت هیچ اشکال نمی ماند .

و تَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ⑨

و بیای بیای کنید او را بگاه و بگاه
تفسیر : خدا را به بیای یاد کرده باشید خواه در ضمن نمازها و یا خارج از نمازها .

إِنَّ الَّذِي يَنْ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ

بتحقیق آنانکه بیعت میکنند با تو بیعت میکنند

اللَّهُ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ ج

بالله دست خداست بالا دست های ایشان

تفسیر : مردم دست خود را در دست آنحضرت نهاده بیعت میکردند - این عمل را فرمود که بردست رسول بیعت کردن گویا با خدا بیعت کردن است زیرا در حقیقت رسول از طرف خدا بیعت میگیرد و تعمیل و تاکید احکام همان ذات اقدس را به ذریعه بیعت بمرمدم اجراء میکند و این مانند آن است که خدایتعالی فرموده (من يطع الرسول فقد اطاع الله) (نساء رکوع ۱۱) و چنانکه فرموده «و ما رمیت اذ رمیت ولكن الله رمی» (انفال رکوع ۲) چون حقیقت بیعت نبوی این است دست شفقت و حمایت خدای تعالی یقیناً بردست های ایشان می باشد .

تنبیه : آنحضرت (ص) گاهی به اسلام گاهی به جهاد و گاهی بدیگر کارهای نیک بیعت می گرفتند در صحیح مسلم لفظ «وعلى الخير» آمده است بیعت مشائخ طریقت اگر بطریق مشروع باشد محض در تحت همین لفظ می آید در «حدیثیه» بر این امر بیعت گرفته شده بود که «تادم مرک از میدان جهاد فرار نکنند» .

فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ ج

پس هر که بشکند عهد بیعت را پس جز این نیست که میشکند به ضرر نفس خود

وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمِيسُوتُهُ

و هر که و فاکند به آنچه عهد کرده به آن الله پس خواهد داد او را

لَهُ أَجْرًا عَظِيمًا ⑩

مزد بزرگ

تفسیر : اگر کسی قول وعهدی را که در وقت بیعت کرده است آنرا بشکند به زیان خودش تمام میشود بخدا و رسول هیچ ضرر نمیرسد همین شخص سزای عهد شکنی را خواهد یافت - و کسیکه استقامت و ثبات نشان داد و عهد و پیمان خود را به ثبات قدم ایفاء نمود معاوضه آن کامل بلکه خیلی زیاد داده میشود .

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ

اکنون خواهند گفت برای تو پس ماندگان از بادیه نشینان عرب

شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا

مشغول کردمارا اموال ما و اهل ما پس طلب آمرزش کن برای ما

تفسیر : آنحضرت (ص) هنگام عزیمت از مدینه عزم خود را اعلان کرده و مسلمانان را بصحابت خود تحریک داده بود - شاید آنحضرت (ص) از قرائن هم دانسته باشند که وقوع جنگ محتمل است ازین اعلان نفری دیهاتی و چادر نشین که در دلهای آنها هنوز ایمان راسخ نشده بود پهلوتی نموده هیچ حرکت نکردند و با یکدیگر گفتند که «آیا ما بسوی قومی رهسپار می شویم که بخانه محمد (ص) (یعنی مدینه) آمده بسارفقای او را کشتند آیا اکنون ما بوطن آن قوم رفته با آنها جنگ خواهیم کرد ؟ بیاد شما باشد که این پیغمبر و رفقای او ازین سفر واپس نخواهند آمد همگنان در همانجا به قتل میرسند » در این آیات حق تعالی پرده نفاق آنها را دریده و پیش از رسیدن به مدینه در راه به آنحضرت (ص) افشاء نمود که وقتیکه شما مع الخیر و العافیت بر میگردید این مردم در باب غیر حاضری خود عذر ها و حیل ها تراشیده پیش شما می آیند و خواهند گفت که «چه عرض کنیم ما از کار و بار خانه خود هیچ فرصت نیافتیم ، هیچ سر پرست نداشتیم که در غیاب ما خبر اهل و عیال ما را میگرفت - بهر حال ضرور از طرف ما کوتاهی شده اکنون از خداوند بخشش گناهای ما را بخواه » .

يَقُولُونَ بِالسِّنْتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ

میگویند بزبانهای خود آنچه نیست در دلهای ایشان

تفسیر : در دل میدانند که این معذرت بکلی غلط و درخواست استغفار هم محض ظاهر داری و نمایش است و از روی صداقت نیست - چه آنها در دل خود نه آنرا گناه میدانند و نه بر تو اعتقاد دارند .

قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا

بگو پس کیست که بتواند برای شما از (دفع کردن حکم) الله چیزی را

إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ
اگر خواهد خدای شما ضرری یا بخواید شما

نَفْعًا بَلْ كَانِ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۝۱۱
نفعی بلکه هست الله به آنچه میکنید خبردار

تفسیر : هر نفع و نقصان در اختیار خداست و هیچکس مقابل مشیت و اراده او چیزی کرده نمیتواند منظور او تعالی نبود که فوائد شمولیت این سفر مبارک نصیب شما شود و نه اکنون منظور اوست که من برای شما استغفار کنم - او تعالی مرا پیش از بکار بردن حيله های شما به معذرت دروغ شما آگاه گردانیده است بهر حال او تعالی اراده کرده است که از سبب اعمال و حرکات ناهنجار شما از برکات و فوائد گوناگون «غزوة حدیبیه» شما را بی نصیب و مورد نقصان و زیان قرار دهد. شما میگوئید که از باعث حفاظت مال و اهل و عیال - بود عزم سفر کرده نتوانستیم اگر خدای تعالی اراده کند که به مال و اولاد شما نقصان برساند اگرچه در خانه خود باشید آنرا باز داشته میتوانید و یا فرض کنید که الله تعالی بخواید به مال و عیال شما سودی برساند در حالیکه شما در سفر باشید آیا کسی آنرا باز داشته میتواند؟ پس وقتیکه هیچکس نفع و نقصان را منع کرده نمیتواند مقابل خوشنودی خدا و رسول او این چیز را اهمیت دادن محض حماقت و ضلالت است باظهار این حيله ها و بهانه ها گمان نکنید که ما خدای را خوش خواهیم ساخت بلکه الله تعالی تمام احوال و اعمال پنهان و آشکار را بطور کامل میداند.

بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ
(چنین نیست) بلکه گمان کردید که باز نخواهد گشت پیغمبر

وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَى أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزُرِينِ
و مؤمنان بسوی اهل خانه خویش هرگز و آراسته شده

ذَلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَنْتُمْ ظَنَّهُ السَّوْءِ ۝۱۲
این گمان در دلهای شما و گمان بردید گمان بد

وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا ⑫
و بودید قوم هلاک شوندگان

تفسیر : سبب نرفتن شما این نیست که میگوئید بلکه شما گمان میکردید که پیغمبر و مسلمانان ممکن نیست که ازین سفرزنده پس آیند. همین آرزوی قلبی شما بود این گمان و تخمین در دلهای شما خوب جا گرفته بود از همین سبب صورت حفاظت و نفع خود را در علیحده بودن سنجیدید حالانکه این صورت خسران و تباهی شما بود و خدا میدانست که اینها تباه و برباد شدند.

وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِآلِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا
و هر که ایمان نیاورد به الله و رسول او پس (هر آئینه) ما آماده کرده ایم

لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا ⑬
برای کافران آتش شعله زن و مرخدا راست پادشاهی آسمانها

وَالْأَرْضُ ضُيِّفُ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ
و زمین می آمرزد هر کرا خواهد و عذاب میکند

مَنْ يَشَاءُ ⑭ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا
هر کرا خواهد و هست الله آمرزگار مهربان

تفسیر : کسی را که او تعالی نخواهد بخشد چگونه بخشایش او را بخواهم. البته اگر لطف و کرم فرموده به شما توفیق توبه داده و بخشش مینماید در هر حال رحمت او تعالی بر غضبش سبقت دارد.

سَيَقُولُ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَةُ إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَى مَغَانِمَ
اکنون خواهند گفت همان پسماندگان و قتیکه روانه شوید شما بسوی غنیمت ها

لِتَأْخُذُوا هَٰذَا رُؤُوسًا تَتَّبِعُكُمْ ⑮
تا بگیرد آنرا بگذارد ما را تا (باشما) از پی شمارویم میخواهند

أَنْ يُبَدِّلُوا كَلِمَ اللَّهِ قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا

که تبدیل کنند سخن الله را بگو هرگز پیروی ما را نخواهید کرد

كَذَّابِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ ج

همچنین فرموده است الله پیش ازین

تفسیر : بعد از مراجعت حدیثیه به آنحضرت (ص) حکم داده شد که به «خیبر» هجوم برده شود چه در آنجا یهود سکونت داشتند و آنها بدعه‌دی کرده در جنگ «احزاب» اقوام کفار را برای هجوم به مدینه آماده ساخته آورده بودند ، حق تعالی به آنحضرت خبر داد: بادیه نشینانیکه به «حدیبیه» نرفته بودند در معرکه «خیبر» استدعای شمولیت خواهند کرد چرا که درین هجوم خطر کمتر و امید غنیمت بیشتر است - بایشان بگو که پیش از استدعای شما الله تعالی بماطلاع داده است که شما درین سفر بصحابت ماهرگز نخواهید رفت درینصورت شما چگونه همراه مازفته می‌توانید اگر با ما بروید معنای آن این میشود که گویا فرموده خداوند تبدیل کرده شده حال آنکه بسیج صورت تبدیل آن ممکن نیست .

فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا ط

پس خواهند گفت (برای مومنان) چنین نیست بلکه حسد میکنید با ما

تفسیر : الله تعالی چنین فرموده است بلکه شما خواهش دارید که بمافائده نرسد و تمام مال و غنیمت بدون شرکت غیر بدست شما بیاید .

بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا ⑩

بلکه هستند که در نمی‌یابند مگر اندکی

تفسیر : یعنی اینها خیلی کم فهم اند و از بیخردی فهمیده نمیتوانند که مسلمانان چه زهد و قناعت دارند آیا این مومنان حریص مال هستند که بر شما حسد ببرند و آیا ممکن است که پیغمبر از راه حسد به خدای تعالی دروغ بسته خواهد کرد (العیاذ بالله) .

قُلْ لِلَّهِ خَلْفَيْنِ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتُدْعُونَ

بگو (ای محمد) همان پسماندگان را از باده نشینان اعراب که شما خوانده خواهید شد

إِلَىٰ قَوْمٍ أُولِيٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُوهُمْ

بسوی قومی که خداوندان کارزار سخت‌اند که جنگ کنید با ایشان

أَوْ يُسْلِمُونَ ۚ فَإِنْ تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ

یا آنکه مسلمان شوند پس اگر فرمان برداری کنید بدهد شمارا خدا

أَجْرًا حَسَنًا ۚ

مزد نیک

تفسیر : اندکی صبر کنید درین جنگ به شما قطعاً اجازه داده نمیشود - لیکن بعد از آن معرکه‌های زیاد پیش می‌آید و مسلمانان با قومهای نهایت جنگجو داخل پیکار میشوند که سلسله آن تازمانی جریان خواهد داشت که آن قومه یا مسلمان میشوند و یا به تادیه جزیه مطیع اسلام میگردند اگر واقعاً شوق جهاد دارید در آنوقت در میدان کار زار داخل شده داد شجاعت بدهید - اگر درین موقع حکم خدا را پذیرفتید خدا به شما بهترین معاوضه خواهد داد .

تنبيه : مراد ازین اقوام جنگجو بنوحنیفه و غیره میباشدند که قوم «مسيلمه کذاب» بود و یا «هوازن» و «ثقیف» و غیره که در «حنین» با آنها مقابله شده بود و یا آن مرتدین مراد است که صدیق اکبر (رض) بر ایشان لشکر کشی کرده بود و یا فارس و روم و کرد و غیره که در عهد خلفای راشدین با آنها جنگها وقوع پیوسته بود - بسیاری ازین مردم بدون جنگ مشرف باسلام شدند و مال غنیمت هم نصیب مسلمانان گردید .

وَ إِنْ تَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِّنْ قَبْلُ

و اگر روی گردان شوید چنانکه روی گردان شده بودید پیش ازین

يُعَذِّبُكُمْ عَذَابًا بَّاءً أَلِيمًا ۝۱۶

عذاب کند شمارا عذاب دردناک

تفسیر : چنانکه پیشتر از عزم «حدیبیه» پهلو تهی کرده و عقب مانده بودید اگر درآینده هم از آن معرکه‌ها عقب نشستید الله تعالی سزای نهایت دردناک بشما خواهد داد - شاید پیش از آخرت در همین دنیا مورد مجازات واقع شوید .

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ

نیست بر نابینا تکلیف و نه بر لنگ

حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ

تکلیف و نه بر بیمار

تفسیر : یعنی برای افراد معذور جهاد فرض نیست .

وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ

و هر که فرمان برد از خدا و رسول او را

جَنَّتْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

به بهشت ها که میرود زیر درختان آن جویها

وَمَنْ يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا

و هر که روی گردان شود عذاب کند او را به عذاب دردناک

تفسیر : یعنی در تمام امور و معاملات قاعده عمومی همین است .

لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ

بتحقیق خوشنود شد از مؤمنان

إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ

وقتی که بیعت کردند با تو زیر درخت

تفسیر : در حدیث آن درخت درخت مغیلان (کیکر) بود - غالباً از سبب فرمودن «لقد رضى الله عن المؤمنين الآية» این بیعت را «بیعة الرضوان» میگویند - قصه مفصل آن در آغاز این سورت گذشته است .

فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ

پس دانست آنچه در دل ایشان است

تفسیر : یعنی خداوند اندیشه ظاهر ، توکل دل ، حسن نیت ، صدق و اخلاص و محبت اسلام و غیره را دانست .

تنبيه : عموماً مفسرین از «ما فی قلوبهم» همین معنی را مراد گرفته اند مگر ابو حیان میگوید که همان رنج و اضطراب مراد است که باعث صلح و شرایط صلح در دلها جای گرفته بود و جمله مابعد «فانزل السکینه علیهم» با آن خوب مربوط میشود والله اعلم .

فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ

پس فرود آورد اطمینان را بر دل‌های ایشان و پاداش داد ایشانرا

فَتُحَاقَرُ يَبًّا ۱۸ وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا ط

فتح نزدیک و غنیمت‌های بسیار که بگیرند آنرا

تفسیر : مراد از فتح نزدیک فتح خیبر است که بعد از مراجعت از حدیبیه فوراً بایشان حاصل شد و نیز بسیار مال غنیمت بدست‌شان آمد که صحابه از آن آسوده و خوشحال شدند .

وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ۱۹

و هست و غالب و با حکمت

تفسیر : یعنی بزرگ و حکمت خود در اینجا از معاملات حدیبیه تلافی نمود و در فتح مکه و حنین نیز چنین ماجرا بظهور رسید .

وَعَدَكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا

و عده داده است شمارا الله غنیمت‌های بسیار که بگیرید آنها را

فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ

پس زود عطا کرد شمارا این غنیمت

تفسیر : یعنی در روزهای آینده غنائم بیشمار را نائل شدنی هستید چنانکه يك حصه آنرا در غزوه خیبر بشما عطا فرمود .

وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ ج
و بازداشت دستهای مردمان را از شما

تفسیر : نگذاشت که محاربه عمومی برپا شود و نماند که در حدیبیه و یا خیبر از دست کفار به شما ضرری برسد. و در غیاب شما بر اهل و عیال و مساکن شما کسی دست درازی کرده نتوانست.

وَلِتَكُونِ آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ

و تا باشد (این غنیمت) نشانه (فتوحات) برای مؤمنان

تفسیر : تا مسلمانان بدانند که قدرت کبریائی چگونه است و رتبه آنها بحضور او تعالی چیست و دریابند که وعدهای آینده نیز همین طور پوره میشود.

وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ۝۲۰
و تاروان کند شمارا براه راست

تفسیر : اگر بروعدهای الله وثوق و بر قدرت لا محدود او اعتماد باشد باطاعت و فرمان برداری هنوز ترغیب بیشتر میشود همین است راه راست.

وَأُخْرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ

(و بزودی داد شمارا) غنیمت دیگری که (هنوز) قدرت ندارید بر آن بتحقیق احاطه کرده قدرت

اللَّهُ بِهَا ط وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ۝۲۱
الله آنرا و هست و الله بر هر

شئی قَدِيرًا ۝۲۱

چیز توانا تر

تفسیر : در انعام این بیعت بشما فتح خیبر و فتح مکه که در آنوقت ظاهراً نصیب شما نشد حقیقتاً به شما ارزانی شده است زیرا که الله تعالی وعده آنرا بنمود و در حقیقت در عالم اسباب آن نتیجه از همین صلح حدیبیه است.

وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا

و اگر جنگ میکردند با شما کافران البته میگردانیدند

الَّذِينَ بَارْتُمَ لَا يَجِدُُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ۝

پشت هارا باز نمی یافتند حمایت کننده و نه مددگار

تفسیر: اگر جنگ بوقوع می پیوست غلبه و پیروزی از شما میبود و کفار پشت گشتانده میگریختند - کسی بامداد آنها رسیده آنها را از عذاب رهانیده نمیتوانست مگر حکمت الله مقتضی همین چیز شده که فی الحال صلح شود و از برکات عظیم الشان آن مسلمانان مستفید شوند.

سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ

(این را طریقه نهاده است الله) آن طریقه که گذشته است قبل ازین

وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ۝

و هرگز نیابی مرطریقه الله را تغییری

تفسیر: هر گاه اهل حق و اهل باطل به يك موقع فیصله کن در میدان کارزار باهم مقابل شوند عاقبت اهل حق غالب و اهل باطل مغلوب و مقهور میشوند - همین عاده الله که در آن هیچ تبدیل و تغییر نیست همیشه روی کار آمده است - البته شرط این است که اهل حق به هیئت مجموعی که محقق بر حق پرستی قائم باشند و بعضی «وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» را چنین معنی کرده اند که دیگری عاده الله را تبدیل کرده نمیتواند یعنی کسی را قدرت نیست که آن کار را که مطابق سنه الله باید شود نماند که بوقوع برسد.

وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ

و اوست آنکه بازداشت دستهای کافران را از شما

وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ

و دستهای شما را از ایشان در میان (حرم) مکه بعد از

أَنْ أَظْفَرَ كُمْ عَلَيْهِمْ ط
اینکه ظفردادشمارا برایشان

تفسیر : چند دسته مشرکین به (حدیبیه) رسیده بودند که موقع یافته آنحضرت (ص) را شهید کنند و یا بعض مسلمانان را که تنها بیابند آزار بدهند - چنانچه تایک اندازه آزار و اذاء رسانیدند حتی يك مسلمان را هم کشتند و کلمات اشتعال انگیز گفتند - بالآخر صحابه (رض) آنها را زنده دستگیر کرده بحضور رسول کریم (ص) حاضر کردند آنحضرت آنها را معاف فرمود و هیچ انتقام نگرفت درین آیه بسوی چنین واقعات اشاره شده و «بطن مکه» (به معنی در داخل شهر مکه) یعنی در قریب شهر - گویا عین داخل شهر را بدانید .

وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ۝۲۴

و هست الله به آنچه میکنید بینا

تفسیر : یعنی شرارتهای آنها و عفو و تحمل شما همه را الله تعالی می بیند .

هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَآوَصَدُّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ

این کفار قریش آنان اند که کافر شدند و باز داشتند شمارا از مسجد

الْحَرَامِ وَالْهَدَىٰ مَعْكُوْا فَاَنْ يَّبْلُغَ حَجَّهٗ ط

حرام و هدایارا محبوس داشته از اینکه برسد بجای خود

تفسیر : نگذاشتند که جانوران قربانی به آن مقام حرم برده شود که دستور عمومی و معمول ذبح کردن است بلکه فقط در «حدیبیه» بندامانند .

وَلَوْ لَا رِجَالٌ مُّؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُّؤْمِنَاتٌ

و اگر نبودندی مردان و زنان مؤمنه

لَمْ تَعْلَمُوْهُمْ اَنْ تَطَّوُّوْهُمْ فَتُصِيبَكُمْ

که نمیدانید ایشانرا (اگر نبودی خوف) اینکه پایمال کنید ایشان را پس برسد شمارا

مِنْهُمْ مَّعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ لِّئَدْ خَلَّ اللَّهُ فِي

بسبب ایشان گناهی بدون علم (اجازه میداد شمارا به قتال لیکن اجازه نداد) تا در آرد الله در

رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ ج

رحمت خود هر کرا خواهد

تفسیر: يك عده مردان و زنان با ایمان که در مکه مظلوم و مقهور بودند و مسلمانان از آن واقفیت کامل نداشتند از باعث بیخبری در جنگ پایمال می شدند اگر این اندیشه نمی بود فوری بشما حکم قتال داده میشد لیکن اگر چنین وقوع می پیوست پسان خودتان برین نقص قومی تأسف میکردید و به کافران موقع این طعنه زدن به دست می آمد که میگفتند مسلمانان را بنگرید که بر مسلمانان خود هم صرفه نمیکنند - بنابراین از حکم قتال صرف نظر شد تا این مسلمانان محفوظ و مصون بمانند - و بر شما در اثر صبر و تحمل بپیمثال تان خدای تعالی رحمت نازل فرماید نیز از جمله کافران آنها را که اسلام آوردن شان مقدر است هم از نتیجه وخیم جنگ خلاص نموده داخل رحمت خود نماید حضرت شاه صاحب (رح) مینویسد که «درین قضیه تمام ضد و عصبانیت و نیز بی ادبی و بی احترامی کعبه از طرف خود مشرکین به ظهور رسید مگر شما مسلمانان ادب و احترام را ملحوظ نظر گرفتید - مشرکین عمره کنندگان را منع کردند و نگذاشتند که قربانی به مذبح خود برسد بیشک آن موضع قابل این بود که بهمان وقت بدست شما فتح می شد مگر بعض مردان و زنان مسلمان در مکه بودند و بعض مردم که مسلمان شدن آنها مقدر بود در دوران همان فتح مکه هلاک میشدند در نتیجه در مدت دو سال صلح عده افرادی که اسلام آوردن آنها مقدر شده بود مسلمان شدند و کسانی که خروج آنها از مکه مقدر بود برآمدند بعد از آن الله تعالی مکه را بدست مسلمانان فتح کرد » .

لَوْ تَرَوْا الْعَذَابَ بَنَّا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ

اگر این مؤمنان جدا میشدند (از کفار) البته عذاب میدادیم آنانرا که کافر شدند از ایشان

عَذَابًا أَلِيمًا ۲۵

عذاب دردناک

تفسیر: اگر کافران از مسلمانان جدا بوده و مسلمانان بین آنها مخلوط نمی بودند شما میدیدید که ما کافرانرا بدست مومنان چه سزای دردناک میدادیم .

إِنْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ

چون گردانیدند کافران را سخ در دلهای خود ضلوا

حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ

ضد نادانی پس فرو فرستاد الله اطمینان از طرف خود

عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ

بر رسول خود و بر مؤمنان

تفسیر : ضد و تعصب نادانی این است که (امسال اجازه «عمره» را ندادند نیز درین نظریه اصرار داشتند مسلمانیکه از مکه هجرت کند پیغمبر باید اورا پس به مکه بفرستند اگر سال آینده به «عمره» بیایید بیش از سه روز در مکه اقامت نکنید - اسلحه یعنی شمشیر های برهنه و از غلاف کشیده با خود نیاورید در صلحنامه «بسم الله الرحمن الرحيم» ننویسید و در عوض «محمد رسول الله» صرف «محمد بن عبدالله» تحریر کنید (آنحضرت (ص) این همه سخنان آنها را قبول کردند و مسلمانان با وجود انقباض و اضطراب فوق العاده در مقابل ارشاد پیغمبر سر تسلیم خم نمودند و بالاخر بر همان فیصله دلهای آنها مطمئن شد .

وَالْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَىٰ وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا

و ثابت داشت ایشان را بکلمه تقوی و بودند سزاوارتر به آن

وَأَهْلُهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ۝۲۶

و اهل آن و هست الله بهر چیز دانا

تفسیر : یعنی از خوف خدا (ج) از نافرمانی کناره گرفتند و بادب و احترام خانه کعبه استوار و قائم ماندند . چگونه این جان نثاران قائم نمی ماندند که ایشان پرستندگان مخلص خدای واحد و قائل و حامل کلمه «لا اله الا الله محمد رسول الله» بودند آری يك موحد راسخ و مطیع صمیمی پیغمبر احساسات و امتیازات خود را در عین هیجان و جوش بر خوشنودی خدای حکیم و تعظیم شعائر او تعالی قربان کرده میتواند - توحید حقیقی همین است که آدم حکم آن مالک یگانه را شنیده جمیع خیالات عزت و ذلت خود را به طاق نسیان بگذارد . شاید از همین سبب تفسیر «کلمة التقوی» در حدیث به «لا اله الا الله» کرده شده زیرا که بنیاد تمامی تقوی و طهارت همین کلمه است که برای برداشتن و ادا کردن حق آن - الله جل جلاله اصحاب رسول الله (ص) را انتخاب فرموده بود و در علم محیط خدای دانا بدون شك و شبهه همین اصحاب کرام مستحق و اهل آن بودند .

لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ لُ الْرُّءُ يَا بِالْحَقِّ ۝۲۷

بتحقیق راست کرد الله رسول خود را خواب محقق

لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ

که هر آئینه در آئید شما به مسجد حرام اگر بخواهد الله

أَمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا

به امن تراشندگان موی سرهای خود را و کوتاه کنندگان (موی سر را)

لَا تَخَافُونَ ط

در حالیکه نمی ترسید

تفسیر : در آغاز سوره گفته شده که آنحضرت (ص) در مدینه خواب دیده بود که ما داخل مکه شدیم سر را تراشیده و موی را کوتاه کرده از احرام خلاص میشویم. تصادفاً در همان سال رسول الله (ص) قصد عمره کردند - صحابه عموماً خیال نمودند که بهمین سال بمکه خواهیم رسید و عمره ادا خواهیم کرد. وقتی که صلح حدیبیه تکمیل شد و از حدیبیه مراجعت نمودند بعضی صحابه عرض کردند که «یا رسول الله! آیا نفرموده بودید که بامن و امان داخل مکه می شویم و عمره میکنیم؟» آنحضرت جواب داد «آیا این را هم گفته بودم که به همین سال چنین بعمل می آید؟» صحابه عرض کردند «نی» پیغمبر فرمود شك نیست که همین طور وقوع می پذیرد - تمام شما بامن و امان به مکه رسیده به طواف بیت الله خواهید پرداخت و ازین شما کسی سر خود را تراشیده و کسی موی خود را کوتاه کرده احرام خواهد کشود و هنگامیکه در آنجا رسیدید هیچ بیم و اندیشه بر شما عاید نمی شود» چنانچه بسال دوم حدیبیه در عمره القضا همچنین بظهور رسید درین آیه همین واقعه را فرموده که واقعاً الله تعالی رسول خود را خواب صحیح نشان داد و فرمودن کلمه «انشاء الله تعالی» نزد ابن کثیر برای تحقیق و توکید است - و نزد سیبویه در مواقعی که اظهار قطعی چیزی خلاف مصلحت بوده بلکه محض بعمل آوردن کاری منظور باشد آنوقت انشاء الله می گویند .

فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَفْجَعَلْ مِنْ دُونِ ذَلِكَ

پس دانسته بود (الله) آنچه ندانستید شما پس گردانید ازین پیش

فَتْحًا قَرِيبًا ۲۷

فتح نزدیک و

تفسیر : باز الله تعالى برفق علم محیط خود سلسله واقعات راقائم فرمود او تعالى میدانست که در اظهار تعبیر خواب بعد از یکسال بسی مصالح است که شما آنرا نمیدانید بنابراین نگذاشت که آن خواب امسال واقع شود و پیش از وقوع آن بلا فاصله يك فتح دیگر را ارزانی فرمود یعنی فتح خیبر و یا صلح حدیبیه که صحابه آنرا «فتح مبین» میگفتند و ما در آغاز این سوره بر آن بحث مفصلی کرده ایم .

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى

اوست آنکه فرستاد رسول خود را براه راست

وَدِينِ الْحَقِّ

و دین حق

تفسیر : باعتبار اصول و فروع، عقائد و احکام همین دین درست و همین راه راست است که محمد رسول الله (ص) آنرا آورده .

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ ط

تا بلند (غالب) کند آنرا بر هر دین

تفسیر : این دین مبین را ظاهراً هم تا صد هاسال بر تمام ادیان غالب ساخت و اهل اسلام تا قرنهای شان و شکوه بی اندازه بر پیروان دیگر ادیان حکومت کردند و در آینده هم نزدیک خاتمه دنیا وقتی می آید که بر تمام اطراف و اکناف عالم حکومت دین حق برپا میشود علاوه بر آن باعتبار حجت و دلیل هم همیشه دین اسلام غالب بوده و خواهد بود .

وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ط

و کافی است الله گواه است

تفسیر : الله تعالى بر حقانیت این دین گواه است و بقدرت خود آنرا حق ثابت میکند .

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ط وَالَّذِينَ مَعَهُ

محمد فرستاده الله و آنانکه همراه اویند

أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ

سخت‌اند بر کافران

تفسیر : درمقابل کافران نهایت محکم و قوی میباشند که از باعث آن کافران مرعوب میشوند و نیز از کفر اظهار نفرت و بیزاری میشود - قال الله تعالى «وَلِيَجِدَ وَاٰفِيكُمْ غُلَظَةً» (توبه رکوع ۱۶) وقال الله تعالى «وَاغْلَظْ عَلَيَّهِمْ» (توبه رکوع ۱۰) وقال الله تعالى «اذْلَقَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ اَعْزَةً عَلَى الْكَافِرِينَ» (مائده رکوع ۸) حضرت شاه (رح) مینویسد «درشتی و نرمی که در سرشت کسی باشد در هر موقع یکسان بروز میکند و آنکه بذریعۀ ایمان اصلاح یافته باشد تندی و نرمی هر يك به موقع خود ظهور می نماید علماء نوشته اند که اگر با کافری به احسان و حسن سلوک پیش آمدن مصلحت شرعی باشد باکی ندارد - مگر در معامله دین نباید شمارا سست و کمزور بداند .

رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ

مهربان اند در میان خود

تفسیر : یعنی با برادران اسلامی خود همدرد و مهربان و مقابل آنها نرم و عاجز بوده به تواضع و انکسار پیش می آیند - در موقع «حدیبیه» این هردو وصف صحابه (رض) درخشان و عیان بود «اشدء على الكفار و رءماء بينهم» .

ثَرَاهُمْ رُكْعًا سَجْدًا تَفْتَبِتُونَ فَضْلًا

می بینی ایشانرا رکوع کنان سجده کنان می طلبند فضل را

مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا

از الله و خوشنودی اوست

تفسیر : نماز بسیار میخوانند هر وقتیکه ببینید آنها در رکوع و سجود مشغول بوده بحضور خداوند بکمال اخلاص و نیت پاک وظیفۀ عبودیت را ادا میکنند شائبۀ ریا و نمایش در ظاهر و باطن آنها نیست تنها فضل پروردگار و خوشنودی اوست را میجویند .

سَيِّمَاهُمْ فِي رُجُومِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ

علامت ایشان در رویهای ایشان است از اثر سجده

تفسیر : از پابندی نماز خصوصاً نماز تهجد بر چهرهای آنها يك نوع نورورونق خاص میباشد . گویا شعاعهای خشیت و خشوع ، حسن نیت و اخلاص از باطن تجلی نموده ظاهر آنها را منور می سازد - اصحاب پیغمبر از نور چهرها و از کردار و رفتار متقیانه خود بین مردم بکلی جدا و متمایز شناخته می شدند .

(المعاني ۱۵) عند الماخريين

ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ ۚ وَمَثَلُهُمْ

این (که مذکور شد) صفت ایشان است در تورات و صفت ایشان

فِي الْأَنْجِيلِ ۚ تَف

انجيل در

تفسیر : در کتابهای سابقه عیناً همین وصف و شان دوستان خاتم الانبیاء (ص) بیان شده بود چنانچه بسی از اهل کتاب غیر متعصب از مشاهده چهرها و اوضاع و رویه آنها بی اختیار اظهار میکردند که « والله! اینها فقط حواریون مسیح معلوم میشوند » .

كَزُرْعٍ أَخْرَجَ شَطَاۗءَ فَازَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ

مانند کشتی است که بر آرد شاخ خود را پس قوی کرد آنرا پس سطر شد

فَاسْتَوَىٰ عَلَى سُوْقِهِ

پس استوار شد بر ساق خود

تفسیر : حضرت شاه صاحب (رح) در حین شرح مثال زراعت مینویسد « یعنی اول برین دین يك نفر بود باز دو نفر شدند سپس به قوت و تعداد آنها افزوده رفت اولاً در عصر آنحضرت (ص) ثانیاً در عهد خلفای راشدین « بعضی علماء میگویند که در «اخراج شطاه» بسوی عهد صدیقی در «فازره» بسوی عهد فاروقی در «فاستغلاظ» بسوی عهد عثمانی و در فاستوی علی سوجه « بسوی عهد مر تضوی اشاره است مثلیکه بعض بزرگان دیگر «والدین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم تراهم و کما سجداً» را علی الترتیب بر خلفای اربعه تقسیم کرده اند مگر صحیح این است که این آیت بر منقبت و مدح تمام جماعه صحابه (رض) به حیث مجموعی مشتمل است خصوصاً بر ستایش اصحاب بیعة الرضوان که ذکر آنها از آغاز سوره زیر بحث است . والله اعلم .

يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ

که به شگفت می آرد زراعت کننده را

تفسیر : زارعین چون مبصر این کار میباشند لهذا ذکر آنها بخصوصیت کرده شده چون مبصر چیزی - آنها پسند کنند دیگران چگونه آنها نخواهند پسندید ؟ .

لِيَغِظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ ط

کافران را

تابه خشم آرد بسبب ایشان

تفسیر : این تازگی ، رونق و خرمی زراعت اسلامی را دیده دلهای کافران از فرط غیظ و حسد کباب میشود ازین آیت بعضی علماء استنباط کرده اند که « کسیکه بر صحابه حسد ببرد کافر است . »

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

کارهای شائسته

ایمان آورده اند و کرده اند

آنان را که

و عده داده است الله

مِنْهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَ أَجْرًا عَظِيمًا ۝۲۶

بزرگی

مزد

و

آمزش

از ایشان

تفسیر : حضرت شاه صاحب (رح) مینویسد « این وعده به آنان داده شده که صاحبان ایمانند و کارهای شایسته میکنند - جمیع اصحاب پیغمبر بهمین اوصاف متصف بودند مگر در باب خاتمه ، ترس و بیم داد - حق تعالی بندگان را چنان بشارت واضح نمیدهد که آنها بی خوف و بی اندیشه شوند از طرف آن مالک همین قدر تحسین و آفرین هم غنیمت است . »

(تمت سورة الفتح بفضل الله و رحمته فله الحمد والمنة)

(سورة الحجرات مدنية وهي ثمان عشر آية و فيها ركوعان)

(سورة الحجرات مدني و آن هژده آیت و دو رکوع است)



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقَدُّوا

پیشدستی مکنید

مؤمنان

ای

بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ

رسول او

و

الله

رو بروی

تفسیر: یعنی در فیصله معامله که از طرف الله و رسول او راجع به آن توقع اصدار حکم باشد پیش از پیش برای فکر خود حکم نکنید بلکه انتظار حکم الهی را بکشید - هر وقتیکه پیغمبر (ع) ارشادی فرماید به سکوت کامل به آن گوش دهید - پیش از فرمایش او بسخن گفتن جرأت نکنید - و هر حکم اصدار یافته را بی چون و چرا قبول و بدون کسر زیاد بر آن عمل کنید ، اغراض ، احوال و آرای خود را بر احکام او مقدم مدانید بلکه خواهشات و جذبات خود را دائماً تابع احکام سماوی بگردانید .

تنبيه: درین سوره مسلمانان را تعلیم داده است که آنها چگونه آداب و حقوق رسول کریم (ص) را رعایت و با برادران مسلمان خود چطور روابط برادرانه را نگاه بدارند و نظام اجتماعی مسلمانان از سبب پیروی و پابندی کدام اصول استوار و مستحکم میشود و اگر گاهی در آن خرابی و اختلال پیدا شود علاج آن چیست ؟ تجربه شاهد است که اکثر نزاعات و مناقشات در اثر خود نمایی و اغراض شخصی وقوع می پذیرد و چاره یگانه آن این است که اهل اسلام تمام آراء و اغراض شخصی خود را تابع يك معیار بلند سازند . پرواضح است که هیچ معیاری از ارشادات الله و رسول او بلندتر نیست درین عمل هر قدر زحمت و مشقت موقتی و عارضی تحمیل شود نتیجه آخرین آن یقیناً سرخروئی و کامیابی دارین است .

وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ①

و ترسیده باشید از الله (هر آئینه) الله شنوا داناست
تفسیر: فرمان برداری صحیح و احترام الله و رسول وقتی میسر میشود که خوف خدا در دل باشد چه اگر خوف خدا در دل نباشد آدم محض بغرض اثبات دعوی مسلمانی نام الله و رسول را بکرات و مرات بر زبان خود خواهد آورد و ظاهراً احکام آنها را مقدم نشان خواهد داد لیکن در حقیقت برای تحصیل خواهشات و اغراض نهانی خویش آنها را حیل و آله کار خواهد ساخت پس یاد باید داشت که آنچه بر زبان است الله آنرا می شنود و آنچه در دل است آنرا هم میداند - بنابراین این فریب و نمایش بحضور او تعالی چه قیمت خواهد داشت لازم است که انسان از ترسیده کار کند .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ

ای مؤمنان بلند مکنید آواز های خود را

فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ

بالای آواز پیغمبر و بلند مگوئید با او

يَا لَقَوْلٍ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ

سخن مانند بلند گفتن بعض شما به بعضی

أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿٢﴾

(ازخوف) اینکه ضایع شود عملهای شما و شما خبر نباشید

تفسیر : در مجلس آنحضرت (ص) هیاهوی برپا کنید و چنانکه بین خود به آواز بلند و یا بدرستی بایکدیگر حرف میزنید اختیار نمودن این طریقه با آنحضرت (ص) خلاف ادب است - هنگامیکه به آنحضرت (ص) خطاب کنید به آواز نرم و لهجه تعظیم و احترام و با ادب و شایستگی خطاب کنید چنانکه یک فرزند مذهب باید خود ، شاگرد رشید و دانشمند با استاد خود ، مرید مخلص با پیر و مرشد خود و یک عسکر با منصبدار خود سخن میگوید ، البته مرتبه پیغمبر بمراتب بلندتر از ایشان است - درحین خطاب و مکالمه با آنحضرت (ص) باید احتیاط کامل رعایت شود مبدا بی ادبی و بی احترامی سر زندوبه پیغمبر تکدر خاطر پیش آید. در حال تکدر خاطر آنحضرت (ص) مسلمان راجه مقام باشد - درینصورت اندیشه آن است که تمام اعمال شان ضائع شود و همه زحمات آنها بهدر رود .

تنبيه : بعد از وفات پیغمبر در حین استماع و تلاوت احادیث آنحضرت (ص) هم باید رعایت همین ادب در نظر باشد - و اگر کس به قبر مطهر او حاضر شود نیز این آداب را ملحوظ بدارد - همچنان لازم است که با خلفای آنحضرت ، علمای ربانی و اولوالامر درجه بدرجه همین آداب را مرعی داشته باشد تا نظام اجتماعی قائم بماند - اگر فرق مراتب ملحوظ نشود دروازه مفاسد و فتنه های زیاد باز میگردد .

إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاهُ ثَمَّ عِنْدَ

(بتحقیق) آنانکه پست میکنند آواز های خود را نزد

رَسُولِ اللَّهِ أَوْ لَكَ الَّذِينَ

فرستاده الله آن جماعه آنان اند

أُمْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى ط

که آزموده است الله دلهای ایشان را برای تقوی

تفسیر : یعنی آن مردمان که در مجلس رسول (ص) بتواضع ، ادب و تعظیم سخن میگویند و مقابل آواز پیغمبر آواز هائی خود را پست میکنند کسانی هستند که الله تعالی دلهای آنها را برای تخم ریزی ادب آزموده و صیقل نموده است و خالصاً برای تقوی و طهارت آماده کرده است - حضرت شاه ولی الله (رح) در حجة الله البالغه مینویسد که چهار چیز از اعظم شعائر الله است : قرآن ، پیغمبر ، کعبه ، نماز - تعظیم آنها را شخصی بجا خواهد

آورد که دل وی از تقوی مالا مال باشد «وَمِنْ عِظَمِ شِعَارِ اللَّهِ فَاِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (الحج رکوع ۴) ازینجا این امرهم معلوم شد که چون نسبت به آواز پیغمبر آواز را بلند کردن خلاف ادب است بعد از شنیدن احکام و ارشادات آنحضرت (ص) بر علیه آن اعتراض نمودن تابه کدام اندازه گناه خواهد بود؟

لَهُمْ مَغْفِرَةٌ ۖ وَ أَجْرٌ عَظِيمٌ ③

ایشان راست آمرزش و مزد بزرگ

تفسیر : از برکت این اخلاص و حق شناسی کوتاهی های گذشته معاف میشود و ثواب بسیار بزرگ داده میشود .

إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ

(بتحقیق) آنانکه ندای میکنند ترا از بیرون حجرها

أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ④ وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا

اکثر ایشان عقل ندارند و اگر ایشان صبر کردند

حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ ⑤

تا وقتی که بیرون می آمدی بسوی ایشان البته بود (این صبر) بهتر برای ایشان

وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ⑤

و الله آمرزگار مهربان است

تفسیر : بنی تمیم بغرض ملاقات آمدند، در آنوقت آنحضرت (ص) در حجره مبارکه تشریف داشتند این نفری از خارج آواز دادند که «یا محمد! اخرج الینا» (ای محمد! بیرون بیا) این وضعیتی بود از بی عقلی و بی تهذیبی - آنها مرتبه رسول (ص) را نمیدانستند فکر نکردند که مبدا در آنوقت بر آنحضرت (ص) نزول وحی جاری باشد و یا در کدام کار دیگر مشغول باشند - واضح است که ذات منبع البرکات آنحضرت (ص) مرکز و ملجأ کل اموردینی و دنیوی مسلمانان بود البته جای غور و فکر است که اگر نظام اوقات یک آدم عادی و وظیفه دار مرتب نباشد . برای او کار کردن و اجراءات نهایت مشکل میشود . علاوه بر اهمیت و وظیفه پیغمبر - ادب و احترام او هم آخرین چیز مهم است - بایستی که این مردم بذریعه کسی به پیغمبر اطلاع میدادند و تا تشریف آوری پیغمبر در خارج انتظار برده صبر میکردند - وقتی که آنحضرت (ص) بیرون تشریف آورده بسوی آنها متوجه میشدند بایستی باو خطاب میکردند - اگر آنها چنین میکردند این کار در حق آنها بهتر و قابل

ستایش می بود - باز هم در اثر بی عقلی و نادانی آنچه اتفاقاً سر زند الله به لطف و کرم خود آنرا می بخشید - برایشان لازم است که بر تقصیر خودنادم شده آینده چنین رویه را اختیار نکنند. همین تعظیم و محبت آنحضرت (ص) نقطه ایست که تمام قوت های پراکنده و جذبات منتشر ملت مسلمة را مجتمع می سازد و این همان رشته ایمانی است که نظام اخوة اسلامی بران قائم است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ

ای مؤمنان اگر بیارد پیش شما کدام فاسق

يُنْبَأُ فَبَيِّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ

خبری پس تحقیق کنید (از جهت خوف) اینکه برسانید ضرر قومی را بنادانی

فَتُصَبِّحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ ①

پس بگردید بر کرده خود پشیمانان

تفسیر: اکثر نزاعات و مناقشات از خبرهای دروغ پیدا میشود بنابراین اول برای سد همین سبب چشمه اختلاف و تفریق - تعلیم و تلقین داده یعنی خبری را بدون تحقیق قبول نکنید - فرضاً شخص گمراه و موذی مغلوب کدام خیال و جذبات شده در باب قومی شکایت آورد، محضی بر بیان او اعتماد کرده بران قوم هجوم بردید، بعده به اثبات رسید که شخص مذکور اطلاع غلط داده بود پس به فکر خود بیاورید که در آنوقت چه پشیمانی و تأسف بشما دست خواهد داد، بر عجلت و عدم تأنی خود چقدر ندامت خواهید کشید و نتیجه آن چه قدر بر ضرر جمعیت اسلام تمام خواهد شد؟

وَاعْلَمُوا أَن فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ

و بدانید که در میان شما فرستاده الله است

لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ

اگر قبول میکرد سخن شما را در بسیاری از کارها البته در مشقت می افتادید

تفسیر : اگر رسول الله (ص) بر کدام خبر و یارای شما عمل نکند بد مبرید چه حق تابع خواهشات و آراء مردم نیست. اگر چنین شود تمام نظام زمین و آسمان درهم و برهم خواهد شد کما قال تعالی «وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ» (المؤمنون رکوع ۴) خلاصه خبر هارا خوب تحقیق کنید و حق را تابع خواهش و رای خود مسازید بلکه خواهشات خود را تابع حق بدارید بدین طریق ریشه همه مناقشات کنده میشود - حضرت شاه صاحب (رح) مینویسد «اگر مشوره شما قبول نشود از آن بد نبرید - چه رسول پر حکم خدا عمل میکند و خیر و بهبود شما نیز در همین است اگر خواهد سخن شما را قبول کند هر کس در باب بهبود خود عرضی خواهد کرد پس سخن کدام يك را متابعت نماید.

وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ إِلَّا يَمَانُ

و لیکن الله محبوب گردانید بسوی شما ایمان را

وَزَيَّنَّهٗ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَتْ إِلَيْكُمْ

و آراسته کرد آنرا در دلهای شما و منفور گردانید بسوی شما

الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَٰئِكَ

کفر و فسق و نافرمانی را این جماعه

هُمُ الرَّاٰثِرُونَ ۖ وَلَا فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَنِعْمَ

ایشانند راه یابندگان بفضل از الله و احسان

تفسیر : اگر پیغمبر (ص) موافق میل شما هر سخن تانرا قبول می کرد برای خود شما مشکلات واقع میشد لیکن شکر خدای را بجا آرید که او تعالی به فضل و احسان خود دلهای مؤمنین قانت ایمان را محبوب گردانید و نفرت کفر و معصیت در آن انداخت چنانچه آنها به گرد کفر و عصیان هم نمی گردند در جمعی که رسول خدا جلوه افروز باشد پیروی خواهش و رای کسی چگونه در آنجا راه داشته باشد ؟ اگر چه امروز خود آنحضرت (ص) در میان ما موجود نیست مگر تعلیم پیغمبر و وارثان و نائبان او یقیناً موجود است .

وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝۸

و الله داناتر با حکمت است

تفسیر : او تعالی از استعداد مردم خوب باخبر است و هر یکی را بحکمت و علم محیط خود آن احوال و مقامات عطاء میفرماید که مناسب استعداد او باشد .

وَاِنْ طَاٰ يُفْتَنَ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ اَقْتُلُوْا

و اگر دو گروه از مؤمنان باهم جنگ کنند

فَاَصْلَحُوْا بَيْنَهُمَا ۚ فَاِنْ بَغَتْ اِحْدَاهُمَا

پس اصلاح کنید میان ایشان پس اگر یکی ازین دو گروه

عَلَى الْاٰخَرٰى فَقَاتِلُوا الَّتِى تَبْغِى حَتّٰى

بر دیگری پس جنگ کنید با آن گروه که تعدی میکند تا که

تَفِىءَ اِلَى اَمْرِ اللّٰهِ ۚ فَاِتَّ فَاَصْلَحُوْا

رجوع کند بسوی حکم الله پس اگر رجوع کرد (گروه متعدی) پس اصلاح کنید

بَيْنَهُمَا بِاِلْعَدْلِ وَاَقْسِطُوْا اِنَّ اللّٰهَ

میان ایشان برابر و عدل کنید بتحقیق الله

يُحِبُّ الْمُقْسِطِيْنَ ۙ

دوست دارد عدل کنندگان را

تفسیر : باوجود این پیش بینی ها اگر تصادفاً دو گروه مسلمانان داخل پیکار شوند به کوشش انتهائی خود اختلاف آنها را رفع ننمایند - اگر کامیابی بدست نیاید و یکی ازین فریقین بردیگری هجوم ببرد و بر ظلم و عدوان کمر بندد نباید بیغرض بنشینید و تماشا کنید بلکه تمام مسلمانان متحد شده با گروه ستمگار بجنگند تا آنکه آن فریق مجبور شده از زیاد رویهای خود دست بردار شده بسوی حکم خدا رجوع و به صلح راضی شوند در آنوقت بر مسلمانان لازم است که بامساوات و انصاف تام در میان هردو فریق صلح و آشتی برپا کنند و به طرفداری یکی از جاده حق منحرف نشوند .

تنبیه : نزول آیت بروفق روایت صحیحین راجع به هنگامه عارضی دو گروه انصار - اوس و خزرج بعمل آمده است چنانچه آنحضرت (ص) بروفق این آیت در میان آنها صلح و آشتی را قائم نمود . کسانی که مقابل خلیفه بغاوت کنند آنها هم در عموم آیت داخل اند

چنانچه علمای سلف از قدیم الایام در مسئله باغیان از همین آیت استدلال میکرده اند لیکن چنانچه از شان نزول برمی آید این حکم تمام مناقشات و مشاجرات جماعتی مسلمانان را دربر میگیرد بقیة تفصیل احکام شرعیه که درباره باغیان موجود است در فقه ملاحظه شود .

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ

جزاین نیست که مؤمنان برادران اند پس اصلاح کنید در میان

أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۱۰

دو برادر خود و بترسید از الله تا بشما رحم کرده شود

تفسیر: در هر يك از حالات صلح و جنگ باید ملحوظ باشد که جنگ بین دو برادر مؤمن و یا مصالحت در میان دو برادر است مانند دشمنان و کافران نباید با آنها سلوک شود بر علاوه و قتیکه دو برادر بایکدیگر تصادم کنند همانطور ایشانرا به حال خودشان مگذارید بلکه برای اصلاح جانبین کوشش انتهائی نمائید و در حین اجرای چنین کوشش از خدا خائف و ترسان باشید تا به هیچ صورت طرفداری ناحق یکی از جانبین نشود و یا حس انتقام شما بکار نیفتد

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ

ای مؤمنان تمسخر نکند گروهی

مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ

بر گروهی شاید که باشند آن گروه بهتر از مسخره کنندگان

وَلَا إِنْسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا

و نه زنان (تمسخر کنند) بر زنان دیگر شاید که آن زنان باشند بهتر

مِّنْهُمْ ۚ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ

از زنان تمسخر کنندگان و عیب مکنید یکدیگر را

وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ ط

و خوانید یکدیگر را به لقب‌های بد

تفسیر : اول برای جلوگیری از نزاع و اختلاف در میان مسلمانان تدابیر را تلقین کرد سپس تعلیم داده که اگر اتفاقاً اختلاف رونما شود آنرا به طریقه مؤثر و قوی از بین ببرید لیکن تا زمانی که نزاع خاتمه نیابد کوشش باید نمود که اقلاً جذبات منافرت و مخالفت تیز تر نشود و از حد اعتدال تجاوز نکند - عموماً به مشاهده میرسد که به مجردیکه بین دو شخص یا دو گروه اختلاف رونما شود یکی بردیگری تمسخر و استهزاء میکند - یک سخن جزئی را دست آویز قرار داده بلافاصله به ریشخندی می پردازد حالانکه او خبر ندارد که بر شخصیکه او ریشخندی میکند شاید در حضور الله تعالی ازو بهتر باشد بلکه بسا اوقات خود این آدم پیش از وقوع اختلاف او را بهتر میدانسته مگر در اثنای ضد و نفسانیت عیب کوچک دیگر کس را بزرگتر نشان میدهد و عیب بزرگ خود را از نظر می اندازد ازین سبب دائره نفرت و عداوت روز بروز وسیعتر شده می رود و در دلها آنقدر بعد زیاد واقع میشود که برای صلح و آشتی هیچ امید باقی نمی ماند - درین آیه خداوند قدوس ازهمچو سخنان منع فرموده است - یعنی گروهی بر گروه دیگری نه ریشخندی کنید و نه بیک دیگر تهمت ها و بهتان ها نمائید و نه تجسس نموده عیوب یکدیگر را عیان کنید و نه به نامهای بد و القاب زشت فریق مقابل را یاد نمائید زیرا که نتیجه چنین سخنان بدشمنی و نفرت جانبین میافزاید و آتش فتنه و فساد بقوت بیشتری مشتعل میشود سبحان الله ! چه هدایات بیش بهاست - اگر امروز مسلمانان بفهمند برای بزرگترین مرض آنها در همین يك سورة حجرات علاج مکمل موجود است .

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا سُلُوكَ الْفٰسِقِيْنَۙ بَعْدَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْاۚ

بد نامی است فسق بعد از ایمان آوردن

تفسیر : اگر کسی شخص دیگر را بنام بد یاد کند خودش گناهکار میشود نامبرده واقعاً خواه مورد عیب واقع شود و یا نشود لیکن نام خود سخن چین - بد تهذیب ، فاسق گناهکار و مردم آزار میشود - غور کنید که بعد از حصول بهترین لقب که «مومن» است آیا این نامها خوب معلوم میشود ؟ و یا این مطلب است که چون شخصی ایمان آورده مسلمان معرفی شد او را بر سخنان پیش از مسلمانیش طعن دادن و یا به بدترین القاب آنوقت یاد کردن مثلاً یهودی و یا نصرانی و غیره خواندن حرکت ناپسندیده است همینطور اگر شخصی در عیبی مبتلا باشد و آن عیب در اختیار او نباشد و یا فرضاً از گناهی توبه کرده باشد تذکار آن هم جائز نیست .

وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَأُولٰٓئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ۝

و هر که توبه نکرد پس آنجماعه ایشانند ستمگاران

تفسیر : اکنون از جرائم گذشته توبه کنید اگر مردم بعد از شنیدن این احکام و هدایات هم ازین جرائم توبه نکردند نزد خدا ظالمان اصلی بشمار خواهند رفت .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا

ای مؤمنان اجتناب کنید از بسیاری

مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ

گمان گمان تحقیق بعض گناه است

وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا

و تجسس مکنید (امور پوشیده مسلمانان را) و غیبت نکند بعض شما بعضی را

تفسیر : در افزودن اختلاف و تفریق باهمی بدگمانی و تجسس و غیبت را دخالتی است مخصوص که فریقی از فریق دیگر چنان بد گمان میشود که هیچ کنجایش حسن ظن باقی نماند نتیجه و محل استعمال هر سخن مخالف را برخلاف مقصدش تعبیر می کند اگر چه سخن او احتمالات متعدد بهبودی را داشته فقط يك پهلوی بدی از آن استنباط شود مگر طبیعت او همیشه بسوی پهلوی بد می گراید و همان پهلوی بد و ضعیف مخالف خود را قطعی و یقینی قرار داده بر فریق مقابل تهمت ها و الزامات می بندد بر علاوه نه فقط اینکه سخنی اتفاقاً بکسی برسد و او در اثر بد گمانی سابقه آنرا معنی غلط می پوشاند بلکه تمام مساعی خود را درین جستجو صرف میکند که رازهای داخلی حریف مقابل برو مکشوف شود تا به آن حواشی و تبصره های طولانی نماید و از غیبت و عیب گوئی حریف مجلس خود را گرم سازد قرآن کریم از تمام این خرافات منع میکند اگر مسلمانان برین هدایت و اصول عمل کنند اختلافاتی که از بد بختی پیش می آید از حد خود تجاوز نکند و ضرر آن نهایت محدود گردد بلکه در ظرف چند روز نام و نشان اختلافات نفسانی بکلی از بین برود . حضرت شاه صاحب (رح) می نویسد که «الزام و عیب نهادن ، اسرار را جستجو نمودن ، در غیاب کسی بد گفتن در هیچ موقع خوب نیست مگر در صورتی جائز است که از آن فائده دین به دست آید و غرض نفسانیت در آن نباشد چنانکه در باب رجال حدیث ائمه جرح و تعدیل این امور را معمول داشته اند زیرا بدون آن نگهدارستن دین محال بود » .

أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ

آیا دوست میدارد یکی از شما که بخورد گوشت برادر

مَيِّتًا فَكِرْ هُمُوهُ ط

مردۀ خود را (نی دوست نمیدارد) پس بد بدانید آنرا (پس غیبت راهم چنان بد بشمارید)

تفسیر : غیبت برادر مسلمان چنان کار خراب و زبون و مکروه است که گویا کسی گوشت برادر مرده خود را کهنه میخورد آیا کسی این کار را پسند خواهد کرد ؟ پس بدانید که غیبت نسبت به این کار هم شنیع تر است .

وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ﴿۱۲﴾

و بترسید از الله بتحقیق الله بسیار توبه پذیر مهربان است

تفسیر : باین نصائح همان شخص عمل میکند که در دل او خوف خدا باشد اگر ترس نباشد اعتنائی به آن نمیکند بر مدعیان ایمان و اسلام لازم است که از دل و براستی از خداوند قهار بترسند و نزدیک چنین حرکات نا شائسته نروند - اگر پیشتر چیزی غلطی ها و نقصانات سر زده باشد بحضور خداوند از صدق دل توبه کنند - او تعالی به لطف و کرم خود یقیناً معاف خواهد کرد .

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ

ای مردمان (هر آینه) ما آفریدیم شمارا از یکمرد

وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ

یک زن و گردانیدیم شمارا نژادها و قبیله ها

لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ﴿۱۳﴾

تا با هم شناسا شوید بتحقیق گرامی ترین شما نزد الله پرهیزگارترین (مؤدب ترین) شماست

تفسیر : منشأ غیبت ، طعن و تشنیع و عیب جوئی اکثر کبر و خود خواهی است چه وقتی که انسان خود را بزرگ و دیگران را حقیر می شمارد به چنان اقوال اقدام میکند بنابراین این نکته را خاطر نشان میفرماید که کوچک و بزرگ - معزز و یا حقیر بودن انسان در حقیقت با خاندان و نسب تعلق ندارد بلکه شخصیکه هر قدر نیک خصلت ، مؤدب و پرهیزگار باشد همانقدر نزد پروردگار معزز و مکرم است - حقیقت نسب اینست که کل بنی نوع انسان اولاد یک مرد و یک زن یعنی آدم و حوا - اند شیخ ، سید ، مغل ، افغان صدیقی ، فاروقی ، عثمانی و انصاری هر که باشد سلسله نسب همگنان به آدم و حوا منتهی میشود این نژادها و خاندانها را خداوند تنها برای شناسائی مقرر فرموده است اما کسی را که حق تعالی در یک خاندان شریف ، بزرگ و معزز پیدا کند آن یک شرف موهوب او است مثلاً شخصی که خوب رو و خوش اندام آفریده شود این چیزی نیست که بر آن فخر و مباهات کند ، آنرا معیار کمال و فضیلت گرداند و دیگران را حقیر شمارد بلکه باید شکر بجا آورد که خداوند بدون اختیار و کسب ما این نعمت را بما ارزانی فرمود این چیز هم داخل شکر است که از غرور و تفاخر دست بکشد و این نعمت موهوبه را از اخلاق پست و خصائل زشت خراب نسازد - بهر حال معیار اصلی مجد و شرف ، فضیلت و عزت نسب نیست بلکه تقوی و طهارت است پس آدم متقی دیگران را حقیر نخواهد شمرد .

إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿۱۳﴾

(بتحقیق) الله بهمه چیزدانا خبردار است

تفسیر : تقوی و ادب اصلاً بدل است تنها خدا آگاه است که شخصیکه ظاهراً متقی و مؤدب به نظر می آید در حقیقت چطور است و آینده چطور خواهد بود ؟ «انما العبرة للخوائیم» .

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا

گفتند عربهای بادیه نشین که ایمان آوردیم بگو ایمان نیاورده اید

وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ

و لیکن بگوئید منقاد شده ایم درحالی که داخل نشده

الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ ط

ایمان در دلهای تان

تفسیر : درین آیت وانمود میکند که چون ایمان و یقین کماحقه در دل راسخ شود و ریشه دواند خصائل غیبت و عیب جوئی و غیره از آدم دور میشود - شخصیکه به عیب جوئی و آزار دادن دیگران آغشته باشد بداند که در دل وی ایمان تاهنوز بکلی جا نگرفته در حدیثی آمده «یا معشر من امن بلسانه ولم یفرض الایمان الی قلبه لاتقتابوا المسلمین و لا تتبعوا عوراتهم» الحدیث ابن کثیر (صف ۲۴ - بر ۸) حضرت شاه صاحب (رح) مینویسد «یکی میگوید که ما مسلمانییم یعنی مسلمانی را قبول کردیم درین صورت مضائقه نیست - اما یکی میگوید که من پوره یقین دارم اگر یقین او کامل است آثار آن کجاست ! کسیکه واقعاً در باب ایمان خود یقین کامل دارد او از اظهار چنین دعوی میترسد و میسرمد» .

تنبیه : ازین آیت فرق ایمان و اسلام ظاهر میشود و همین چیز از حدیث جبریل و غیره ثابت میشود - نویسنده (شبیر احمد) در شرح صحیح مسلم برین موضوع بحث کافی کرده است ازین آیت و حدیث جبریل فرقی که در میان ایمان و اسلام بنظر میرسد به اعتبار لغت است از نقطه نظر شریعت فرقی ندارد .

وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ

و اگر فرمان برداری کنید و الله و رسول او را ناقص نکند چیزی را

مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝۱۴

از اعمال شما چیزی را (بتحقیق) الله آمرزنده مهربان است

تفسیر : اکنون هم اگر فرمانبرداری را شیوه خود بسازید نقصانات سابقه شمارا در آن تأثیری نیست و از ثواب هیچ عمل شما نخواهد کاست .

إِنَّهَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ

جز این نیست که مؤمنان کامل آنان اند که یقین کردند به الله

وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا

و رسول او و باز شك نیاوردند و جهاد (كوشش) کردند

بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

بمالهای خود و نفسهای خود در راه الله

أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ۝۱۵

آن جماعه ایشانند راستان

تفسیر : صفت مؤمن صادق اینست که به خدا و رسول اعتقاد کامل بدارد و در راه آنها در هر وقت و در هر حالت بقدای جان و مال خود آماده باشد .

قُلْ أَعْلِمُوا أَنَّ اللَّهَ يَدِينُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ

بگو آیا خبردار میکنید الله را بدینداری خود حال آنکه الله میداند

مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ط

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است

وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۱۶﴾

و خدا به هر چیز داناست

تفسیر : اگر واقعاً دین شما صحیح و یقین شما کامل است اظهار آن سودی ندارد ذاتیکه شما با او معامله دارید ، خود شما دانا و آگاه است .

يُؤْمِنُونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا ط

منت می نهند بر تو باینکه مسلمان شده اند

تفسیر : بعض بادیه نشینان بحضور پیغمبر آمده اظهار می کردند که «ببین ما بدون جنگ و مخالفت اسلام آوردیم » گویا بر پیغمبر (ص) احسان می گذاشتند - جواب این سخن را در آینده میدهد .

قُلْ لَا تَمْنُوا عَلَيَّ إِلَّا مَكْمُجٌ بِاللَّهِ

بگو منت منهد بر من به اسلام آوردن خود بلکه الله

يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ

منت می نهد بر شما به آنکه هدایت کرد شما را بسوی ایمان

إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۱۷﴾

اگر هستید راستگویان

تفسیر : اگر واقعاً در دعوی ایمان و اسلام صادقید این احسان شما بر من نیست بلکه احسان خدای است که او شما را بسوی ایمان راه داد و بدولت اسلام سر فراز فرمود اگر حقیقت را می پرسید همین است که گفته شد . حضرت شاه صاحب (رح) می نویسد «اگر نیکی از دست ما بعمل آید خوبی و تحسین خود ما نیست بلکه ستایش خدای است که به اجرای آن نیکی ما را توفیق داد» گویا در خاتمه سوره خاطر نشان نمود که اگر برای پا بندی به هدایات قرآنی و تعلیمات اسلامی توفیق نصیب شما شود احسان و منت مگذارید بلکه شکر احسان و انعام خدای را اداء کنید که او به شما چنین توفیق ارزانی فرمود .

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ط

(هر آینه) الله میداند پوشیده آسمانها و زمین را

وَاللَّهُ بِصِيرٍ ۙ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝ ۱۸

و خدا بیناست به آنچه میکنید

تفسیر : خدای تعالی همه راز های دل و همه اعمال ظاهری را میداند بحضرت او زبان درازی مکنید .

(تمت سورة الحجرات بعون الله وحسن توفيقه فله الحمد والمنه)

(سورة ق مكية وهي خمس و اربعون آية و ثلث ركوعات)
(سورة ق مكى و آن چهل و پنج آیت و سه ركوع است)



ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ ۝ ۱ بَلْ عَجِبُوا ۙ

(المنزل السابع)

قسم است به قرآن عظیم الشان (که کافران نگویند بدست بخنان محمد ص) بلکه تعجب کردند

أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكُفِرُونَ

از آنکه آمد بایشان ترساننده از قوم ایشان پس گفتند کافران

هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ ۝ ۲ ءِذَا مِتْنَا

این چیز است عجیب ۲ آیا چون بمیریم

وَكُنَّا تُرَابًا ۙ ذَٰلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ ۝ ۳

و شویم خاک (باز زنده میشویم) این دوباره زنده شدن دور از عقل است

تفسیر : از بزرگی و عظمت شان قرآن چه توان گفت این کتابی است که به نزول خود همه کتابها را منسوخ کرد و با قوت اعجازیه و اسرار و معارف بی انتهای خود دنیا را محو حیرت ساخت ، همین قرآن دارای مجد و شرف - بذات خود شاهد است که از هر گونه نقص و عیب پاک بوده هیچیک کلمه آن طرف نکته چینی و انتقاد واقع نمیشود با اینهمه کافران آنرا قبول نمیکند - انکار آنها ازین سبب نیست که آنها بر علیه

آن کدام حجت و برهانی دارند بلکه محض از جهل و حماقت خود براین واقعه تعجب میکنند که چسان از خاندان و طائفه خود آنها مردی به عنوان رسول بسوی آنها آمد و خود را بزرگ معرفی کرده همگنان را پند و نصیحت میدهد مزید برآن سخن عجیبی گفت که هیچکس آنرا باور کرده نتواند اینک هنگامیکه مرده با خاک آمیختیم آیا باز بسوی زندگی بر گردانده میشویم ؟ این بازگشتن بسیار دور از عقل و از امکان و عادت بکلی بعید است .

قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ ج

(خدای تعالی میفرماید) بتحقیق دانستیم آنچه کم میکند زمین از ایشان

تفسیر : تمام وجود شما خاک نمیگردد بلکه روح سلا مت میماند و اجزای بدن تحلیل گشته هر جائیکه پراکنده شده است آن همه در علم محیط خداست او تعالی قدرت دارد که از هر جائی اجزای اصلیه آنرا فراهم آورده کالبد بسازد و دوباره در آن روح بدمد .

وَعِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِیْظٌ ۴

و نزد ما کتابی است که همه چیزها در آن محفوظ است .

تفسیر : چنین نیست که فقط از امروز بما معلوم است بلکه علم ما قدیم است حتی قبل از وقوع آنها جمیع حالات همه اشیاء در کتابیکه «لوح محفوظ» گفته میشود ما نوشته ایم و آن کتاب تا حال نزد ما موجود و محفوظ است - پس اگر علم قدیم در فهم کسی نیاید چنان بداند که اوراق دفتریکه در آن هر چیز مرقوم و ثبت است در حضور خداوند حاضر است و یا این را تاکید جمله ما قبل بدانید زیرا چیزیکه در علم کسی باشد و ثبت هم گردد نزد مردم بسیار زیاد مؤکد شمرده میشود همین طور درین موقع باعتبار محسوسات مخاطبین خاطر نشان فرمود که هر چیز در علم خداست و بحضور او ثبت است و در آن يك ذره زیاد و کم نمیشود .

بَلْ كَذَّبُوا بِآلْحَقِّ لَئِذَا جَاءَهُمْ

(و چنین نیست که ایشان میگویند) بلکه تکذیب کردند دین راست را هنگامیکه آمد بایشان

فَهُمْ فِي أَمْرٍ مُّرِیْجٍ ۵

پس ایشانند در کاری مضطرب

تفسیر : محض تعجب نیست بلکه تکذیب آشکار است ، نبوت پیغمبر ، قرآن ، بعث بعد الموت و غیره هر چیز را تکذیب می کنند و سخنان با هم آمیخته و پیچیده عجیب اظهار مینمایند بلا شك و شبیه شخصیکه سخنان راست را تکذیب میکند در پیچیدگی های شك و اضطراب ، تردد و تحیر گرفتار میشود .

أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ

آیا (غفلت کردند) پس ندیدند بسوی آسمان بالای خود چگونه

بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ ⑥

بنا کردیم آنرا و آراسته کردیم آنرا و نیست در آن هیچ شکافی

تفسیر : آسمان را ببینید که ظاهراً نه پایه دارد و نه ستونی باید دقت کرد که اینقدر جسم عظیم الشان چنان محکم و استوار ایستاده است و هنگام شب چون قندیلها و فانوسها روشن میشود و تا چه اندازه قشنگ و با رونق بنظر می آید بر علاوه لطف در اینجا است که میلیونها سالی که بر آن می گذرد نه درین سقف سوراخ و شکافی پدید آمده نه کدام کنگره آن افتاده و نه تزئینات آن شکست خورده و نه رنگ آن خراب شده پس چه دستی است که این مخلوق را آفرید و بعد از تخلیق آنرا بدینسان نگهداشت.

وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ

و زمین را گستر دیم و افگندیم در آن کوهها را

وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ⑦

و رویانیدیم در آن از هر نوع با رونق

تَبْصِرَةً وَذِكْرًا لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ ⑧

برای بینائی و دانائی برای هر بنده رجوع کننده

تفسیر : شخصی که بسوی خدا رجوع کند و محض در دائره این محسوسات بند نماند برای او در تخلیق و تنظیم آسمان و زمین علامات و بشارات و بینائی است که اگر در آن اندکی غور کند به حقیقت پی می برد ، درسهای فراموش شده را دوباره بخاطر می سپارد پس خدا بهتر میداند که باینکه چنین آیات روشن موجود است چگونه مردم به تکذیب حق جرأت میکنند؟

وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبْرَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ

و فرود آوردیم از آسمان آب که بابرکت است پس رویانیدیم بسبب آن

جَنَّتْ وَ حَبَّ الْحَصِيدِ ۹

باغها و دانه کشت درو شده

تفسیر : غله آنست که دانه آن با گیاهش یکجا درو شود - و باغ آنست که چون ثمر آنرا بچینند و یا خودش بیفتد درخت آن برپا میماند .

و النَّخْلُ بِسِقْتِ لَهَا طَلْعُ نَضِيدٍ ۱۰

و (رویانیديم) درختان خرما در حالی که بلند دارای خوشه تو بر تو است

تفسیر : علاوه بر اینکه بسیار و فراوان است خوشه هایش هم خوش آیند میباشند .

رِزْقًا لِلْعِبَادِ ۱۱ وَ أَحْيَيْنَاهُ بِلَدَّةٍ مَّتًى ط

رزق برای بندگمان و زنده گردانیدیم به آن آب ملك مرده را

كَذًا لَكَ الْخُرُوجُ ۱۲

همچنین است بر آمدن (از گور)

تفسیر : به ذریعه باران زمین مرده را زنده ساخت همچنین روز قیامت مردگان هم زنده میگردند و حشر میشوند .

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ ۱۳ وَ أَصْحَابُ الرَّسِّ

تکذیب کردند پیش از ایشان قوم نوح و اهل چاه

و نَمُودٌ ۱۴ وَ عَادٌ ۱۵ وَ فِرْعَوْنُ ۱۶ وَ إِخْوَانُ

و نمود و عاد و فرعون و برادران

لُوطٍ ۱۷ وَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ ۱۸ وَ قَوْمُ ثَبَعٍ ط

لوط و اهل ایکه (باشندگان جنگل) و قوم تبع

تفسیر : قصه های این اقوام در سوره (حجر) (فرقان) و (دخان) و غیره گذشته است .

كُلُّ كَذَّابٍ رُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ ۝۱۳

همه تکذیب کردند پیغمبران را پس ثابت شد وعده عذاب من

تفسیر : همان انجام بدی که بر تکذیب انبیاء از آن ترسانیده شده بودند بطور قطعی پیش آمدنی است .

أَفَعَيْنَا يَا لُخْلُقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ

آیا عاجز شده بودیم در آفریدن نخستین (نی) بلکه ایشان

فِي لُبِّسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِ يَدِ ۝۱۵

در شبیه اند از آفرینش نو

تفسیر : درین که دوباره آنها را پیدا و حشر میکنیم آنها به اشتباه پیسوده افتاده اند - ذاتیکه بار اول پیدا کرد آفریدن بار دوم برای او چه مشکل است؟ آیا چنان گمان میکنند که (معاذ الله) او تعالی بار اول ساخت و مانده شده باشد؟ درباره آن قادر مطلق قائم کردن چنین توهمات سخت جهالت و گستاخی است .

وَلَقَدْ خَلَقْنَا إِبْرَاهِيمَ وَنُوحًا وَنُوحًا وَنُوحًا وَنُوحًا

و هر آینه آفریدیم آدمی را و میدانیم

مَا تَوْسُوهُ بِهِ نَفْسُهُ

چیزی را که بخاطر گذرانده آنرا نفس او

تفسیر : از هر قول و فعل او آگاهیم حتی بوسوسه ها و خطراتیکه دزدلوی خطور میکند هم علم داریم «الایعلم من خلق و هو اللطیف الخیر» (پاره ۲۹ - سورة ملك - رکوع ۱) .

وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ۝۱۶

و ما نزدیک تریم به آدمی از رگ جان

تفسیر : مراد از رگ جان رگ گردن است که آنرا «شه رگ» میگویند که چون آن رگ بریده شود انسان میمیرد. شاید کنایه از جان و روح باشد. مطلب این است که ما (باعتبار علم) از روح و نفس او هم نزدیکتریم یعنی چنانکه انسان در باب احوال خود علم دارد علم ما نسبت به علمی که او به جان خودش دارد هم بیشتر است - نیز علت و منشأ را با معلول و ناشی چنان قریبی حاصل می باشد که معلول و ناشی را با نفس خودش هم نمیباشد - بیان مختصر آن در حواشی «النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم» شده است (پاره ۲۱ رکوع ۱۷) حضرت شاه صاحب (رح) مینویسد «خداوند در داخل انسان نزدیک است اما رگ خارج از جان است» کسی چه خوب گفته است.

جان نهان در جسم و او در جان نهان * ای نهان اندر نهان ای جان جان

إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّينَ عَنِ الْيَمِينِ
(یاد کن) چون فراگیرند (دو) فرشته) فراگیرنده از جانب راست

وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ۝۱۷
و از جانب چپ نشینندگان

تفسیر : دو فرشته به حکم خدا هر وقت نگران احوال او میباشند کلمه که از دهن او می آید آنرا در قید تحریر می آرند یکی را فرشته دست راست و بدی را فرشته دست چپ ثبت مینماید.

مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ۝۱۸
بزبان نمی آرد (آدمی) سخنی مگر نزدیک او نگهبانی است مهیا

تفسیر : یعنی برای نوشتن بکلی آماده میباشند.

تنبيه : تفصیل اینکه آن دو فرشته کجا میباشند و غیر از اقوال انسان چه چیز های او را مینویسند از احادیث و آثار بدست می آید.

وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ۝
و بیامد بیهوشی (سخنی) مرگ برآستی

تفسیر : بمجردی که طومار تکمیل شد، زمان موت رسید و میرنده در زحمات بیهوشی و جانکنی مبتلا گردید آنوقت آن همه سخن های راست در نظرش هویدا گشت که خبر آن را پیغمبران خدا داده بودند و بسبب سعادت و یاشقاوت مرده پرده برداشته شد چنین پیش آمد قطعی و یقینی بود زیرا که حکمت های زیاد حکیم مطلق به آن تعلق داشت.

ذَٰلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ ①۹

(گفته میشود باو) این است آنچه که از آن کناره میگرفتی

تفسیر : انسان بسی دست و پا زد که مرگ را از خود رد نماید و این وقت ناگوار را نبیند اما این ساعت رد شدنی نبود بالاخر آن وقت به بالین او رسید و هیچ تدبیر و چاره موقتی برای انسان سودی نبخشید .

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ۚ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ ②۰

و دمیده شود در صور این است روز وعده عذاب

تفسیر : قیامت صغری همین وقت مرگ است و بعد از آن قیامت کبری می آید به مجردیکه صور دمیده شود آن روز هولناک فرا میرسد که انبیاء و رسل مردم را از آن میترسانیدند .

وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ ②۱

و می آید هر شخصی همراه او یک رواننده و یک گواهی دهنده

تفسیر : مردم در محشر چنان حاضر کرده میشوند که هر شخص را فرشته بسوی میدان محاکمه رانده میبرد و دیگری اعمالنامه او را در دست دارد که در آن تمام احوال زندگی او درج و ثبت است - شاید این همان دو فرشته باشند که به «گروا ما کاتبین» موسوم اند و نسبت به آنها فرموده «اذیتلقی المتلقیان-آلایه» و امکان دارد که دیگر فرشتگان باشند خدا بران آگاه تر است .

لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَٰذَا فَكْشَفْنَا

(هر آئینه) بودی در بیخبری ازین روز پس برداشتیم

عَنْكَ غِطَاءً ۚ لَّكَ فَبْصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ ②۲

از تو پرده (غفلت) ترا پس چشم تو امروز تیز است

تفسیر : آن وقت برایش گفته میشود که «در لذات دنیا مبتلا بوده از امروز بیخبر بودی و پرده ظلمت شهوات و خواهشات چشمهایت را پوشانده بود چیزی را که پیغمبران بتو میفهمانیدند و هدایت می نمودند چشمان تو آنرا نمی دید امروز از چشم تو آن پرده ها را برداشتیم و نگاه ترا خوب تیز ساخته ایم - اکنون بین آن سخنانیکه بتو گفته شده بود راست است یا دروغ .»

وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَىٰ عَتِيدٍ ۖ

و گوید فرشته همنشین او این است آنچه نزد من حاضر است

تفسیر : فرشته عملنامه را حاضر میکند و بعضی از «قرین» شیطان را مراد گفته است یعنی شیطان خواهد گفت که «این مجرم حاضر است که او را اغواء کرده بودم و او را هیزم دوزخ ساخته آورده ام» مطلب این است که «البته من او را اغواء کرده بودم مگر چنان زور و تسلط نداشتم که به زور او را گرفتار شرارت میساختسم - این شخص به اراده و اختیار خود گمراه شد» .

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ ۖ

(گوئیم) بیفکنید ای دو فرشته در دوزخ هر ناسپاس سرکش را

مَنْعًا لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ ۖ

منع کننده مرغیرا در گدازنده از حد شک اندازنده

تفسیر : این حکم از بارگاه ایزدی به دو فرشته صادر میشود که چنین مردم را در جهنم پرتاب کنید . (اعاذنا الله منها) .

الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَأَلْقِيهِ

آنکه مقرر کرد با خدا معبودی دیگر پس بیندازید او را

فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ ۖ

در عذاب سخت

تفسیر : چنین مردم مستحق سخت ترین عذاب دوزخ اند .

قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْغَيْتُهُ وَلَكِنْ

گفت شیطان رفیقش ای پروردگار ما من گمراه نکردم این شخص را و لیکن

كَانَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ②۷

او بود در همراهی دور

تفسیر : زور و قوت من برو اثر نداشت این بدبخت باندك اشاره من همراه شده از راه نجات و فلاح دور افتاد - شیطان از اظهار این کلمات میخواهد گناه خود را سبکتر سازد .

قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَ قَدْ قَدْ مِتُّ

میفرماید (الله) خصومت مکنید نزد من حال آنکه پیش ازین فرستاده بودم

إِلَيْكُمْ يَا لَوْ عِيدٍ ②۸

بسوی شما وعده عذاب

تفسیر : اکنون یاوه گوئی و هرزه سرائی مکنید حالا هر یکی مطابق جرم خود سزا خواهد یافت کسبیکه همراه شد و نیز کسیکه دیگری را همراه ساخت هیچیک بی مجازات نمی ماند .

مَا يُبَدِّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَامٍ

تغییر داده نشود سخن نزد من و نیستم من ستم کننده

لِلْعَبِيدِ ②۹

بر بندگان

تفسیر : در اینجا ظلم گنجایش ندارد هر فیصله مطابق حق و انصاف میشود - « و سخن هیچ تغیر نمی پذیرد » - یعنی کافرا را آفرزش نیست پس چه ممکن است که شیطان اکفر آمرزیده شود ؟

يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَ نَقُولُ

روزی که گوئیم دوزخ را آیا پر شدی و دوزخ گوید

هَلْ مِنْ مَّزِيدٍ ③۰

آیا ازین زیاده هست ؟

تفسیر : دوزخ آنقدر فراخ است که باین مردم پر نمیشود و آن از شدت غیظ دیگر کافران و نافرمانان رامی طلبد .

وَأَزَلِفَتْ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ ۝۳۱

و نزدیک گردانیده شود بهشت برای متقیان دور نیست

تفسیر : جنت از ایشان بسیار دور نخواهد بود بلکه از نزدیک شادابی و رونق ، زینت و زیبایی زیاد آنرا خواهند دید .

هَذَا مَا تَوْعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيفٍ ۝۳۲

(گوئیم) این است آنچه وعده داده میشد شمارا برای هر رجوع کننده نگهدارنده (حدود)

مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ

هر که بترسد از خدا نادیده و بیارد

بِقَلْبٍ مُنِيبٍ ۝۳۳ اِذْ خُلُوْا هَا بِسَلَامٍ ط

دل رجوع کننده به خدا (گوئیم) دا خل شوید در بهشت در حال سلامتی

تفسیر : کسانی که در دنیا خدا را یاد کردند ، از گناهان محفوظ بوده بسوی او رجوع نمودند و بدون مشاهده از قهر و جلال او ترسیدند و بایک دل پاک و رجوع کننده بحضور او حاضر شدند وعده این جنت به همچو مردم داده شده بود وقتی در رسیده که به سلامتی و عافیت در آن داخل گردند و فرشتگان بایشان سلام گویند و سلام پروردگار را نیز به آنان رسانند .

ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ ۝۳۴

این است روز همیشه بودن

تفسیر : حضرت شاه صاحب (رح) می نویسد «در آن روز هر کس را هر چه داده شد جاودان وابدالابد است پیش از آن هیچ چیزی را ثبات وقراری نبود .

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ ۝۳۵

ایشان راست آنچه خواهند در بهشت و نزد ما زیاده هم است

تفسیر : به جمیع مقاصد خود میرسند علاوه بر آن به نعمت‌هایی نائل خواهند شد که در خیال شان هم نبود مثلاً لذت بی‌قیاس دیدار الهی (ج) شاید از «ولدینا مزید» غرض آن باشد که نزد ما آنقدر نعمت زیاد است که هر مقدار طلب کنند داده میشود به اعطای هر مقداری که بیش از تصور انسان، باشد از خزائن ایزد متعال چیزی کاسته نمیشود و نه برای او تعالی مانعی است - پس اینقدر عطایای بی‌حساب و بی‌قیاس را مستبعد نفهمید والله سبحانه و تعالی اعلم .

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ

و بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان از امتها که ایشان قوی تر بودند ازین جماعه

بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ هَٰجِصٍ ۝۳۶

از روی قوت پس کنجکاوی کردند در شهرها آیا جای گریز هست ؟

تفسیر : اول بیان تعذیب اخروی کفار بود در میان مقابل آنها ذکر تنعم اهل جنت آمد اکنون باز از مجازات کفار ذکر میکند یعنی پیش از آخرت درد نیاهم چندین قوم شریر و سرکش را تباه کرده ایم که آنها در قوت و تعداد نسبت به اقوام موجوده کفار بمراتب بیشتر بودند و آنها بر شهرهای بزرگ و زیاد دست یافته بودند باز چون عذاب الهی در رسید بر روی زمین هیچ جای گریز و پناه نیافتند ، و یا این مطلب است که در وقت عذاب خواستند در قریه های خود جای پناه و فرار پیدا کنند مگر هیچ ملجا و مأوایی نیافتند - شرح آخر الذکر از خود ترجمه هویدا است اما شرح اول الذکر را جمهور مفسرین گرفته اند . والله اعلم .

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرًا لِّمَن كَانَ

(هر آئینه) در این (مذکور) جای سنجش (پند) است برای کسیکه باشد

لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِيدٌ ۝۳۷

مراورا دل یا گوش نهد و اوست متوجه (حاضر)

تفسیر : پس از غور و دقت درین واقعات عبرتناك همان مردم نصیحت و بند میگیرند که در سینه های آنها دل متفکر باشد تا خود بخود مال کار را بفهمند و یا اقلاً گفته ناصح را بحضور دل گوش کنند زیرا این هم يك درجه است که اگر خود آدم متنبه نشود مگر از تنبیه دیگران خبردار و هوشیار شود - شخصیکه نه خودش بفهمد و نه بگفته دیگری توجه و التفات نماید درجه او از سنگ و خشت بیشتر نیست .

وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
(وهر آئینه) آفریدیم و آسمانها و زمین را

وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ
و آنچه و در میان آنهاست در شش روز

تفسیر : این موضوع بیشتر در چندین جایان شده .

وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ ۚ
و نرسید بما هیچ ماندگی

تفسیر : چون از آفریدن بار اول مانده نشدیم از بار دوم چگونه مانده میشویم بدیهی است که تباه و برباد کردن نسبت به آفریدن به مراتب آسان تر است .

فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ
پس صبر کن بر آنچه میگویند و تسبیح گفته باش با ستایش پروردگار خود

تفسیر : اگر چنان سخنان بزرگ را نفهمند تو هیچ اندوهگین مشو بلکه بر هزلیات و یاوه سرانی آنها صبر و تحمل کن و بیاد پروردگار خود دائماً مشغول باش که آفریننده آسمانها و زمین بوده به آفریدن و تخریب هر چیز قدرت دارد .

قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ ۚ
پیش از برآمدن آفتاب و پیش از غروب

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ
و در بعض اوقات شب تسبیح بگو الله را

تفسیر : این اوقات برای یاد الله است دعا و عبادت در آن مقبولیت زیادی دارد از بعض روایات برمی آید که دو ابتداء فقط سه نماز بر آنحضرت (ص) فرض بود فجر و عصر و تهجد - بهر حال هنوز هم این سه وقت دارای فضل و شرف خصوصی است این

اوقات را با نماز یا ذکر و دعا و غیره معمور باید داشت - در حدیث است «علیکم بالغنوة والروحة وشیء من الدلجة» بعضی گفته است که از «قبل الطلوع» نماز فجر و از «قبل الغروب» نماز ظهر و عصر و از «من الیل» نماز مغرب و عشاء مراد است. والله اعلم

وَأَذْبَارِ السُّجُودِ ④
و بعداز سجده (نماز) نیز

تفسیر : یعنی بعد از نماز باید کمی به تسبیح و تهلیل پرداخت و یا مراد نوافل است که بعد از فرائض خوانده میشود .

وَأَسْتَمِعُ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ
و بشنو روزیکه آوازدهد آوازدهنده از

مَكَانٍ قَرِيبٍ ④
جای نزدیک

تفسیر : گویند صور بر سنگ بیت المقدس دمیده میشود . لذا «نزدیک» فرمود - و یا این مطلب است که آواز آن در هر جا نزدیک معلوم میشود و همه آنرا یکسان میشنوند - غیر از دمیدن صور در آن روز ندهای دیگر هم از طرف حق تعالی میشود - بعض علماء ازین آیت همین ندها را مراد گرفته اند مگر ظاهر مراد نفخ صور است . والله اعلم .

يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ط
روزیکه بشنوند آواز محقق را

ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ ④
آنروز روز برآمدن است

تفسیر : چون بار دوم صور دمیده شود همگان از زمین میبر آیند .

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ ﴿٤٣﴾

(هر آینه) ما زنده میکنیم و میمیرانیم و بسوی ماست بازگشت

تفسیر: بهر حال موت و حیات همه بدست خداست و عاقبت بهر صورت بازگشت همگان بسوی اوست هیچکس از آن خلاصی ندارد.

يَوْمَ تَشْهَقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ﴿٤٤﴾

روزی که بشکافد زمین از ایشان برآیندشتابان

ذَا لِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ ﴿٤٥﴾

این حشر بر ما آسان است

تفسیر: زمین باره باره گردد و مردگان از آن برآمده بسوی میدان حشر شتابند. خدای تعالی مردم اولین و آخرین را در یک میدان جمع میکند و این کار برای او تعالی اشکالی ندارد.

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ

ما خوب میدانیم آنچه میگویند و نیستی تو برایشان

بِجَبَّارٍ قَفْ فَذْ كَرٍّ يَا لِقُرْآنٍ مَنْ

جبرکننده پس پندیده بقرآن کسی را

يَخَافُ وَعِيدِ ﴿٤٦﴾

که میترسد از وعده عذاب من

تفسیر: کسانی که از حشر انکار نموده واهیات و خرافات میگویند آنها را به یاوه سرائی شان بگذار و معامله آنها را بما بسپار ما گفتار آنها را میدانیم - وظیفه تو این نیست که به جبر و اکراه هر یک را به قبول سخنان و اداری کنی قرآن را دائماً تلاوت کن خصوصاً به آنانی نصیحت نما که از ترسانیدن خدای میترسند - این معاندین را تعقیب مکن.

(تمت سورة «ق» والحمد لله)

(سورة الذاریات مکیه وهی ستون آیه وثلاث رکوعات)
(سورة الذاریات مکی و آن شست آیت وسه رکوع است)



وَالذَّرِیَّتِ ذُرُوًّا ۱ ۱۱ فَالْحَمِلَتِ وِقْرًا ۲ ۱۲

قسم به بادهای پراکنده کننده (خالدرا) پراکنده کردنی پس به بردارندگان بار

فَالْجَرِیَّتِ یُسْرًا ۳ ۱۳ فَالْمُقَسِّمَتِ أَمْرًا ۴ ۱۴

پس به روان شوند به آسانی پس به تقسیم کنندگان کار

تفسیر : اول بادهای قوی و طوفانهای باد میوزد که از آن گرد و غبار و خاک و غیره بالا میشود - سپس در آنها بخارات آب بوجود می آید بادهای این بار را بر داشته در اطراف می برند بعد از آن قریب باریدن نسیم نرم میوزد - سپس بر طبق حکم الله تعالی هر قدر نصیبی که هر جای از باران دارد آنرا تقسیم میکند الله تعالی باین چیزها قسم یاد میکند - بعضی علما از «ذاریات» بادهای «حاملات» ابرها، از «جاریات» ستارگان و از «مقسمات» فرشتگان مراد گرفته اند گویا ترتیب «مقسم به» از پایان بسوی بالا رفته از حضرت علی (رض) و غیره منقول است که «ذاریات» عبارت از بادهای «حاملات» از ابرها و «جاریات» از کشتی ها و «مقسمات» از فرشتگان است که به حکم خداوند رزق و غیره را تقسیم میکنند .

إِنَّمَا تُوْعَدُونَ لَصَادِقٍ ۵ ۱۵ وَرَأَن

بتحقیق آنچه وعده داده میشود بشما راست است و هر آینه

الدِّیْنِ لَوَاقِعٍ ۶ ۱۶

انصاف واقع شدن است

تفسیر : این نظام بادهای و باران و غیره شاهد است که وعده آخرت راست سوپر باشند انصاف ضروری است درین دنیا اینکه هوامم بی نتیجه و بی سود نمیوزد آیا آنقدر کار خانه بزرگ چگونه بی نتیجه جریان خواهد کرد یقیناً يك انجام عظیم الشانی دارد که آنرا آخرت گویند .

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ ۝۷

مشبك (مزین)

قسم به آسمان

تفسیر : یعنی قسم به آسمان صاف و شفاف ، قشنگ و محکم و با رونق که در آن يك شبکه ستارگان گسترانیده معلوم میشود و نیز در آن راهای ستارگان و فرشتگان بمعرض وجود آمده است .

إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ ۝۸ يُؤُفَكُ

باز گردانیده میشود

مختلف

سخن

هر آئینه شما هستی در

عَنْهُ مَنْ أُفِكَ ۝۹

از او (قرآن یا پیغمبر) هر که باز داشته شده (در علم الهی از خیر)

تفسیر : راجع به قیامت و آخرت مناقشات پیروده بر پا کرده اند آنرا شخصی تسلیم خواهد کرد که ببارگاه ربوبیت علاقه دارد کسیکه راند در گناه است و از راهای خیر و سعادت گردانیده شده است از تسلیم و قبول این چنین دائماً پهلوی تپه خواهد کرد حالانکه اگر فقط به نظم و نسق آسمان غور نماید باو بفهم میشود که درین مسئله بر پا کردن اختلاف محض بیخردی است .

قُتِلَ الْخَرَاءُ صُوتٌ ۝۱۰

لعنت کرده شده تخمین کنند همان (دروغگویان) را

تفسیر : یعنی در سخنان دین از تخمین کار میگیرند و محض باین تخمین خود قطعیات را رد میکنند .

الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ ۝۱۱

سهو کنندگان اند

غرق جهالت

ایشان

آنانکه

تفسیر : لذات دنیا آنها را از آخرت و خدا غافل ساخته است .

يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ ۝۱۲

انصاف (جزاء)

روز

کی خواهد بود

می پرسند

تفسیر : از روی انکار و ریشخندی می پرسند که آنروز انصاف و مجازات چه وقت فرا میرسد ؟ چرا اینقدر دیر می آید ؟

يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ ﴿١٣﴾

روزی که ایشان بر آتش پیش شده سوختانده میشوند

ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ ۖ هَذَا الَّذِي

(گفته شود برای شان) بچشید جزای شرارت خود را این است آنچه

كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ ﴿١٤﴾

آنرا بشتاب میخواستید

تفسیر : این است جواب خداوند به آنها یعنی اندك صبر کنید - آنروز به زودی آمدنی است که در آن روز مثل کباب چپه و راست گشتانده خواهید شد و چون خوب کباب و بریان شدید بشما گفته میشود اکنون مزه شرارت و استهزای خود را بچشید - آن روزی را که بزودی میطلبید اینک رسیده است .

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿١٥﴾

بتحقیق متقیان در بهشتها و چشمه ها باشند

أَخِذْ يَوْمَ ذَلِكَ بَعْضُ

گیرندگان آنچه داده ایشانرا پروردگار ایشان

تفسیر : آن نعمت هارا که پروردگارشان به آنها ارزانی فرموده است بکمال رغبت و مسرت می پذیرند .

إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ ﴿١٦﴾

(هر آئینه) ایشان بودند پیش ازین نیکوکاران

تفسیر : نیکی هارا از دنیا جمع کرده آورده بودند که امروز ثمره خوب آنرا دریافته اند در آیات مابعد شرح مختصر آن نیکیهاست .

كَانُوا أَقْلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ ﴿١٧﴾

بودند (باین صفت) که اندکی از شب خواب کردند (بواسطه شغل در عبادت)

وَيَا لَأَسْحَارٍ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ﴿١٨﴾

و در سحرها ایشان طلب آمرزش نمودندی

تفسیر : بیشتر قسمت شب را در عبادت الهی (ج) میگذرانیدند و در آخر شب نزدیک بامداد از خداوند آمرزش تقصیرات خویش را میخواستند که «بار الها! حق عبودیت را ادا کرده نتوانستیم کوتاهی و فروگذاشت ما را برحمت خویش معاف فرما» کثرت عبادت آنها را مغرور نمی ساخت بلکه به تناسب ترقی بندگی شان در خوف و خشیت آنها می افزود .

وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ

و در مالهای ایشان حصه بود برای سوال کننده

وَالْمَحْرُومِ ﴿١٩﴾

و بی بهره (که سوال نمیکند)

تفسیر : «بی بهره» یعنی آنکه محتاج و تنگدست است لیکن سوال نمیکند - مطلب این است که ایشان (برعلاوه زکوة) بخوشی و رغبت خود برای سائلین و محتاجان حصه از مال خویش را مقرر کرده بودند که بسبب التزام گویا بک حق لازم نزد آنها شمرده میشد .

وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ ﴿٢٠﴾

و در زمین نشانهاست یقین کنندگان را

وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٢١﴾

و در ذاتهای شما نیز آیا نمی نگرید

تفسیر : یعنی این شب زنده داری - استغفار و بر محتاجان خرج کردن باید مبنی برین یقین باشد که خدا موجود است و نزد او نیکی هیچکس ضایع نمی شود و این همان یقین است که اگر در آیات آفاقی و انفسی غور شود به آسانی حاصل میشود اگر

انسان بر نفس خودش و یا بر حالات و کوائف روی زمین غور و دقت نماید بسیار بزرودی باین نتیجه میرسد که پادشاه هر عمل نیک و بد زود باشد یادیر بیک رنگ و صورتی حتماً داده میشود .

وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ ﴿۲۶﴾

و در آسمان است رزق شما و آنچه وعده داده میشود بشما

تفسیر : چون بر سائلان و محتاجان اعانت کنید ازین نترسید که «اگر پول خرج کردیم از کجا خواهیم خورد» و اگر خرج کنید نباید بر مساکین احسان و منت گذارید زیرا که روزی همه شما و نیز وعدهای اجر و ثواب بدست مقتدر خداوند آسمان است روزی هر کس بخودش حتماً میرسد دیگر کس آنرا باز داشته نمی تواند - و برای خرج کنندگان ثواب هم یقیناً داده می شود - حضرت شاه صاحب (رح) می نویسد «هر چیزیکه آمدنی و بدست انسان رسیدنی است حکم آن فقط از آسمان فرود می آید».

فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ

پس قسم است به رب آسمان و زمین که (هر آئینه) این خبر راست است

مِثْلَ مَا أَنْتُمْ تَنْطِقُونَ ﴿۲۷﴾

مانند آنکه شما سخن میگوئید

تفسیر : چنانکه در سخن زدن خود شبیه ندارید درین کلام هم شك و شبهه نیست روزی یقیناً خواهد رسید قیامت برپا خواهد شد . آخرت حتماً می آید و وعدهای خدای متعال ضرور پوره میشود - بعد از آن به مناسبت «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقُّ لِسَائِلِ وَالْمَحْرُومِ» مہمان نوازی حضرت ابراهیم (ع) را حکایه میکند که تهمیدیست برای قصه لوط (ع) از هردو قصه این امر هم روشن می شود که الله تعالی درین دنیا با محسنین چه سلوک کرده است و با مکذبین چه معامله روا داشته است .

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثٌ ضَئِيفٍ

مہمانان

خبر

آمده است پیش تو

آیا

إِبْرَاهِيمَ الْمَكْرُمِ
ابراهیم گرامی

تفسیر : مهمانان ابراهیم (ع) عبارت از فرشتگان بودند که آنها را ابراهیم (ع) در اول ملاقات انسان پنداشت بنابراین به عزت و اکرام آنها پرداخت چونکه فرشتگان نزد خداوند معزز و مکرم میباشند- کما قال «بل عباد مکرمون» .

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا ۖ قَالَ سَلَامٌ ۚ
چون درآمدند بر ابراهیم پس گفتند سلام گفت ابراهیم سلام

قَوْمٌ مُّكَرُّونَ ۚ
ج ۲۵

(وبدل گفت) ایشانند گروه ناشناخته

تفسیر : جواب سلام بسلام داد اما دردل و یا باهل خانه خود گفت که «این مردم اجنبی و ناشناس معلوم میشوند» .

فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ ۚ
لا ۲۶

پس متوجه شد بسوی اهل خانه خود پس آورد گوساله را بریان کرده در روغن

فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ۚ
۲۷

پس نزدیک ساخت آنها بایشان (چون دید که نمیخورند) گفت چرا نمیخورید ؟

تفسیر : به کمال احترام سر رشته مهمانی را شروع کرد و به طریقه مہذبانه و شائسته بایشان گفت که «چرا نمیخورید» آنها که فرشتگان بودند چسان خورده میتوانند آخر ابراهیم (ع) فهمید که اینها آدمی زاد نیستند .

فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً ۖ قَالُوا لَا تَخَفْ ۚ
ط

پس در خاطر خود یافت از ایشان ترسی ترسی گفتند مترس

وَبَشِّرُوهُ يَغْلِبْ عَلَيْهِ ۝۲۸

و مژده دادند او را به پسر جوان دانا

تفسیر : تفصیل این قصه را در سوره «هود» و سوره «حجر» ملاحظه فرمائید .

فَأَقْبَلَتْ أُمُّرَ آتَتْهُ فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ

پس پیش آمد زن او در حال چیق زدن پس طپانچه زد

وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ ۝۲۹

روی خود را و گفت (آیا میزایم حال آنکه) من پیرزن نازایم

تفسیر : حضرت ساره زن حضرت ابراهیم (ع) بیک گوشه ایستاده سخنان آنها را می شنید بمجردیکه مژده فرزندانید نعره زنان جانب دیگر متوجه شدوبه تعجب و حیرانی بدست پیشانی خود را زده گفت «عجب است که یک زن خشک پیر که در جوانی هیچ اولاد نزائیده اکنون در وقت پیری زاینده خواهد شد ؟» .

قَالُوا كَذَّابٌ لِّكَ ۚ قَالَ رَبِّكَ

گفتند همچنین گفت پروردگارتو

إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ۝۳۰

(هر آئینه) او همان است با حکمت با علم

تفسیر : ما از طرف خود نمیگوئیم بلکه رب خود چنین فرموده است - تنها او تعالی میداند که کدام کس را بکدام وقت چه چیز باید داد (تواز اهل بیت نبوت هستی چرا ازین بشارت تعجب میکنی؟) .

تنبيه : از مجموعه آیات برمی آید که این فرزند حضرت اسحق (ع) است که مژده او به پدر و مادر هردو داده شده .

۹۹ نام های **الله** قرار ذیل است ۱/۲

۳۳	الْعَظِيمُ
۳۴	الْغَفُورُ
۳۵	الشَّكُورُ
۳۶	الْعَلِيُّ
۳۷	الْكَبِيرُ
۳۸	الْحَفِیْظُ
۳۹	الْمُقِیْتُ
۴۰	الْحَسِیْبُ
۴۱	الْجَلِیْلُ
۴۲	الْكَرِیْمُ
۴۳	الرَّقِیْبُ
۴۴	الْمُجِیْبُ
۴۵	الْوَاسِعُ
۴۶	الْحَكِیْمُ
۴۷	الْوُدُودُ
۴۸	الْمَجِیْدُ

۱۷	الرَّزَّاقُ
۱۸	الْفَتَّاحُ
۱۹	الْعَلِیْمُ
۲۰	الْقَابِضُ
۲۱	الْبَاسِطُ
۲۲	الْخَافِضُ
۲۳	الرَّافِعُ
۲۴	الْمُعِزُّ
۲۵	الْمُذِلُّ
۲۶	السَّمِیْعُ
۲۷	الْبَصِیْرُ
۲۸	الْحَكَمُ
۲۹	الْعَدْلُ
۳۰	اللطیفُ
۳۱	الْخَبِیْرُ
۳۲	الْحَلِیْمُ

۱	الرَّحْمَنُ
۲	الرَّحِیْمُ
۳	الْمَلِكُ
۴	الْقُدُّوسُ
۵	السَّلَامُ
۶	الْمُؤْمِنُ
۷	الْمُهَیْمِنُ
۸	الْعَزِیْزُ
۹	الْجَبَّارُ
۱۰	الْمُتَكَبِّرُ
۱۱	الْخَالِقُ
۱۲	الْبَارِئُ
۱۳	الْمُصَوِّرُ
۱۴	الْغَفَّارُ
۱۵	الْقَهَّارُ
۱۶	الْوَهَّابُ

٨٣	الرَّؤُوفُ
٨٤	مَالِكُ الْمُلْكِ
٨٥	ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
٨٦	الْمُقْسِطُ
٨٧	الْجَامِعُ
٨٨	الْغَنِيُّ
٨٩	الْمُغْنِي
٩٠	الْمَانِعُ
٩١	الضَّارُّ
٩٢	النَّافِعُ
٩٣	النُّورُ
٩٤	الْهَادِي
٩٥	الْبَدِيعُ
٩٦	الْبَاقِي
٩٧	الْوَارِثُ
٩٨	الرَّشِيدُ
٩٩	الصَّبُورُ

٦٦	الْوَاحِدُ
٦٧	الْأَحَدُ
٦٨	الصَّمَدُ
٦٩	الْقَادِرُ
٧٠	الْمُقْتَدِرُ
٧١	الْمُقَدَّمُ
٧٢	الْمَوْخِرُ
٧٣	الْأَوَّلُ
٧٤	الْآخِرُ
٧٥	الظَّاهِرُ
٧٦	الْبَاطِنُ
٧٧	الْوَالِي
٧٨	الْمُتَعَالِي
٧٩	الْبَرُّ
٨٠	التَّوَابُ
٨١	الْمُنْتَقِمُ
٨٢	الْعَفُوُّ

٤٩	الْبَاعِثُ
٥٠	الشَّهِيدُ
٥١	الْحَقُّ
٥٢	الْوَكِيلُ
٥٣	الْقَوِيُّ
٥٤	الْمَتِينُ
٥٥	الْوَلِيُّ
٥٦	الْحَمِيدُ
٥٧	الْمُخْصِي
٥٨	الْمُبْدِئُ
٥٩	الْمُعِيدُ
٦٠	الْمُحْيِي
٦١	الْمُمِيتُ
٦٢	الْحَيُّ
٦٣	الْقَيُّومُ
٦٤	الْوَاجِدُ
٦٥	الْمَاجِدُ

در زیر نامهای ۲۶ پیغمبران گرامی را مشاهده میکنید که نامهایشان در قرآنکریم ذکر شده است

۱ - آدم ع

ادریس ع ۲	نوح ع ۲	هود ع ۴	صالح ع ۵
ابراهیم ع ۶	لوط ع ۷	اسماعیل ع ۸	الْحَقُّ ع ۹
یعقوب ع ۱۰	یوسف ع ۱۱	ایوب ع ۱۲	شعیب ع ۱۳
موسی ع ۱۴	هارون ع ۱۵	داود ع ۱۶	سُلَیْمَان ع ۱۷
یونس ع ۱۸	الیاس ع ۱۹	ایسح ع ۲۰	ذمی الکفل ع ۲۱
عزیر ع ۲۲	زکریا ع ۲۳	یحیی ع ۲۴	عیسی ع ۲۵

۲۶ - محمد (ص)

پنج پیغمبر ان اولوالعزم

۱ نوح ع

۲ ابراهیم ع

۳ موسیٰ ع

۴ عیسیٰ ع

۵ محمد ص

حضرت محمد (ص) و چہار یارانش

۱ حضرت ابوبکر
صدیق رض

۴ حضرت
علی
رض

حضرت
محمد
ص

۲ حضرت
عُمر
رض

۳ حضرت
عثمان رض



HOLY QURAN

With

Tafsire Kabuli

26